



ستبران ۱۱۶

سرمقاله

۴ زمان برای ما و چالش هایمان نمی ایستد

پرونده اول

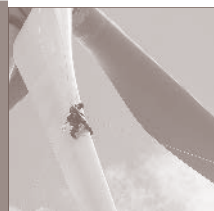
۶ بیراهه اقتصادی صادرات غیرنفتی
۷ موانع پیش روی صادرات صنعت برق
۹ جدال توسعه صادرات و جایگزینی واردات
۱۳ اقتصادی معیوب که صادرات برق را هم به چالش کشید
۱۹ تحریم فرصتی برای نگاه به واحدهای تولیدی داخلی



افول یا رونق صادرات؟

نگاه ویژه

۲۱ چرا ایران به انرژی های نو، آری نمی گوید؟
۲۴ بهره گیری از انرژی های تجدیدپذیر؛ ضرورت یا شعار
۲۸ حقی که به ناحق نادیده گرفته شد
۲۹ گیرودار تجدیدپذیرها با سازمان برنامه و بودجه حل شد؟



سکون تجدیدپذیرها

۳۰ **تریون آزاد:**
تراژدی رکود تجدیدپذیرها

صاحب امتیاز | سندیکای صنعت برق ایران

مدیر مسئول | غلامرضا ناصح

سردبیر | سپهر بزی مهر

اعضای شورای سیاست گذاری | علی بخشی، محمد بهزاد، ولی الله بیات، محمدصادق جنان صفت، عباس خالدنژاد، منصور سعیدی، سید علیرضا سیاسی راد، حمیدرضا صالحی، علیرضا کلاهی، حامد گرشاسبی، سعید مهذب ترابی، غلامرضا ناصح، محمدعلی وحدتی

دبیر تحریریه | سمیه کاظم زاده دهکردی

تحریریه | طیبه سادات میرحسینی، زینب حدادی، مرجان نظری فرد، علیرضا حسینی

طراحی گرافیک | ایمان جلالی

سایت | طیبه سادات میرحسینی

توزیع | سپیده گرجی

امور آگهی ها | بهارک باقرپور

امور اداری | سمیه برادران

لیتوگرافی، چاپ و صحافی | فارابی

- ۳۶ دو محور و هفت پیشنهاد
- ۳۸ بودجه صنعت برق با نمودارهایی رو به سقوط
- ۴۲ بودجه ای ویژه و مه آلود
- ۴۴ انتظارات بهارستانی ها از بودجه ۹۸



بایدهای بودجه ۹۸

- ۴۷ رابطه دولت و تشکل های صنفی تعریف نشده است



- ۵۲ بخشنامه جدید ارزی ابلاغ شد
- ۵۳ پرداخت تدریجی مطالبات اعضا



- ۵۵ از هیات رئیسه ادوار سندیکا تقدیر شد
- ۵۸ پیوند نخبگان و صنعتگران برق در بزرگترین رویداد علمی این صنعت
- ۶۴ نمایشگاه هجدهم؛ آوردگاه بین المللی صنعت برق



- ۶۶ اخبار هیات مدیره سندیکا
- ۶۷ اخبار کمیته های سندیکا
- ۶۹ رویدادها



ستبران ۱۱۶

نشریه داخلی سندیکای صنعت برق ایران، سال نوزدهم، شماره ۱۱۶، مهر و آبان ۱۳۹۷

ستبران، ارگان سندیکای صنعت برق ایران، تلاش می کند به منظور معرفی پتانسیل های حقیقی بخش خصوصی صنعت برق، به ویژه در حوزه سازندگان، پیمانکاران، مشاوران و شرکت های مهندسی بازرگانی، تصویرروشنی از توانمندی های این بخش نشان دهد. به علاوه شناسایی و بررسی چالش ها و گلوگاه های صنعت با هدف طرح دیدگاه های مختلف و روشن کردن زوایای مختلف اقتصاد کلان و خرد کشور هم از جمله دیگر سیاست های این نشریه است.

نشانی تهران، خیابان فاطمی غربی، خیابان سین دخت شمالی، پلاک ۱۵

تلفکس ۶۶۵۷۰۹۳۰-۶

فکس ۶۶۹۴۴۹۶۷

سازمان آگهی ها ۶۶۵۷۰۹۳۰-۶

سایت www.ieis.ir

ایمیل setabran@ieis.ir



زمان برای ما و چالش هایمان نمی ایستد

خواب عمیق ایران بر نازبالش نفت همچنان ادامه دارد. با وجود اینکه در طول سال های گذشته به ویژه طی دو دهه اخیر، توسعه صادرات غیرنفتی مهمترین شعار دولتمردان در دوره های مختلف محسوب می شد، اما ایران هنوز هم نسبت به پتانسیل های سرشارش، توفیق چشمگیری در حوزه صادرات غیرنفتی نداشته است. همچنان وزنه سنگین آمار در این حوزه در دست صادرات پتروشیمی و میعانات گازی است. ما حتی در صدور فرش، پسته و زعفران به عنوان مهمترین محصولات بومی هم پس رفت قابل توجهی داشته ایم. صادرات غیرنفتی علیرغم اهمیت قابل توجهش هنوز هم با گام هایی آرام و کم جان به پیش می رود. این لاک پشت آرام و مهجور، اگرچه هرگز از پای نایستاده اما بارها و بارها قربانی سیاست ورزی اقتصاد ایران شده است. نگاهی به گذشته نشان می دهد که در حوزه اقتصادی، توسعه صادرات غیرنفتی یکی از مهمترین وعده های انتخاباتی به ویژه در انتخابات ریاست جمهوری بوده است. آمار اما نشان می دهد که وعده ها در همان زمان انتخابات مانده اند و پا را فراتر از آن نگذاشته اند.

در این میان صنعت برق، بیشتر از سایر بخش ها با چالش مواجه بوده است. این صنعت اگرچه یکی از اولین بخش هایی بود که در کنار صادرات تجهیزات، صدور خدمات فنی و مهندسی را نیز کلید زد، اما در طول قریب به ۱۲ سال اخیر، آنقدر با چالش های مختلف دست و پنجه نرم کرده که توانی برای صادرات ندارد. روندی که با صدور ۷۰۰ میلیون دلاری آغاز شده و بعدها به دو و نیم میلیارد دلار رسید، امروز تا مرز پانصد میلیارد دلار کاهش یافته است.

چالش ها بسیارند و سخن در این باب بسیار گفته شده است. شاید نگاهی به ظرفیت ها و مزیت های گسترده صنعت برق برای صدور تجهیزات، خدمات فنی و مهندسی و برق به کشورهای همسایه، این مساله را یادآوری کند که هنوز برای برگرداندن لاک پشت محبوبمان به دور مسابقه دیر نشده است. صنعت برق ایران به عنوان یکی از داعیه داران خودکفایی، قادر به اجرای پروژه های پیمانکاری در منطقه بوده و هست و این مساله را بارها با حضور قدرتمند در مناقصات بین المللی و گذر از رقبای منطقه ای، آسیایی و بعضا اروپایی، ثابت کرده است. اما مشکلات داخلی اقتصاد کشور که به درستی به خودتحریمی تعبیر می شود، مهمترین مانع پیش پای صادرکنندگان محسوب می شوند. به فهرست خودتحریمی ها، نبود یک دیپلماسی هدفمند سیاسی. اقتصادی راهم باید افزود.

مهمترین سؤالی که در این میان مطرح می شود این است که آیا سفارتخانه های ایران در کشورهای هدف، بر روی بازاریابی و فراهم کردن بستری سیاسی برای حضور شرکت های ایرانی در این کشورها، کار کرده اند؟ پاسخ منفی است، اگرچه همچنان امیدهایی برای انجام اقدامات مثبت در این حوزه وجود دارد.

صنعت برق ایران با گستردگی اقلیمی و جغرافیایی از ظرفیت قابل توجهی برای مدیریت پیک مصرف برخوردار است. در صورتی که امکان صدور برق به بخش خصوصی داده شود و زمینه های قانونی و اعتباری ساخت خطوط انتقال برای این بخش فراهم آید، قادر به صدور برق به کشورهای همسایه خواهیم بود. این مساله علاوه بر ایجاد ارزش افزوده فراوان برای کشور، می تواند تا حد قابل توجهی به ایجاد امنیت سیاسی از طریق وابستگی های اقتصادی ناشی از تامین برق منجر شود.

استفاده از ظرفیت گاز کشور برای تولید و صدور برق هم یکی دیگر از پرونده های مفتوح و خاک خورده ای است که سال هاست توسط فعالان این صنعت دنبال شده و بی نتیجه مانده است.

صنعت برق قادر است به یکی از پیشگامان صادرات بدل شود، اما این روزها در وانفسای نرخ ارزی که چند برابر شده، مواد اولیه ای که گران شده اند، نقدینگی که ته کشیده و تحریم هایی که مثل موربانه به جان ریشه های شرکت ها افتاده اند، صنعت توانی برای مواجهه با رقبای بین المللی ندارد.

البته بی هیچ تردیدی در رکود، کمبود نقدینگی و بازار اشباع شده داخلی، صادرات تنها راه نجات محسوب می شود اما دولت و سایر نهادهای تصمیم ساز باید این مسیر گل آلود را هموار کنند. ما هر روز زمان را برای سهم خواهی از بازارهای منطقه از دست می دهیم. حالا رقبای منطقه ای به تدریج جای شرکت های ایرانی را می گیرند. زمان برای ما و چالش های بی حد و حسابمان نمی ایستد، باید زودتر فکری به حال صادراتی کنیم که بزرگترین منجی ما در جنگ نابرابر اقتصادی خواهد بود. ■

افول یا رونق صادرات؟

(پرونده)



۵

پرونده

افول یا رونق
صادرات



بازارهایی که از دست می روند؛

بیراهه اقتصادی صادرات غیرنفتی

روزهای دشوار اقتصاد ایران روی دور تکرار، استمرار می یابند. انگار قرار نیست این اقتصاد نحیف که سال هاست از ابتلای آن به بیماری هلندی سخن گفته می شود، روی خوش به خودش ببیند. این روزها در بوران موج تورمی و ارزی که بی ثباتی اش تمام بخش های صنعتی، اقتصادی و بازرگانی را زمینگیر کرد، باید منتظر عواقب و عوارض غیرقابل پیش بینی تحریم های نفتی باشیم.

خروج آمریکا از برجام و عقب نشینی بسیاری از شرکت های اروپایی از بازار ایران به دنبال بدعهدی این کشور، مساله ای بود که اگرچه با روشن شدن نتیجه انتخابات آمریکا احتمال آن وجود داشت اما برای اقتصاد ایران همه چیز مانند شوک عمل می کند، چرا که علیرغم پیش بینی ها، چاره اندیشی عملیاتی صورت نمی گیرد.

حالا در آستانه آغاز تحریم های نفتی و بلا تکلیفی درآمدهای حاصل از فروش نفت، بودجه ریزی برای سال آینده آغاز شده است. حتی دولتمردان هم به نامعلومی آنچه که بر سر درآمدهای نفتی کشور در طول سال آتی خواهد آمد، صحنه گذاشته اند. از این سو اما بخش خصوصی علاوه بر دغدغه های کلان اقتصاد، در رکود، بی پولی و تحریم ناگزیر است برای بقای خود تلاش کند.

در این کارزار دشوار نابرابر، صنعت برق شرایط بسیار دشوارتری دارد. صنعتی که تا همین چند سال پیش داعیه دار خودکفایی و نماد روشنی از توسعه و پیشرفت بود، این روزها روی پاهای لرزان بخش خصوصی ایستاده است که هزاران میلیارد تومان از دولت طلب دارد، پروژه هایش در گلوگاه قراردادهای غیرمنصفانه و یکسویه متوقف شده اند و اساسا بازار کار مناسبی برای ادامه فعالیت خود ندارد.

همین صنعت اولین صادرکننده خدمات فنی و مهندسی در سال ۱۳۷۸ بود. اولین صنعتی که در کنار صدور تجهیزات، صدور خدمات فنی و مهندسی را در قالب اخذ پروژه های بین المللی به ویژه در بازار کشورهای همسایه آغاز کرد. به این ترتیب صادرات خدمات فنی و مهندسی ایران به همت فعالان صنعت برق و با رقمی بالغ بر ۷۰ میلیون دلار کلید خورد. این رقم در سال های بعد به دو و نیم میلیارد دلار هم رسید. ظرفیت ها و پتانسیل های صنعت برق به اندازه ای برای صدور تجهیزات و خدمات

فنی و مهندسی گسترده و قابل اتکا بود که در چشم انداز بیست ساله کشور برای این صنعت سهمی ۲۰ میلیارد دلاری در نظر گرفته شد. باور مدیران صنعت برق هم این بود که توانمندی لازم برای صدور این میزان تجهیزات و خدمات در این صنعت وجود دارد.

سیر صعودی صادرات حتی در دوران دلار هزار تومانی هم ادامه یافت و صادرات به عنوان یک نقطه قوت و امید دروازه هایش را به روی شرکت های فعال صنعت برق گشود. در همان زمان سندیکای صنعت برق ایران بارها بر لزوم واقعی سازی تدریجی نرخ ارز به منظور شفاف سازی فضای اقتصاد و سوق دادن بنگاه های اقتصادی به سمت صادرات تاکید کرد.

بعدها چند برابر شدن نرخ دلار در طول سال های ۹۰ و ۹۱ اگرچه به ایجاد موج تورمی منجر شد و اقتصاد کشور را مثل همیشه غافلگیر کرد، اما باز هم یک گام به سوی واقعی سازی نرخ ارز بود و در فاصله کوتاهی به رونق صادرات غیرنفتی منجر شد. با این حال ناسامانی های اقتصاد داخلی و تحریم های گسترده آن زمان باز هم صادرکنندگان را دست بسته نگاه می داشت.

با آغاز به کار دولت یازدهم، تصویب برجام و بازگشت ایران به روابط بین المللی، زمینه برای توسعه صادرات فراهم شد اما درست در همان زمان اقتصاد ایران گرفتار رکود تورمی بود. رکودی که دامنه اش را تا امروز که قریب به شش سال از آن زمان می گذرد، گسترده است.

صادرات صنعت برق در طول چند سال اخیر علیرغم ظرفیت ها و پتانسیل های موجود، کاهش یافته است. حالا افزایش نرخ ارز هم نمی تواند دردی را از صادرکنندگان این صنعت دوا کند، چرا که در ساختار بیمار اقتصاد داخلی، توانی برای حضور در رقابت های بین المللی برای آنها باقی نمی ماند.

سوال اینجاست که چرا نتوانستیم حتی به ارقام پیش بینی شده در چشم انداز ۱۴۰۴ نزدیک شویم؟

پاسخ روشن است؛ ایران در چشم انداز بیست ساله قرار بود که به هاب انرژی منطقه تبدیل شود اما حتی برای سرمایه گذاری های لازم به منظور پایداری شبکه و تامین رشد مصرف برق داخلی هم دچار مشکلات عدیده است. خاموشی های امسال گواه روشن این مدعا است. در چشم انداز بیست ساله، بخش خصوصی بیشترین سهم را از توسعه پایدار اقتصادی دارد.

امروز اما بدنه دولت و وزارت نیرو هر روز در حال بزرگتر شدن است. دولتی فربه و غیرچابک که نه تنها کمکی به بخش خصوصی نمی کند، بلکه هر روز بار کمبود نقدینگی، سوء مدیریت و قراردادهای یکسویه اش را هم روی شانه های نحیف این بخش می گذارد. حالا آنچه از بنگاه های اقتصادی چالاک، به روز و توسعه محور باقی مانده، شرکت هایی تضعیف شده اند که برای بقای خود می جنگند.

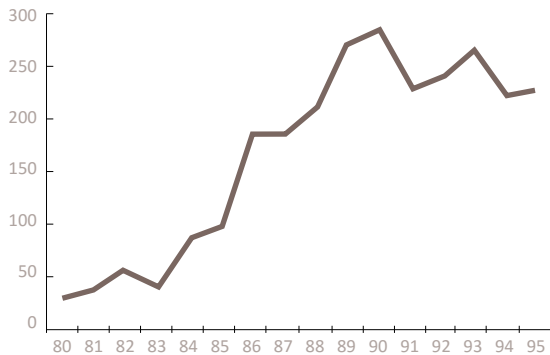
البته بدون شک در این صنعت شرکت های بزرگ و موفق هم هستند که توانسته اند در بلبشوی امروز اقتصاد کشور، گلیم خود را از آب بیرون بکشند اما کلیت فضای حاکم بر صنعت برق چیزی بیش از آنچه بدان اشاره شد، نیست. بر مبنای سند چشم انداز قرار بود صادرات صنعت برق تا مرز ۲۰ میلیارد دلار افزایش یابد، اما حالا حتی نزدیک شدن به این رقم هم دور از ذهن به نظر می رسد. نه به این دلیل که ظرفیت آن وجود ندارد، بلکه به این خاطر که زمینه ای برای توسعه صادرات ایجاد نشده است.

کافی است به افزایش قیمت مواد اولیه و دشواری های واردات تجهیزات واسطه ای و برخی از نهاده های تولید دقت کنیم. آنگاه در خواهیم یافت که ما مزیت های لازم برای رقابت در بازارهای بین المللی را به طور کامل از دست داده ایم. در کنار آن بنگاه های صادرکننده ایرانی، هرگز به درستی از توان دیپلماسی سیاسی برای حضور در بازارهای هدف بهره مند نبوده اند. تجربه امروز آنها از صادرات تنها دستمایه تلاش و کوشش خود آنهاست. این در حالی است که رقبایشان در یک مواجهه نابرابر علاوه بر بهره مندی از جویز صادراتی که در ایران بیشتر به یک لطفه شبیه است، از دیپلماسی قدرتمند دستگاه های سیاسی دول

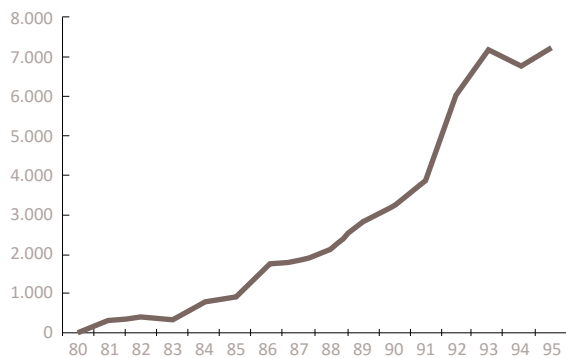
متبوع خود نیز برخوردارند. دست صادرکنندگان ایرانی خالی تر از هر زمانی است. آنها ظرفیت، پتانسیل و توان تولید کالا و خدمات صادراتی را دارند، اما آنقدر چوب لای چرخشان گیر کرده که برای پیش بردن هر گام، ناگزیرند از جان مایه بگذارند. توسعه صادرات غیرنفتی می تواند ناجی اقتصاد ایران باشد، اگر دولتمردان و سیاستگذاران به این مساله باور داشته باشند و پا را از وعده و وعید فراتر بگذارند، شاید حادثه ای تازه در اقتصاد کشور رخ دهد. ■



موانع پیش روی صادرات صنعت برق



نمودار ۱. صادرات تجهیزات برقی (میلیون دلار)



نمودار ۲. صادرات تجهیزات برقی (میلیارد ریال)

۲. چشم انداز جهانی بازار کالاها و تجهیزات برقی

نمودار زیر پیش بینی روند افزایشی مصرف برق در سطح جهان را تا سال ۲۰۳۵ نشان می دهد.

مطابق همین گزارش، می توان به ترتیب سهم مناطق مختلف جهان را در بازار صادرات و واردات تجهیزات الکتریکی در نمودارهای ۶ و ۷ مشاهده کرد: همچنین گزارش فوق به ارائه میزان تقاضای جهانی برای تجهیزات برقی در شرایط موجود و پیش بینی آن در آینده تا افق ۲۰۳۰ می پردازد که حکایت از افزایش قابل توجه در تقاضای جهانی برای تجهیزات برقی دارد. بر این اساس انتظار می رود ارزش بازار جهانی تجهیزات الکتریکی به صورت تجمعی از بیش از ۳۰۰۰ میلیارد دلار در فاصله سالهای ۲۰۰۸-۲۰۱۵ به ۶۸۰۰ در بازه ۲۰۱۶-۲۰۳۰ افزایش داشته باشد که سهم آسیا و منطقه اقیانوسیه ۴۵٪ است و در آینده با توجه به نرخ رشد اقتصادی مورد انتظار بالا در این منطقه، انتظار می رود این منطقه بیشترین تقاضا را تجربه کند.

بخش خصوصی صنعت برق ایران با توجه به تجاربی که در روند توسعه زیرساخت های کشور بدست آورده است، واجد توانمندی هایی شده که امروزه به عنوان یکی از پیشگامان صادرات خدمات فنی و مهندسی در کشور مطرح می باشد. این درحالی است که در سال گذشته روند صادرات این صنعت کاهش یافته و علیرغم ظرفیت های بالایی که دارد، رشد آن متوقف گردیده است. بررسی علل موفقیت و موانع رشد صادرات صنعت برق نیازمند تحقیق مفصلی است که در حال حاضر در بخش پژوهش سندیکای صنعت برق ایران در حال انجام است. با توجه به اهمیت موضوع، در این گزارش سعی می شود ابتدا با نگاهی به روند صادرات این صنعت در دهه های گذشته، تصویری از وضع موجود صادرات این بخش ارائه شود. سپس با نگاهی به چشم انداز بازارهای جهانی، پتانسیل های ارزآوری این صنعت را نشان داد. در انتهای این گزارش محورهای اصلی چالش های پیش روی صادرات صنعت برق جهت طرح بحث و دریافت نقطه نظرات صاحب نظران صنعت ارائه می گردد تا در حین تکمیل تحقیق در دست انجام این بخش، بکارگرفته شود.

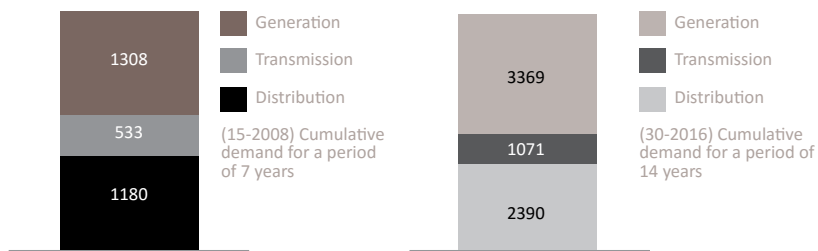
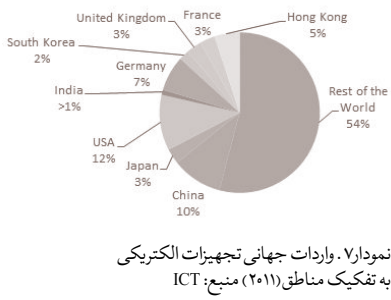
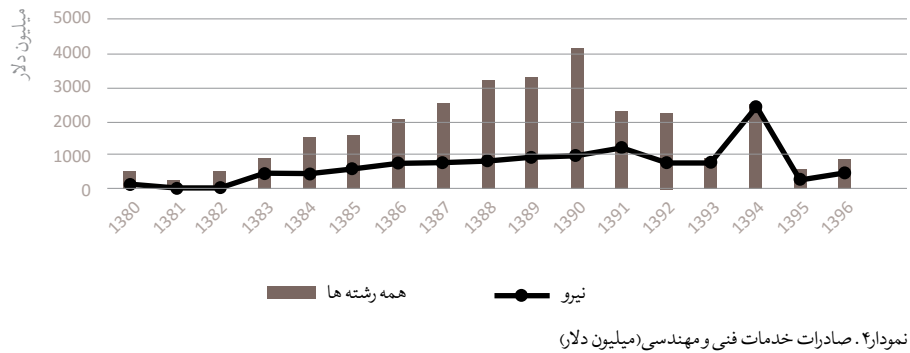
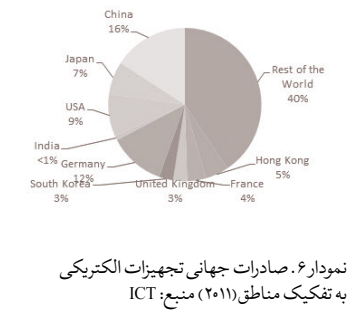
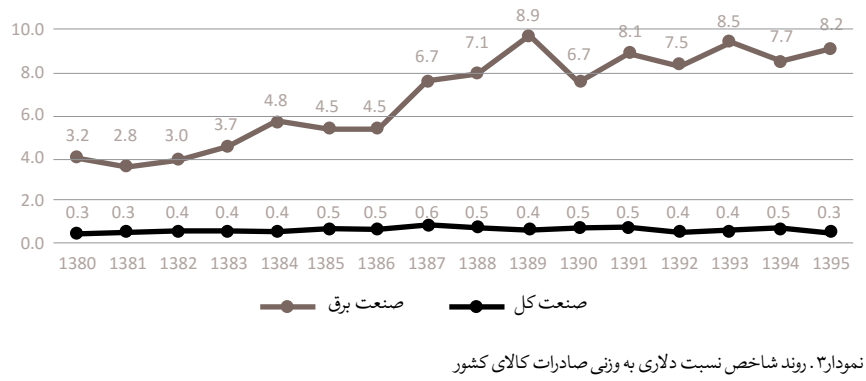
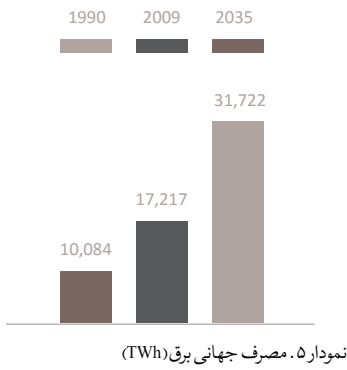
۱. روند صادرات تجهیزات و خدمات مهندسی برق ایران

آمارهای موجود در زمینه صادرات تجهیزات مهندسی نشان می دهند که صادرات تجهیزات برقی ایران در طی سال های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۵ روند مثبت و رو به رشدی داشته است و به مجموع رقم ۲۳۱ میلیون دلار در سال ۱۳۹۵ رسیده است. نمودارهای زیر روند فوق را به صورت ریالی و دلاری نشان می دهند.

همچنین محاسبه نسبت صادرات تجهیزات به برخی متغیرهای کلیدی اقتصاد ایران نشان می دهد، صادرات تجهیزات برقی در سال ۱۳۹۵، ۰،۶۷۵ درصد از صادرات غیرنفتی، ۰،۶۴۷ درصد از تولید غیرنفتی، ۰،۴۶۲ درصد از ارزش افزوده کل صنعت و ۱،۲۵۴ درصد از ارزش افزوده بخش آب، برق و گاز را به خود اختصاص داده است. چنانچه روند این نسبت ها را در طول ۱۵ سال اخیر منتهی به سال ۱۳۹۵ بررسی کنیم، روند تغییرات نسبت های فوق خصوصاً در ارتباط با نسبت های صادرات تجهیزات برقی به ارزش افزوده بخش صنعت و نسبت صادرات تجهیزات برقی به تولید غیرنفتی به روشنی افزایشی است.

از جمله متغیرهای دیگر که می تواند به منظور ارزیابی ارزآوری این صنعت مورد تحلیل قرار گیرد، نسبت ارزش دلاری به وزنی صادرات است که روند این شاخص برای کل صنعت و صنعت برق در نمودار زیر ترسیم شده است و به خوبی نشان از ارزآوری این صنعت دارد.

در زمینه خدمات فنی مهندسی، آمار صادرات خدمات فنی و مهندسی در تمامی رشته ها و در بخش نیرو در نمودار زیر ارائه می گردد که حاکی از روند صعودی صادرات خدمات فنی و مهندسی بخش آب و برق در فاصله سال های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۴ است که در سال ۱۳۹۴ رقم صادرات فوق به ۲۴۳۸ میلیون دلار رسیده است و بعد از آن کاهش داشته است. همچنین بخش آب و برق در دو سال منتهی به ۹۴ بیش از ۹۰ درصد صادرات خدمات فنی و مهندسی کشور را به خود اختصاص داده است.



۳. چالش ها و مسائل صادرات

شرکت های سازنده و پیمانکار و مشاور ایرانی، علی رغم موانع متعددی که در تجارت جهانی برای آنها وجود داشته است، با محدودیت ها و چالش های متعددی از جمله ضعف نظام بانکی برای ارائه خدمات کارآمد بانکی بین المللی، ریسک بالای غیرتجاری صادرات به کشورهای مقصد بویژه در خاورمیانه (با توجه به اینکه نوع تجارت صنعت برق از مدل B2G پیروی می کند)، ضعف در بکارگیری ابزارهای تامین مالی برای تعریف و اجرای پروژه های زیرساختی برق در کشورهای مقصد، عدم هماهنگی و وجود رقابت های منفی بین شرکت های صادرکننده ایرانی در بازارهای مقصد، عدم استفاده بهینه از ظرفیت های بین المللی و نظام های مالی و پولی جهانی برای پشتیبانی از فعالیت های صادراتی و ضعف حکمرانی و سیاست های دولتی در تشویق و توسعه صادرات، روبه رو هستند که در ایجاد محدودیت برای صادرات این بخش موثر بوده اند. چالش های صادرات برق خصوصا با محور تجهیزات و خدمات فنی مهندسی برق که مرکز توجه اصلی این گزارش است را می توان در چهار بعد اصلی ردیابی کرد که عبارتند از عوامل عرضه، عوامل تقاضا، صنایع و خدمات پشتیبانی، نظام حکمرانی صادرات برق.

در بخش عوامل تقاضا، عمدتا «ضعف اطلاعات بازار» و «فقدان روابط اقتصادی پایدار و عدم ثبات در روابط سیاسی (ناثنی از تحریم ها)»، «ریسک های بالای خریداران بدلیل تحریم های بین المللی»، فرآیند صادرات را با موانع جدی روبه رو کرده است. در سمت عرضه، می توان به «ضعف در قدرت رقابت پذیری شرکت های صادراتی (قیمت تمام شده بالا و کیفیت غیررقابتی)»، «ضعف برندینگ و شهرت تجاری بین المللی»، «رقابت های مخرب شرکت ها در بازارهای هدف» و «ریسک های غیرتجاری شرکت های صادرکننده در بازارهای هدف» اشاره کرد. در زمینه صنایع و خدمات پشتیبانی به نظر می رسد باید به نقش «خدمات ناکارآمد بانکی بین المللی و مشکل نقل و انتقال پول»، و «ضعف شرکت ها در تامین مالی پروژه های توسعه ای» اشاره کرد. در نهایت در بخش حکمرانی، «ضعف در نظام یکپارچه حکمرانی صادرات صنعت برق» و «ناهماهنگی وزارت خانه های مرتبط در امر قانون گذاری و اجرای قوانین مربوط به صادرات، موانعی است که گریبان گیر صادرات شده است.

غلبه یافتن بر چالش های ارائه شده نیازمند هم اندیشی خبرگان صنعت و دانشگاه برای ارائه راهبردهای بلندمدت و راهکارهای میان مدت و کوتاه مدت است تا بتوان، توان صادراتی بخش خصوصی را در صنعت برق افزایش داد و به نظر می رسد با رفع موانع، امکان رسیدن به صادرات ۱۰ میلیارد دلاری دور از دسترس نباشد. از این منظر، تیم تحقیق موضوع صادرات صنعت برق، از خبرگان و متخصصان دعوت به عمل می آورد تا با ارائه نقطه نظرات خود، در حل مسائل صادرات صنعت برق و رشد آن یاری رسانند. ■

۸ پرونده

۱۱۶ مهر و آبان ۹۷



/ روجا علیرام /

جدال توسعه صادرات و جایگزینی واردات

کم و بیش ۷۰ سال از انتشار نظریات در پیوند با راهبرد جایگزینی واردات می‌گذرد و هرچند این راهبرد هنوز در کشور ما، «ایران» هواداران بسیاری دارد، لیکن اقتصاددانان اکلا در همان سال‌های نخست کار از این راهبرد چشم پوشیده و تلاش کردند که راه‌های دیگری را برای بهبود اوضاع بیانند.

داستان جایگزینی واردات و چگونگی پیاده کردن بسیار طولانی پیچیده دلایل موفق نبودن راهبرد یاد شده بسیار بود که توضیح کامل از گنجایش این گزارش بیرون است، اما مهم‌ترین دلایل شکست این راهکار، ناتوانی کشورهای غیرغربی از فراهم کردن ابزار ضروری برای تولید نیازهای خود در درون کشور و همکاری نکردن سرسختانه غرب برای دستیابی به این لوازم بود و از سوی دیگر تولید همه این نیازمندی‌ها در درون کشور با توجه به نبود مزیت اقتصادی در بیشتر موارد و سرسام‌آور بودن هزینه‌ها ناممکن می‌نمود.

در گام دوم صاحب نظران اکلا راهبردی با عنوان «توسعه صادرات» را رونمایی کردند که مورد توجه بسیاری قرار گرفت. هرچند از عمر این

از نیرویی برخوردار شد که بتوان با فرمانروایان گذشته جهان به هم‌اوردی پرداخت. این پرسش‌های بنیادین به یک دوره پرفراز و نشیب از پژوهش‌های گسترده انجامید که در دهه‌های واپسین به آفرینش نظریه‌های ژرفی همچون نظریه وابستگی پایان پذیرفت.

در آغاز این راه بیشتر اقتصاددانان مارکسیست مکتب اکلا بر این باور بودند که برای موفقیت و دستیابی به اهداف یاد شده باید همپای کشورهای غربی شد، به این معنا که باید از نظرتوان اقتصادی به سطح آن کشورها رسید.

در این رویکرد «اکلا» پیشنهاد می‌کرد که کشورهای غیرغربی می‌بایست تلاش کنند که همه نیازهای خود را که از کشورهای غربی وارد می‌کنند، در درون کشور خود تولید کرده و از این رهگذر همراه با کاستن از نیازمندی خود به غرب استعمارگر و پیشرفت‌های صنعتی و علمی، بتوانند از بیرون رفتن منابع خود به سوی کشورهای متروپل نیز جلوگیری کنند. این راهبرد در ادبیات اکلا و به در سطحی عام‌تر، ادبیات توسعه با عنوان راهبرد «جایگزینی واردات» یاد می‌شود.

بیش از ۷ دهه از پایه‌گذاری مکتب «اکلا» (ECLA) که نام کوتاه شده‌ای برای «کمیسون اقتصادی امریکای لاتین» است می‌گذرد. گروهی از اقتصاددانان چپ‌گرای امریکای لاتین که در جستجوی راهی برای پیشرفت و بهبود وضعیت اقتصادی کشورها و مردم خود بودند در چارچوب این مکتب دست به پژوهش‌های دامنه داری زدند که تا امروز نیز کم و بیش ادامه دارد. نظریات و بحث‌های طرح شده توسط اقتصاددانان این مکتب به زودی مورد توجه جهانی قرار گرفت و این افراد در اندک زمانی به اندیشمندانی نام‌آور بدل شدند. دلیل این توجه آن بود که موضوعات مورد پژوهش آنان، پرسش‌هایی بود که بیشتر کشورهای غیراروپایی جهان با آنها روبرو بودند: چگونه می‌توان در برابر غول‌های اقتصادی و صنعتی جهان سرمایه‌داری که سال‌های پی در پی رشد خیره‌کننده اقتصادی، صنعتی، فن‌آوری و... را تجربه کرده و در عصر استعماری که سده‌ها به درازا کشید، شیره جان کشورهای هم‌چون ملل امریکای جنوبی را برای پیشرفت خود مکیده بودند، به استقلال دست یافت و

راهبرد نیز دیرزمانی گذشته و در پس آن نظریات پرشمار دیگری از اکلا و دیگر اقتصاددانان توسعه پا به عرصه دانش اقتصاد نهاد، لیکن می‌توان گفت که راهبرد توسعه صادرات یکی از انگشت‌شمار راهکارهای این حوزه است که روندی عملیاتی و پراتیک را پیش روی کشورهای غیرمی‌نهد و از پس گذر سالیان دراز هنوز نیز مورد توجه بسیاری قرار دارد.

در راهبرد توسعه صادرات، اکلا به کشورهای هدف پیشنهاد می‌کرد تا به جای تلاش برای از میان برداشتن وابستگی و رسیدن به خودبسندگی، بر تراز تجاری کشور خود متمرکز شده و برای مثبت کردن آن تلاش کنند. در این راهبرد کشور سعی خواهد کرد تا به جای ساختن چیزهایی که توان آن را نداشته یا هزینه‌های سنگینی در پی دارد، آنها را وارد کند، اما در برابر آن با تمرکز بر اقلامی که امکان تولید آنها را با قیمتی مناسب داشته و درخواستی نیز برایشان در بیرون از کشور وجود دارد، صادرات

»

صادرات در کشوری مانند ایران و دیگر کشورهای خاور میانه ویژگی‌ها و دشواری‌های دیگری نیز دارد. این گروه از کشورها به میانجی بر خورداری از کالایی به نام نفت که ارزشمند نیز هست، شرایط ویژه‌ای دارند، به صورتی که ناچار می‌بایست این کالای چسبناک سیاه را از دیگر اقلام صادراتی جدا کرد و در بخشی ویژه به آن پرداخت

این کالاها را تا بیشترین گنجایش ممکن گسترش دهد تا جایی که میزان کل آن از رقم مجموع واردات کشور پیشی گرفته و تراز تجاری کشور را مثبت کند.

اعضای اکلا بر این باور بودند که با در پیش گرفتن این راهبرد به دلیل مثبت بودن پیایی تراز اقتصادی کشور، این میزان درآمد افزوده در کشور باقی ماند و روی هم گرد خواهد آمد تا به میانجی آن از یک سورفاه اقتصادی و ثروت گسترش یابد و از سوی دیگر سبب خواهد شد که آن کشور پس از مدتی توان رقابت و آغاز تولیدات راهبردی را پیدا کند.

اگرچه این روش بدون کاستی نبوده و انتقادهایی نیز بر آن وارد است، لیکن به دلیل اینکه یکی از کم‌شمار نظریاتی است که راهکاری روشن برای پیشرفت اقتصادی ارائه داده و شماری از کشورهای غیرغربی نیز با در پیش گرفتن آن نتایج مثبتی را به دست آورده‌اند، پس باید گفت که نمی‌توان از کنار این راهبرد به سادگی گذشت و این امکان همچنان نیز وجود دارد که از این رویکرد، دست کم به عنوان یک راهکار فرعی در کنار راهبردهای دیگر بهره‌جست.

همچنان که امروزه نیز بسیاری از کشورهای به اصطلاح در حال توسعه به این راهبرد و پیش‌شرط‌ها و شرایط آن توجه ویژه دارند.

البته یکی از مواردی که باید با صراحت به آن اشاره کرد این است که اقتصاددانان اکلا که بیشتر چپ‌گرا نیز بودند، در کنار تأکید بر حفظ استقلال در مقابل جهان امپریالیستی و استعمارگر در حوزه سیاست، در عرصه اقتصاد توجه چندانی به این موضوع نداشته و این مباحث را در روابط تجاری و اقتصادی خود وارد نمی‌کنند. در واقع این ۲ حوزه را به صورت کاملاً جدا از یکدیگر در نظر می‌گیرند. این رویه هنوز هم در سیاست‌گذاری بسیاری از کشورها به ویژه کشورهای آمریکای لاتین و خاور دور به چشم می‌خورد.

اقا صادرات در کشوری مانند ایران و دیگر کشورهای خاور میانه ویژگی‌ها و دشواری‌های دیگری نیز دارد. این گروه از کشورها به میانجی برخورداری از کالایی به نام نفت که ارزشمند نیز هست، شرایط ویژه‌ای دارند، به صورتی که ناچار می‌بایست این کالای چسبناک سیاه را از دیگر اقلام صادراتی جدا کرد و در بخشی ویژه به آن پرداخت.

هرچند نفت ارزشمند است و با صادرات آن به میزان بالا می‌توان تراز تجاری را مثبت و سیل ارز را به کشورهای دارنده آن سرازیر کرد، اما در نخستین نگاه مشخص می‌شود که اگر به هر دلیلی کوچکترین دشواری یا اخلاقی در روند صادرات نفت و دریافت پول آن ایجاد شود، وضعیت کشور صادرکننده ناپایدار و به سرعت با مشکل روبرو خواهد شد. پس باید فکری برای ایجاد امنیت بیشتر و مثبت نگاه داشتن تراز تجاری به صورت پیوسته کرد که یکی از راهکارهای ممکن می‌تواند صادرات دیگر اقلامی باشد که نفتی نبوده و کشور از امکان تولید آنها برخوردار است. البته باید در همینجا تأکید کرد که این روش تنها راه نیست و روش‌های دیگری از جمله سرمایه‌گذاری درست درآمد نفتی در تجارت‌های سودآور بین‌المللی، ایجاد مراکز تجاری، اداری و گردشگری با درآمد نفتی، ایجاد محیط مناسب برای سرمایه‌گذاری خارجی در کشور به یاری دلارهای نفتی و یا تمرکز بر ایجاد شرایط امن برای صادرات نفت به جای تمرکز بر آمادگی برای هنگامی که این صدور به خطر خواهد افتاد نیز وجود دارد که برخی کشورهای صادرکننده نفت آنها را برگزیده‌اند. لیکن به هر حال صادرات غیر نفتی و ایده کاهش وابستگی به نفت نیز یکی از راه حل‌های ممکن است.

صادرات کشوری که اقتصادشان نفت-محور است معمولاً به دو بخش صادرات نفتی و محصولات نفتی، و صادرات محصولات غیرنفتی تقسیم می‌شود و اهمیت صادرات

غیرنفتی و نقش آن در رشد و توسعه اقتصادی کشورها همواره به عنوان یکی از موضوعات مهم، مورد بررسی قرار می‌گیرد. برخی کارشناسان بر این باورند که چون فرایند ارزیابی اقتصاد ایران بیشتر به نفت و فرآورده‌های آن که قیمت‌گذاری آنها در بازارهای بین‌المللی همواره دستخوش نوسانات و دگرگونی ناگهانی است وابسته بوده و صدور مواد معدنی و نفتی به صورت مواد اولیه و خام، با توجه به تجدیدنپذیر بودن این منابع، تکیه سنگین به آنها برای تأمین ارز واردات کشور نگران‌کننده خواهد بود. پس باید به دنبال صادرات محصولات دیگر بود.

از سوی دیگر تجربه بسیاری از کشورهای جهان که با نداشتن منابع نفتی توانسته‌اند در گروه کشورهای توسعه یافته قلمداد شده و محصولات تولیدی آنها در بازارهای جهانی دارای ارزشی چندین برابر قیمت نفت و مشتقات آن است، ضرورت بررسی عوامل تأثیرگذار بر صادرات غیرنفتی را بیش از پیش مشخص می‌کند.

امروزه نقش صادرات بیش از ارزیابی برای کشور، در اشتغال، تولید و رشد اقتصادی بارز می‌شود. از سوی دیگر برای صادرات باید تولید افزون بر مصرف داخلی داشت که لازمه آن تولید بیشتر است. در کشورهای کمتر توسعه یافته که در سرمایه‌گذاری دچار کمبودند و یا روند آن کند است، لزوم سرمایه‌گذاری دولت در بخش‌های زیرساختی اقتصاد کشور برای جذب سایر سرمایه‌ها و به ویژه سرمایه مستقیم خارجی انکارناپذیر است، چرا که تنها از این رهگذر زمینه برای تولید بیشتر فراهم آمده و صادرات افزایش یابد.

صادرات نفتی که بخش عمده‌ای از اقتصاد کشورهایمانند ایران (بیش از ۶۰ درصد ارزش صادرات)، عربستان (۷۰ درصد)، و قطر (۸۵ درصد) را تشکیل می‌دهد به معنی فروش نفت خام، و محصولات نفتی پالایشی به سایر کشورها است. عمده این محصولات شامل نفت خام، بنزین، گازوئیل، روان‌کننده‌های صنعتی، سوخت هواپیما و ... است. اما صادرات غیر نفتی به معنی صادرات محصولات پتروشیمی، و سایر کالاها و خدمات است. به عنوان نمونه عمده‌ترین محصولات صادرات غیرنفتی کشورمان شامل پروپان مایع شده، پلی‌اتیلن، سنگ آهن و کنستانتانه‌های آن، متانول، پسته، بوتان مایع شده، انواع گازهای نفتی، فرش و کفپوش‌های نساجی، اوره، سیمان، آلومینیوم، زعفران، و خودرو می‌شود.

اکثر مسئولان و کارشناسان بر این عقیده هستند که توسعه صادرات غیرنفتی مسیر اصلی کاهش وابستگی درآمدهای ارزی کشور به فروش نفت خام است و توسعه آن می‌تواند آورده‌های جدیدی را برای دیپلماسی کشور ایجاد کرده و



به بیان دیگر شمار ابزارهای سیاست خارجی را افزایش خواهد داد.

در ده سال میان سال‌های ۸۱ تا ۹۱ بیشتر ارقام صادراتی از نظر ارزش دلاری عبارتند از محصولات پتروشیمی (۲۹٫۱ درصد)، محصولات کشاورزی (۵٫۳ درصد)، فلزات کارنشد (۴٫۶۷ درصد) و محصولات نساجی (۳٫۱ درصد). مجموع چهار دسته فوق‌الذکر ۳۴٫۹۱ درصد از کل صادرات غیرنفتی ایران را تشکیل می‌دهد که به نوعی تمامی آنها در زمره محصولات خام و یا محصولات با ارزش افزوده پایین قرار دارند. در واقع محصولاتی از این دست همان کالاهایی هستند که در کشورهای در حال توسعه دیگر که هیدروکربورها را در اختیار ندارند تولید و صادر می‌شود.

بیشترین رشد صادرات غیرنفتی مربوط به محصولات پتروشیمی است که به دلیل پیشروی در طول زنجیره اقتصادی محصولات حوزه نفت و گاز قابل تقدیر است. لیکن میزان ارزش افزوده حاصل شده تا این سطح از فراوری نسبت به آنچه که در حلقه‌های پایین دست ایجاد می‌شود بسیار ناچیز است، به گونه‌ای که همچنان می‌توان صادرات محصولات پتروشیمی را نوعی خام فروشی محسوب کرد. همچنین مشاهده می‌شود که سهم سایر حوزه‌های غیرنفتی در کل صادرات کاهش یافته است. در میان سایر گروه‌های صادراتی تنها گروه نساجی که محصول اصلی آن فرش می‌باشد، به عنوان یک محصول نهایی است که این محصول نیز محصولی با ارزش افزوده پایین به شمار می‌آید.

به طور کلی یکی از مهم‌ترین مشکلات کشورهای در حال توسعه و جهان سوم، تک محصولی بودن و وابستگی اقتصاد آنها به صدور مواد خام و اولیه است که آثاری منفی در ساختار اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حتی

فرهنگی برجای گذاشته است. از آنجایی که بخش بزرگی از درآمدهای ارزی این کشورها فقط با صدور یک یا چند قلم مواد خام و اولیه به دست می‌آید و دست کم در بلند مدت در برابر ناملایمات و فشارهای خارجی ساختاری بسیار ضعیف و شکننده قرار دارند. بدیهی است در چنین شرایطی هرگونه نوسان غیرعادی که در قیمت این کالا یا کالاهای محدودی که منابع اصلی درآمد این کشورها را تشکیل می‌دهد به وجود آید، آثار پدیده‌ای بر ساختار اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حتی فرهنگی آنها خواهد داشت.

براساس تحقیقاتی که به تازگی کنفرانس توسعه و تجارت سازمان ملل (آنکتاد) انجام داده است؛ در سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۱ شاخص قیمت مواد خام اولیه، یعنی منبع اصلی درآمد کشورهای جهان سوم، به طور چشمگیری کاهش یافته و این مسئله شماری از آنها را ناگزیر به بازنگری در ساختار اقتصادی خود کرد تا تنوعی در صادرات خود به وجود آورند. برای نمونه، می‌توان به کشور مالزی اشاره کرد که تا ۱۵ سال پیش منابع درآمدی محدودی داشت و بخش اصلی نیازهای خود را تنها از رهگذر صدور نفت خام، قلع و کائوچو تأمین می‌کرد اما الهام گرفتن از موفقیت‌های اقتصادی تجاری کشورهایی مانند سنگاپور، تایوان، کره، هنگ کنگ و حتی تایلند، به ویژه در زمینه توسعه صادرات، این کشور را نیز به تنظیم راهکار دراز مدت توسعه صنعتی و تنوع بخشیدن به منابع درآمد ارزی خود ترغیب کرد؛ به گونه‌ای که کشور مالزی موفق شد در یک دوره ۷ ساله ارزش صادرات غیرنفتی خود را از ۲۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۹ به حدود ۷۴ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۵ میلادی افزایش دهد. موفقیت‌های اقتصادی این کشورها در ۲ دهه اخیر به خوبی ثابت کرد که رشد و توسعه

صادرات را باید یکی از مهم‌ترین نیروهای محرکه توسعه اقتصادی هر کشور و کلید رهایی از بسیاری از وابستگی‌ها دانست.

طی دو دهه گذشته در پیش گرفتن راهبرد برون‌نگر و توسعه صادرات به ویژه در دسته‌ای از کشورهای جنوب شرقی آسیا نظیر کره جنوبی، تایلند، اندونزی، اهمیت صادرات را به عنوان یک منبع مهم تأمین ارز و موتور محرک رشد اقتصادی آشکار کرد. معجزه کشورهای جنوب شرقی آسیا می‌تواند به عنوان راهکارهای مهم برای برنامه‌ریزی رشد اقتصادی سایر کشورها به شمار آید، اما ترکیب کالاهای صادراتی از اهمیت دیگری برخوردار است. به اعتقاد آگاهان مسائل اقتصادی، اتکا به درآمدهای حاصل از صدور نفت خام، از چند دهه پیش مانع از آن شده است که مسئولان برنامه‌ریزی برای ایجاد تنوع درآمد ارزی و توسعه صادرات کشور به شیوه اساسی چاره‌اندیشی کنند.

کشور ایران نیز به علت افزایش شدید جمعیت، کاهش ذخایر نفتی و کاهش تدریجی بازده چاه‌های نفت و بالا رفتن هزینه استخراج، اطمینان نداشتن به آینده بازار جهانی و تغییرات قیمت نفت، ترمیم خسارت‌های حاصل از جنگ هشت ساله عراق و ایران، بازسازی اقتصاد، افزایش تعهدات ایران برای بازسازی و توسعه و تغذیه جمعیت جوان به ارز بیشتری نیازمند خواهد بود، در نتیجه راهی جز تأکید بیشتر بر صادرات غیرنفتی در پیش ندارد. بخش وسیعی از صنایع ایران با فرسودگی ماشین‌آلات و فناوری روبرو است و به بازسازی و بکارگیری فن‌آوری‌های جانشین نیاز دارد. از این گذشته، روند افزایش مصرف داخلی به اندازه‌ای است که تداوم صادرات نفت را در آینده با تردید جدی روبرو خواهد کرد. برپایه پیش‌بینی‌های انجام شده در صورت تداوم رشد فعلی مصرف داخلی، در ۱۲ سال آینده



صادرات نفت به صفر خواهد رسید. مجموعه عوامل مورد اشاره، روشن می‌کند که برای رسیدن به اقتصاد بدون نفت باید راهبرد توسعه ملی و صادراتی کشور را مورد بازنگری قرار داده و حضور اقتصادی ایران را در بازارهای جهانی افزایش داد. بدون در نظر گرفتن موارد یادشده با نگاهی گذرا می‌توان دریافت که ایران از سال ۱۲۷۰ تا سال ۱۳۸۳ هجری خورشیدی (به جز سال‌های ۱۳۳۱ تا ۱۳۳۳ که همزمان با نهضت ملی شدن صنعت نفت و در نتیجه سیاست‌گذاریهای حمایتی از تولیدات کشور و تشویق مردم به خرید کالای داخلی بود) پیوسته با کسری بودجه روبرو بوده است. متأسفانه بودجه کشور همواره بر صادرات هرچه بیشتر نفت اتکا داشته تا بتواند پاسخگوی وارداتی باشد که بیشتر حاصل پیشرفت نکردن کشور از نظر فن آوری بوده است. اقتصاد کشور ما به دلیل اتکا به نفت خام، دارای اقتصادی تک محصولی است. برای رهایی از این تنگنا باید عوامل بنیادی جامعه برای تنوع بخشی به صادرات غیرنفتی به کار گرفته شود.

براساس آمار به دست آمده، در چند دهه گذشته توجه به رشد و توسعه صادرات کالاهای غیرنفتی در ایران تنها زمانی قوت گرفته که صادرات نفت خام و درآمدهای حاصل از فروش نفت خام به گونه‌ای دستخوش رکود یا کاهش شده و فقط به دنبال بروز چنین شرایط بحرانی، تلاش برای رشد و توسعه صادرات غیرنفتی انجام شده است. روند سرانه صادرات نفتی و غیرنفتی در سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۳ نشان دهنده این موضوع است.

البته در سال‌های گذشته صادرات غیرنفتی روندی روبه رشد داشته و به نزدیکی نیمی از مجموع صادرات ایران رسیده است. هرچند این امر اقدامی مثبت است لیکن به دلیل خام بودن خود صادرات غیرنفتی باید در گام بعدی به کیفیت این صادرات نیز توجه کرد.

در پایان در پاسخ به این پرسش که چرا ارزش افزوده محصولات صادراتی کشور پایین است، می‌توان به نکاتی چند اشاره کرد:

۱- **مفهوم‌سازی نادرست:** باید توجه داشت که در این زمینه مفهوم‌سازی اشتباهی در کشور شکل گرفته و سبب شده تا انتشار آمار صادرات غیرنفتی، دانش و بینش غلطی را در ذهن مسئولین ایجاد کند. مفهوم متبادر شده از «غیرنفتی» با فلسفه شکل‌گیری آن که افزایش درآمد از محلی غیر از خام فروشی ذخایر طبیعی (نفت) بوده است، همخوانی ندارد. چرا که با استفاده از این مفهوم نمی‌توان میان صادرات با ارزش افزوده کم و صادرات با ارزش افزوده بالا تفاوت قایل شد. متأسفانه برپایه این مفهوم‌سازی غلط قوانین حمایتی نیز ایجاد شده است.

در قانون برنامه پنجم تأکید شده است: «اخذ هرگونه مالیات و عوارض از صادرات کالاهای غیرنفتی و خدمات در طول برنامه ممنوع است». بر همین اساس نیز مجلس شورای اسلامی عوارض گمرکی صادرات محصولات معدنی را در سال ۱۳۹۰ لغو کرد در حالی که این صادرات نوعی خام فروشی محسوب می‌شود.

۲- **تناسب نداشتن نظام تعرفه‌ای و حمایتی با زنجیره ارزش افزوده:** وضعیت مطلوب زمانی است که رویکرد اصلی در صادرات غیرنفتی، صادرات محصولات نهایی باشد، چرا که بیشترین ارزش افزوده را در زنجیره دارا هستند. این به معنای نفی کامل صادرات مواد خام همچون نفت و گاز نیست، بلکه به معنای توجه به تولید ثروت بیشتر از طریق صادرات است. قابل تصور است که در برخی مواقع سیاست خارجی کشور ایجاب می‌کند تا صادرات برخی مواد خام جهت تحقق منافع ملی در دستور کار قرار گیرد اما متأسفانه این رویکرد در حال حاضر رویکرد غالب و ناشی از اضطراب است و نه انتخاب.

یکی از ابزارهای مهم دولت در هدایت صادرات، نظام تعرفه‌ای است که می‌تواند جذابیت یک محصول را بالا و یا پایین ببرد. آنچه در حال حاضر مشاهده می‌شود گویای این مطلب است که نظام تعرفه‌ای کشور در امر صادرات متناسب با زنجیره ارزش افزوده نیست و در نتیجه تمایل صادرکنندگان به سمت مواد خام می‌باشد. از طرف دیگر بازاریابی آسان برای این گونه اقلام و مقیاس بالای فروش جذابیت دو چندان برای صادرات آنها را فراهم کرده است.

۳- **غفلت از تقویت صادرات خدمات:** رویکردهای جاری در امر صادرات غیرنفتی در طول بیست سال گذشته، توجه مطلوبی به حوزه صادرات خدمات نداشته‌اند. با اینکه حوزه‌هایی همچون خدمات فنی و مهندسی بیش از دو دهه سابقه داشته، اما متناسب با ظرفیت و ارزش افزوده موجود در آن، مورد توجه قرار نگرفته است. در سال گذشته براساس آمار سازمان توسعه تجارت صادرات خدمات فنی و مهندسی به ۴ میلیارد دلار رسید که نشان دهنده ظرفیت موجود در این حوزه است. سایر حوزه‌های خدماتی همچون گردشگری، پزشکی، نرم‌افزاری، مخابراتی، بیمه‌ای، مالی و پولی، فرهنگی و حمل و نقل؛ نیز کمتر از خدمات فنی و مهندسی مورد توجه قرار گرفته است.

۴- **ضعف دیپلماسی اقتصادی کشور:** چالش دیگری که سبب شده تا صادرات محصولات با ارزش افزوده بالا مطلوب نباشد. این ضعف در دو سطح قابل بررسی است: یکی نبود راهبرد کلان در دیپلماسی اقتصادی و دیگری ضعف سفارت‌خانه‌ها در اجرای دیپلماسی اقتصادی

کشور است.

فعالیت‌های کشور در حوزه تجارت خارجی از نبود راهبرد کلان متناسب با توانمندی‌ها و ظرفیتها رنج می‌برد. از یک سو شرکای اصلی تجاری کشور، به انتخاب و اراده ما نبوده و عواملی همچون تقاضای طرف مقابل تعیین کننده این شرکا بوده است. از سوی دیگر از ظرفیت‌های کشورهای همسو در توسعه صادرات غفلت شده است. حضور ایران در بازارهایی همچون کشورهای اسلامی، همسایگان، کشورهای منطقه، آفریقا و آمریکای لاتین در حد مطلوب نیست و متأسفانه نه تنها به تجارت خارجی به عنوان یک ابزار سیاست خارجی توجه نشده بلکه از ظرفیت‌های سیاسی هم در این جهت استفاده نشده است. سطح دیگر چالش در سفارت‌خانه‌های کشور است. آرایش سفارت‌خانه‌ها به گونه‌ای است که مسایل غیرسیاسی همچون اقتصاد و علم و فناوری ضریب چندانی نداشته و لذا صادرات کشور از پشتیبانی ظرفیت بزرگ سفارت‌خانه‌ها محروم است. هرچند رایزنان بازرگانی به عنوان یک جایگاه دیپلماتیک سال‌هاست که فعالیت می‌کنند، اما در مقایسه با سایر کشورها، آنطور که باید در توسعه صادراتی کشور نقش ایفا نکرده‌اند. که این نیز ناشی از عدم آشنایی و تسلط این افراد بر مسایل تجارت خارجی است. حاکم بودن روحیه اداری نیز این وضعیت را تشدید می‌کند.

۵- **استاندارد و کیفیت محصولات صادراتی:** از چالش‌های دیگر صادرات غیرنفتی، عدم نظارت کافی بر کیفیت و استاندارد محصولات صادراتی است. صادرات محصولات کم کیفیت به کشورهای دیگر باعث می‌شود تا نسبت به کالاهای تولید ایران بدبینی ایجاد شود و در نتیجه بازار آن کشور به روی کالاهای ایرانی بسته شود. حساسیت نسبت به اعتبار ایران در بازارهای صادراتی مساله مهمی است که دولت نمی‌تواند نسبت به آن بی‌توجه باشد. ۶- **خلاء نهادهای واسطه صادراتی:** نگاه نکردن به مقوله صادرات به عنوان یک امر تخصصی از دیگر مسائل حوزه صادرات است. بسیاری از تولیدکنندگان بدلیل محدود نهادهای تخصصی صادراتی و همچنین نبود فرهنگ برون‌سپاری امور تخصصی، مسئولیت صادرات و بازاریابی را خود برعهده دارند. این امر باعث شده که در اثر نداشتن تخصص کافی در حوزه‌های بازاریابی بین‌الملل، حقوقی، و... با مشکلات جدی در امر صادرات مواجه شوند که خود قادر به برطرف کردن آنها نیستند. ■





گفت و گو با شهرام صبور /

معاون امور صادرات صنعت آب و برق مرکز توسعه صادرات و پشتیبانی صنایع وزارت نیرو

اقتصادی معیوب که صادرات برق را هم به چالش کشید

ایران کشوری است با ذخایر عظیم نفت و گاز که از نظر طول مرز و تعداد کشورهای همسایه و قرار گرفتن در مسیر جاده ابریشم موقعیت منحصر به فردی در منطقه آسیا و خاورمیانه ایجاد کرده و این وضعیت برای صادرات و تبادل برق شرایط ویژه‌ای است. اتصال شبکه برق کشور به دیگر مناطق جهان، نظیر خطوط انتقال به سمت روسیه، اروپا، شمال آفریقا و شکل‌گیری مستمر تبادل انرژی الکتریکی و صادرات برق، شرایط سیاسی و امنیتی پایدار و به دور از تنش‌های حاد سیاسی را برای ایران و دیگر همسایگان در برداشته و این‌گونه ارتباطات باعث دوستی بیشتری بین کشورها و به الزاماتی برای رعایت حقوق متقابل همسایگی و منطقه‌ای تبدیل شده و ثبات سیاسی و امنیتی کشورهای منطقه را پایدار خواهد کرد. با توجه همه این مزایا؛ آیا از این ظرفیت به نحو احسن استفاده شده است. در گفتگو با «شهرام صبور» به بررسی چالش‌ها و موانع صادرات برق در کشور پرداخته‌ایم.

است. یعنی بیش از ۴ برابر ارزش صادرات. این موضوع متأسفانه بیانگر حقیقتی تلخ است و آن هم صادرات مواد خام و با ارزش افزوده بسیار پایینی و واردات کالاهایی با ارزش افزوده بالاتر. بررسی این شاخص در ارتباط با کشور ترکیه ارقام دیگری را نشان می‌دهد. ارزش هرتن صادرات ما به کشور ترکیه در سال ۹۶ برابر ۲۷ دلار بوده و ارزش واردات هرتن کالای ما از این کشور برابر ۱۷۳۵ دلار بوده است. یعنی بیش از ۶ برابر. این امر در حالی اتفاق می‌افتد که صنعتی مثل صنعت برق ارزش افزوده بسیار بالایی دارد و تمرکز بر صادرات این صنعت منافع بسیاری را عاید کشور خواهد کرد. شاید بتوان دلیل اصلی

قرار دارند، صادرات غیرنفتی را به شکلی مطلوب و اثربخش رقم می‌زند و دستیابی به این مهم مستلزم تغییر رویکرد کشور به سمت توسعه صادرات غیرنفتی بر پایه خلق ارزش افزوده بیشتر است. صنعت آب و برق و صنایعی از این دست قادر به تبدیل مواد اولیه و تولیدات پایه به تجهیزات با تکنولوژی بالا، دانش بنیان و روزآمد و صادرات آن به کشور هدف هستند و می‌توانند توسعه صادرات غیرنفتی را محقق کنند. نگاهی به آمار صادرات کشور نشان می‌دهد که قیمت هرتن کالای صادراتی ما در سال ۹۶ برابر ۳۵ دلار بوده در حالی که قیمت هرتن کالای وارداتی ما در همین سال ۱۴۰۰ دلار بوده

با توجه به حیطة فعالیت خود در حوزه توسعه صادرات صنعت آب و برق، به نظر شما مهمترین چالش‌های حوزه صادرات صنعت برق کدامند؟

صادرات تجهیزات و خدمات صنعت برق ارزش افزوده بالایی دارد. براساس مطالعاتی که سندیکای برق انجام داده است شاخص نسبت دلاری به وزنی کالاها (متوسط میزان درآمد ارزی حاصل از یک کیلوگرم صادرات) صنعت برق حدود ۸ برابر سایر صنایع می‌باشد. بی‌تردید حمایت از چنین صنایعی که با خلق ارزش افزوده قابل توجه در مسیر رشد و توسعه اقتصادی، اشتغال‌زایی و کسب درآمد بیشتر

این مساله را در عدم تعمیق فرآیند تولید در کشور جستجو کرد که موجب شده کالاها بدون آنکه توسط بخش‌های تولیدی فرآوری خاصی شوند با ارزش اندک، صادر شوند.

از جمله چالش‌های صنعت برق در صادرات می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- هزینه تامین مالی در ایران بسیار بالاست. صادرکنندگان صنعت برق در رقابت با رقبای منطقه‌ای خود که از تسهیلات مالی بانکی با سود بسیار اندک برخوردار هستند قدرت رقابت خود را از دست می‌دهند و قادر به ارائه قیمت‌های رقابتی در بازار بین‌المللی نیستند.
- بهره‌وری بنگاه‌های صنعتی در کشور ما پایین است. از جمله عوامل درونی موثر بر بهره‌وری بنگاه‌های صنعتی مواردی مانند مقیاس بنگاه، هزینه‌های تحقیق و توسعه، سطح فناوری بنگاه، فرآیندها و شیوه‌های مدیریتی است. در این زمینه، بسیاری از بنگاه‌های ما به دلیل برخورداری سوخت ارزان و نظایران نیاز چندانی به سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه و نوآوری ندیده‌اند.

- مشکل دیگر صنعت برق که طبیعتاً بر صادرات این صنعت نیز تأثیرگذار خواهد بود، اقتصاد برق است. اصلی‌ترین چالش وزارت نیرو ساماندهی اقتصاد صنعت برق و تعادل ایجاد کردن بین درآمد، هزینه و منابع مصارف است که با انجام آن صنعت برق از حالت زیان دهی خارج می‌شود و می‌توان بر این چالش غلبه کرد. اخیراً نیز وزارت نیرو در اصلاح تعرفه مشترکان پرمصرف اقداماتی انجام داده است.
- مقیاس بنگاه در ایران بسیار متفاوت با سایر کشورهای صنعتی است. این مسأله امکان برخورداری از صرفه‌های ناشی از مقیاس را از بنگاه سلب می‌کند.

توسعه صادرات نیازمند تقویت تولید است. ویژگی‌هایی نظیر خلق ارزش افزوده بالا، ارزش‌آوری مثبت و پایدار، مختص صادراتی است که مبتنی بر تولید باشد. در صورت عدم وجود تولید، صادرات یا شکل نمی‌گیرد یا به صادرات مواد خام و اولیه ختم می‌شود که اغلب باعث ضعف داخلی و وابستگی به کشورهای واردکننده می‌شود. بخش‌های تولیدی ضعیف، توانایی تولید کالاهای با کیفیت و رقابت پذیر در عرصه تجارت جهانی را ندارند.

مهمترین پتانسیل‌های صنعت برق ایران در زمینه صادرات تجهیزات و خدمات فنی و مهندسی چیست؟

صنعت برق یکی از کلیدی‌ترین صنایع کشور است که نقش آن در کلیه شئون اجتماعی، اقتصادی و صنعتی جامعه انکارناپذیر است.

یکی از ویژگی‌های این صنعت آن است که همواره پیشرو دیگر صنایع بوده و به دلیل آنکه این صنعت نیازهای اولیه انرژی را برای بخش‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و صنعتی جامعه فراهم می‌آورد، رسالت و مسئولیت سنگینی را به منظور برآوردن کامل نیازها به عهده دارد.

یکی از شاخص‌های ممتاز شبکه برق ایران، قرار گرفتن در شاهراه تبادل توان در منطقه است که به دلیل وسعت نسبتاً زیاد شبکه از یک سو و داشتن مرز خشکی و دریایی با کشورهای متعدد از سوی دیگر، دارای پتانسیل بسیار مناسبی برای تبادل توان و یا ترانزیت توان با کشورهای همجوار است. البته در حال حاضر با تمامی همسایگانی که دارای مرز خشکی هستیم ارتباط الکتریکی برقرار شده است و همین موضوع تبادل برق با کشورهای همسایه می‌تواند موجبات صادرات تجهیزات و خدمات فنی و مهندسی به سایر کشورها را فراهم آورد. چنین شاخص ممتازی به این صنعت کمک می‌کند تا با اتصال الکتریکی با کشورهای همجوار بتواند از مزایا و منافع بسیار مرتب بر آن سود ببرد. به عنوان نمونه خطوط ارتباطی برق در کشور ارمنستان توسط شرکت‌های ایرانی در حال احداث می‌باشد که زمینه مناسبی برای صدور خدمات فنی و مهندسی می‌باشد.

شواهد نشان می‌دهد که صنعت برق ایران با قدمتی دیرینه از پتانسیل مناسبی جهت ورود به بازارهای جهانی برخوردار می‌باشد. تولید تجهیزات و ارائه خدمات فنی مهندسی در صنعت برق ایران با کیفیت بالا عرضه می‌شود. ۹۵ درصد خودکفایی در صنعت برق و چشم انداز کشور به منظور قرار گرفتن به عنوان شاهراه برق منطقه به علت موقعیت مناسب جغرافیایی و منابع فراوان گاز و همچنین توانایی و کیفیت بالای شرکت‌های تامین کننده تجهیزات و خدمات فنی و مهندسی این صنعت موجب شده است تا صنعت برق به عنوان صنعتی استراتژیک در صادرات غیرنفتی مورد توجه قرار گیرد.

بخش نیرو رتبه نخست را در صادرات خدمات فنی و مهندسی در سال‌های اخیر به خود اختصاص داده است. البته با توجه به شرایط سال‌های اخیر شرکت‌های ایرانی جهت صدور تجهیزات و خدمات فنی و مهندسی با برخی چالش‌ها مواجه بوده‌اند و این موفقیت‌ها علیرغم این چالش‌ها به وجود آمده است. براساس آمار سازمان توسعه تجارت ایران، صادرات خدمات فنی و مهندسی در بخش نیرو در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ به ترتیب ۹۸/۷٪ و ۵۱/۵۶٪ و ۶۳/۶۱٪ از

کل صادرات خدمات فنی و مهندسی کشور می‌باشد.

شرکت‌های فعال صنعت آب و برق در دوره زمانی سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ بیش از ۵ میلیارد دلار قرارداد صدور خدمات فنی و مهندسی منعقد نموده‌اند این میزان از صادرات خدمات فنی و مهندسی تقریباً ۷۰٪ صادرات خدمات فنی و مهندسی کشور را پوشش می‌دهد.

جایگاه صنعت برق در زمینه صدور کالا و تجهیزات و خدمات فنی و مهندسی منحصر به فرد بوده و در صورتی که موانع صادراتی موجود از جمله مسائل و مشکلات موجود بانکی برطرف شود، شرکت‌های توانمند انگیزه بیشتری برای حضور در بازارهای هدف صادرات پیدا کرده و رقم قابل توجهی از صادرات خدمات فنی و مهندسی را به خود اختصاص خواهند داد.

افزایش نرخ ارز در یک فرآیند منطقی می‌توانست به توسعه صادرات منجر شود، چرا در سیستم اقتصادی ایران به تضعیف این حوزه منجر شد؟

درست است که با افزایش نرخ ارز صادرات تقویت می‌شود، اما از سوی دیگر، چون ما بخشی از مواد اولیه، ماشین‌آلات و همچنین کالاهای مصرفی خود را وارد می‌کنیم با تورم وارداتی از این ناحیه روبه‌رو می‌شویم. چون سهم کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای در کالاهای وارداتی بالاست، افزایش نرخ ارز منجر به افزایش هزینه تولید در کشور شده و تورم و رکود پیامد حتمی افزایش یک باره نرخ ارز در کشور است. این افزایش نرخ تورم قدرت رقابتی تولیدات داخلی در مقایسه با کالاهای خارجی را شدیداً کاهش می‌دهد.

در شرایط افزایش تورم ناشی از افزایش نرخ ارز به جای اینکه نقدینگی در جهت افزایش تولید به کار گرفته شود در جهت خرید سکه و ارز به کار گرفته می‌شود. مشکلات موجود در سپرده‌گذاری ارزی باعث می‌شود تا اندوخته‌های ارزی بجای سپرده‌گذاری در بانک‌ها و برگشت ارز به چرخه فعالیت‌های اقتصادی در خانه‌ها نگهداری شده و مورد استفاده قرار نگیرد؛ بنابراین با افزایش نرخ ارز، چون وابسته به واردات کالاهای واسطه‌ای هستیم، تورم افزایش می‌یابد و متعاقباً نرخ ارز مجدداً افزایش می‌یابد و عملاً چرخه باطلی شکل می‌گیرد که هم نرخ ارز و هم تورم افزایش می‌یابد، بنابراین برای حمایت از صادرات باید به دنبال راهکارهای مناسبتری باشیم.

براساس نظرات اقتصاددانان یکی از راهکارهای پیشنهادی برای حمایت از صادرات این است که کسانی را که تولیدکننده و صادرکننده واقعی هستند، شناسایی کنیم و برای آن‌ها امتیازاتی



در جهت حمایت از صادرات قائل شویم، مثلاً مابه التفاوت نرخ ارز واقعی که متناسب با تورم است را با نرخ ارز مدیریت شده (شناور) به صادرکننده واقعی پردازیم یا این که مثلاً امتیازات خاص معافیت‌های مالیاتی یا بیمه را برای آن‌ها قائل شویم.

برای رفع این مشکل و استفاده بهتر از افزایش نرخ ارز، باید تلاش کنیم تا فضای کسب و کار بهتر شود و همچنین برنامه‌ریزی‌های لازم برای کاهش وابستگی تولید داخلی به مواد اولیه و تجهیزات خارجی انجام گیرد. در حال حاضر برخی از تولیدکنندگان به دلیل عدم امکان رقابت با واردات، تولید خودشان را رها کرده و خود واردکننده همان تولیدات شده‌اند و بعضاً با همان نام تولیدکننده، کالای خود را به نام مواد اولیه یا کالای واسطه‌ای وارد کرده و فقط آن را بسته بندی و به بازار روانه می‌کنند. این واردکنندگان شکل تولیدکنندگی خود را حفظ کرده‌اند، چون از مزایای آن بهره‌مند می‌شوند، ولی در عمل تولید واقعی و اشتغال آفرینی ندارند، مثال در این باب بسیاری از خودروسازان ما و تولیدکنندگان لوازم خانگی و... هستند. برای افزایش نرخ رشد اقتصادی، کاهش بیکاری و افزایش درآمد ملی، باید بیشتر به صادرات توجه کرد و با سیاست‌های مناسب ارزی و تجاری قدرت رقابت صادرکنندگان را در بازارهای خارج افزایش داد تا با تولید کالا‌های استاندارد و قابل رقابت در بازارهای جهانی سهم صادرات غیرنفتی از کل صادرات افزایش یابد.

پیمان‌های ارزی یکی از مهمترین موضوعاتی است که در دفتر توسعه صادرات وزارت نیرو به شکل جدی پیگیری می‌شود. چرا وزارت نیرو در این حوزه به نتیجه مشخص و اثربخشی دست نیافت؟

قابلیت‌های شرکت‌های ایرانی فعال در صادرات خدمات فنی و مهندسی، بعنوان یک مولفه کلیدی در توسعه اقتصادی، درآمدزایی و اشتغال، باعث شده است تا وزارت نیرو بعنوان متولی این حوزه (بطور متوسط طی سال‌های اخیر بیش از ۶۰ درصد صادرات خدمات فنی و مهندسی در حوزه آب و برق صورت می‌پذیرد)، ابزارهای متعددی را برای توسعه این خدمات و کمک به شرکت‌های ایرانی فعال در خارج از کشور بررسی و پیگیری کند. بررسی‌های انجام شده حاکی از آن بود که انتقال ارز و صدور ضمانتنامه از مشکلات اصلی این شرکتهاست. با عنایت به روش‌های متداول انتقال ارز بین کشورها - به ویژه شرق آسیا - مشخص شد که استفاده از Bilateral Currency Swap Agreement یا پیمان پولی دوجانبه می‌تواند بعنوان ابزاری

موثر، تجارت غیردلاری را مدیریت کند تا اثرات تحریم‌های بانکی در این حوزه کاهش یابد. پیمان پولی دوجانبه بین بانک‌های مرکزی برای استفاده از پول‌های ملی در تسویه تجاری در دیگر کشورها نزدیک به دو دهه سابقه دارد. تاکنون بیش از ۶۵ پیمان پولی بین ۳۲ کشور امضاء شده است و چین با ۴۲ پیمان اول است.

در مدل انعقاد پیمان پولی همه ذینفعان به نوعی منتفع شده و عین حال، ریسک قابل توجهی را تقبل نمی‌کنند. بانک مرکزی می‌تواند از این ابزار بعنوان مکمل روش‌های موجود در کنترل نوسانات نرخ ارز استفاده کند. بانک تجاری با افزایش تراکنش‌های بانکی و کارمزد دریافتی منتفع می‌شود. وزارت نیرو به اهداف خود برای توسعه صادرات خدمات و مهندسی در حوزه‌های آب و برق نزدیک می‌شود و شرکت‌های ایرانی فعال در خارج از کشور نیز با سهولت و ریسک کمتر به انتقال وجوه با حجم زیاد و براساس سازوکار اعتبار اسنادی می‌پردازند.

با پیگیری‌های انجام شده توسط وزارت نیرو دو مورد از پیمان‌های شبه پولی با کشور ترکیه و پاکستان نهایی شد، ولی چون در ترکیه طرف حساب بانک مرکزی ترکیه نبود و اطلاع رسانی مناسب هم انجام نشد، متأسفانه موفقیت آمیز نبود. اکنون هم که طبق قوانین بالا دستی و ماده ۱۳ قانون برنامه ششم وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف شده است نسبت به ایجاد و انعقاد پیمان‌های دوجانبه و چندجانبه و همچنین پیمان‌های پولی دوجانبه با کشورهای طرف تجاری و هدف به ویژه کشورهای منطقه اقدام کند. در خصوص انعقاد پیمان پولی با کشور روسیه، در حال حاضر مذاکرات به خوبی در جریان است.

مهمترین نقاط ضعف تولیدکننده کالا و خدمات صنعت برق ایران در مقابل رقبای ترک و چینی که بیشترین سهم را از بازارهای منطقه دارند، چیست؟ راهبردهای پیشنهادی شما برای رفع این نقاط ضعف چیست؟

به عنوان نمونه‌ای از کشورهای موفق در امر توسعه صادرات می‌توان به کشور ترکیه اشاره کرد، اقتصاد ترکیه بخش بزرگی از دستاوردهای امروز خود را مدیون صادرکنندگان می‌باشد، زیرا علاوه بر جلوگیری از رشد بیکاری در کشور، توانستند در فضای رقابتی دنیای امروز، صادرات ترکیه را به حدی رشد دهند که دولت برای تأمین هزینه‌های ناچار به استقراض نباشد. روندی که تورم ترکیه را تک رقمی کرد. شایان ذکر است کشور ترکیه این موفقیت بزرگ در

حوزه صادرات را مدیون تدوین برنامه راهبردی جامع توسعه صادرات است. این برنامه با هدف ارتقای ساختارهای رقابتی ترکیه که تضمین‌کننده رشد پایدار صادرات هستند، تدوین شد و متولیان امر با شناسایی مشکلات ساختاری صادرات، طبقه‌بندی آن‌ها و برنامه‌ریزی جامع و ایجاد انسجام ملی، ضمن غلبه بر مشکلات، جهش صادراتی عظیمی را به وجود آوردند.

بخشی از استراتژی کلان این کشور به موضوع صادرات اختصاص پیدا کرد و در آن اهداف کلیدی تغییر روند تولیدات صنعتی از محصولات با فناوری پایین به محصولات با ارزش افزوده بالا و فناوری پیشرفته و دستیابی به سرمایه‌های جدید در حوزه فناوری‌های پیشرفته است.

برای نیل به این هدف کشور ترکیه انجام پروژه‌هایی در زمینه تحقیق و توسعه، افزایش

با افزایش نرخ ارز، چون وابسته به واردات کالا‌های واسطه‌ای هستیم، تورم افزایش می‌یابد و متعاقباً نرخ ارز مجدداً افزایش می‌یابد و عملاً چرخه باطلی شکل می‌گیرد که در آن هم نرخ ارز و هم تورم افزایش می‌یابد، بنابراین برای حمایت از صادرات باید به دنبال راهکارهای مناسبتری باشیم

مشارکت ملی در نمایشگاه‌های بین‌المللی، اجرایی کردن استراتژی متنوع‌سازی بر مبنای کشور و بخش در سبب صادراتی، تمرکز فعالیت‌های تجاری بر بازار هدف، تقویت ظرفیت صادراتی شرکت‌های کوچک و متوسط، افزایش تعداد برندهای جهانی ترکیه و تبدیل استانبول به مرکز مد، نمایشگاه و تجارت را در دستور کار خود قرار داد.

ترکیه در ارتباط با توانمندسازی شرکت‌های کوچک و متوسط قابلیت‌های خود در زمینه تحقیق، توسعه و سرمایه‌انسانی شرکت‌های کوچک و متوسط را افزایش داده و همچنین به شرکت‌های کوچک و متوسط، آموزش‌های فنی و اقدامات مشاوره‌ای در جهت افزایش سرمایه انسانی آن‌ها ارائه کرده است.

الگو گرفتن از کشورهایی که سوابق موفقی در توسعه صادرات داشتند، باید مد نظر برنامه‌ریزان کلان کشوری باشد. در حال حاضر رقبای صادراتی صنعت برق در منطقه از حمایت‌های قابل توجه دولت‌های خود برخوردارند که این موضوع رقابت با آن‌ها را برای شرکت‌های ایرانی بسیار سخت می‌کند. البته

شرکت‌های ایرانی در حال حاضر و با شرایط موجود نیز با این رقبا روبرو شده و در مناقصات پروژه‌های مهمی را در بخش خدمات فنی و مهندسی در کشورهای همسایه برنده شده‌اند. ولی ضروری است که این حمایت‌ها در سطح بالاتری در کشور صورت پذیرد تا شاهد رشد بیش از پیش صادرات این صنعت باشیم. معاونت طرح و برنامه وزارت صمت اخیراً طی گزارش جالبی به بررسی تطبیقی صادرات ایران و ترکیه پرداخته و پس از بررسی برنامه‌های توسعه صادرات دو کشور، آمارهای تجاری و در نهایت امکانات و زیرساخت‌های دو کشور برای توسعه صادرات، به این نتیجه رسیده است که رتبه کشورمان در شاخص‌ها تجاری ضعیف‌تر از ترکیه بوده و اهداف و برنامه‌های صادراتی نیز از انسجام و شفافیت کمتری نسبت به ترکیه برخوردار است. در نهایت مشکلات توسعه صادرات و پیشنهادهایی با توجه به الگوی ترکیه برای دستیابی به اهداف چشم انداز ۱۴۰۴ و دیگر برنامه‌های توسعه‌ای کشور ارائه کرده که به دلیل جامعیت این مطالعه عیناً به این موانع و مشکلات و راهکارها اشاره می‌کنم:

۱. تولیدی

- جایگاه استاندارد در تولید محصولات و کیفیت نامناسب برخی از کالاهای صادر شده و ناهماهنگی در صادرات به دلیل ضعف سیستم‌های نظارتی
- بی‌توجهی به انجام به موقع تعهدات در زمینه صادرات و کالاهای صادراتی و ضعف انجام تعهدات خدمات پس از فروش در کشورهای واردکننده کالا از ایران
- عدم مزیت‌های صادراتی به دلیل بالا بودن قیمت تمام شده کالاهای تولیدی در قیاس با قیمت‌های جهانی

۲. اقتصادی و مالی

- ضعف برنامه‌ریزی برای تخصیص اثربخش اعتبارات به دلیل تبعیت نکردن حمایت‌ها مشوق‌های صادراتی از یک الگوی بلند مدت
- عدم یکپارچگی اقدامات و اثربخشی پایین اعتبارات مشوق‌های صادراتی
- عدم تامین بودجه لازم برای حمایت‌ها و مشوق‌های صادراتی
- ضعف اتصال به سیستم مالی بین‌المللی
- مشکلات نقدینگی
- نرخ بالای تسهیلات بانکی
- ضعف در تعیین نرخ ترجیحی و تشویقی برای ارز حاصل از صادرات و کاهش سود تسهیلات صادرات
- تضعیف موقعیت ایران در بازارهای هدف به علت تحریم‌های اقتصادی و بالا رفتن

هزینه‌های تولید و صادرات

۳. ساختاری

- ضعف سیستم‌های مدیریتی و فرآیندی شاخص‌های تجاری مانند تعرفه‌ها، فرآیند ترخیص کالا، تحویل به موقع کالا و در مقایسه با زیرساخت‌های تجاری کشور
- ضعف یکپارچگی برنامه‌های صادراتی به دلیل چندگانه بودن مراجع صادراتی و نبود هماهنگی بین ارگان‌های مؤثر در امر صادرات
- ضعف تشکل‌های صنفی تولید و تجارت و پایین بودن سطح ارتباط ساختاری میان بخش خصوصی و دولتی در تدوین برنامه‌ها و اجرای آن‌ها
- ضعف اجرای برنامه‌های بلند مدت به دلیل نوسانات اقتصادی و اتخاذ تصمیمات مقطعی در زمینه صادرات و نبود یکپارچگی در اجرای برنامه‌ها و وجود دستگاه‌های مختلف و موازی چه در سیاست‌گذاری و چه در اجرا
- ضعف مدیریت بازاریابی و عدم وجود تبلیغات مناسب کالاهای ایرانی در بازارهای هدف و عدم استمرار آن
- سنتی بودن شیوه صادرات کالا در ایران و هدف قراردادن کشورهای همسایه برای صادرات و روی آوردن به تجارت مرزی و پبله وری
- ناکارآمدی صنعت حمل و نقل ایران برای صدور و جابجایی کالا و ضعف هماهنگی میان بخش‌های مختلف درگیر در امر صادرات
- محدودیت‌های تجاری و وارداتی در کشورهای هدف به دلایل مختلف از جمله عدم عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی
- وجود فرآیندهای غیرقانونی صادرات و عدم شناسایی و برخورد با صادرکنندگان متخلف و جلوگیری از ورود و خروج غیرقانونی کالا
- کم بودن نام تجاری مشهور و شناخته شده بین‌المللی در کالاهای داخلی، عدم شفافیت قوانین و مقررات مرزی و طولانی بودن فرآیندهای مربوط به نقل و انتقال کالا

۴. اطلاعاتی و پژوهشی

- ناکارآمدی تخصیص اعتبار به فعالان واقعی در زمینه صادرات به دلیل ضعف بانک اطلاعاتی صادرکنندگان و نبود ارزیابی اثر بخشی اعتبارات اعطایی
- ناکافی بودن مطالعه در حوزه صادرات و عدم آگاهی و شناخت کامل به کلیه نیازها و سلیقه بازار و فرهنگ مصرفی کشورهای هدف صادراتی
- ضعف در هدایت رایزن‌های بازرگانی سفارتخانه‌های ایران
- فقدان نیروی انسانی مجرب و آموزش دیده در

زمینه بازاریابی صادراتی

۵. سیاسی

- تاثیر منفی تنش‌های سیاسی و ناامنی در منطقه بر توسعه صادرات کشور
- راهکارهای پیشنهادی:
- حمایت جدی از تولیدکنندگان کالا و تجهیزات و خدمات فنی و مهندسی
- ملزم کردن تولیدکنندگان و شرکت‌های خدمات فنی و مهندسی به رعایت استانداردهای بین‌المللی
- تقویت تشکل‌ها و انجمن‌های صادراتی و جلب مشارکت آن‌ها در زمینه تصمیم‌سازی
- تشکیل بانک اطلاعاتی صادرکنندگان و محصولات نهایی
- تهیه استراتژی توسعه صادرات و برنامه‌های عملیاتی
- بازنگری فرآیندهای داخلی در جهت تسهیل، شفاف سازی و کوتاه کردن زمان صادرات
- توسعه فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی
- مطالعه بازارهای صادراتی و پیش‌بینی تغییرات آن‌ها
- مبارزه با قاچاق کالا
- ایجاد ثبات در نرخ ارز
- اصلاح سیستم بانکی
- تدوین برنامه‌های بلند مدت و کوتاه مدت تجاری
- هماهنگی بین ارکان مؤثر در امر صادرات
- سیاست‌گذاری در جهت کاهش تنش‌های منطقه‌ای
- انعقاد موافقتنامه‌های تجاری با کشورهای هدف
- عضویت در سازمان‌های جهانی مانند WTO
- همسو کردن سیاست‌های ارزی دولت با صادرکنندگان کالا و خدمات
- از دیدگاه شما مهمترین اقدامات وزارت نیرو برای تسهیل صادرات تجهیزات و خدمات فنی و مهندسی صنعت برق باید در چه حوزه‌ای سازماندهی شود.
- وزارت نیرو به عنوان متولی اصلی صنعت آب و برق کشور علاوه بر تمرکز بر روی وظیفه اصلی خود در تامین آب و برق مطمئن کشور، در سال‌های گذشته به موضوع صادرات کالا و خدمات مهندسی این صنعت توجه بیشتری نشان داده است. با توجه به شتاب قابل توجه اجرای پروژه‌های داخل کشور و اشباع این بازار، اهمیت صادرات برای مدیران و صاحبان کسب و کار این صنعت دو چندان شده است. ظرفیت‌های بالقوه‌ای در این صنعت وجود دارد که می‌تواند در استراتژی توسعه صادراتی مورد توجه قرار گیرد.
- انجام پروژه‌های متعدد کلید در دست در





”

با توجه به شتاب قابل توجه اجرای پروژه‌های داخل کشور و اشباع این بازار، اهمیت صادرات برای مدیران و صاحبان کسب و کار صنعت برق دو چندان شده است. ظرفیت‌های بالقوه‌ای در این صنعت وجود دارد که می‌تواند در استراتژی توسعه صادراتی مورد توجه قرار گیرد

برای تأمین منابع ارزی مورد نیاز کشور در این مقطع حساس و همچنین برای دهه‌های بعدی به عنوان یک رویه پایدار و روبه رشد در اقتصاد ملی باشد. این مهم به ویژه با توجه به ظرفیت‌های علمی و فنی موجود در زمینه صادرات مجموعه‌ای از کالاها و خدمات فنی و مهندسی صنایعی مانند آب و برق، دارای کارکردی اساسی برای اقتصاد کشور در ابعاد بین‌المللی خواهد بود و تعاملات و وابستگی‌های متقابل دیگر کشورها به ایران را تعمیق می‌بخشد، که عاملی برای تضمین امنیت ملی و سیاسی کشور در ابعاد جهانی و منطقه‌ای است.

البته وزارت نیرو طی سال‌های اخیر با تدوین استراتژی‌های توسعه صادرات صنعت آب و برق سعی در رشد و توسعه صادرات این صنعت کرده و در همین راستا توسعه صادرات از طریق تقویت بخش خصوصی با استفاده از انتقال فناوری‌های پیشرفته و برگزاری دوره‌های

پیش روی اقتصاد ایران به حساب می‌آید و رشد اقتصادی، اشتغال‌زایی، رونق فضای کسب و کار، توسعه یافتگی و در نهایت افزایش رفاه ملی را به دنبال دارد از این رو وزارت نیرو با اهتمام ویژه‌ای این موضوع را پیگیری کرده و حاصل آن هم پیشتازی این صنعت در صدور خدمات فنی و مهندسی است که البته کافی نیست و با کمک سایر دستگاه‌های متولی امر صادرات، به دنبال تبدیل این ظرفیت بالقوه قابل توجه به ظرفیت بالفعل است و با توجه به تحولات و نوسانات بازارهای بین‌المللی، اتخاذ سیاست‌های راهبردی توسعه صادرات غیرنفتی مبتنی بر حمایت از صنایع اولویت‌دار در توسعه اقتصادی کشور امری ضروری به نظر می‌رسد.

حمایت اصولی از قابلیت‌های موجود و بالقوه کشور در زمینه توسعه پایدار صادرات کالاها، تجهیزات و خدمات فنی و مهندسی، می‌تواند موجب دستیابی به راهکارهای مناسب

بخش‌های مختلف نیروگاه، خطوط انتقال نیرو و پست‌های فشار قوی و شبکه‌های توزیع جمهوری اسلامی ایران را به کشوری مقتدر در میان رقبای منطقه‌ای و جهانی تبدیل کرده است. بی‌تردید حمایت از چنین صنایعی که با خلق ارزش افزوده قابل توجه در مسیر رشد و توسعه اقتصادی، اشتغال‌زایی و کسب درآمد بیشتر قرار دارند، صادرات غیرنفتی را به شکلی مطلوب و اثربخش رقم می‌زند و دستیابی به این مهم مستلزم تغییر رویکرد کشور به سمت توسعه صادرات غیرنفتی برپایه خلق ارزش افزوده بیشتر است. صنعت آب و برق و صنایعی از این دست قادر به تبدیل مواد اولیه و تولیدات پایه به تجهیزات با تکنولوژی بالا، دانش بنیان و روزآمد و صادرات آن به کشور هدف هستند و می‌توانند صادرات غیرنفتی را محقق کنند.

توسعه صادرات غیرنفتی مبتنی بر خلق ارزش افزوده بیشتر از مهم‌ترین راهکارهای

آموزشی مرتبط، جزو برنامه‌های این وزارت است.

وزارت نیرو برای دستیابی به این مهم با همکاری تشکلهای صنعت آب و برق سیاست‌های زیر را دنبال می‌کند:

• فراهم کردن بستر مناسب جهت معرفی و حضور فعال بیشتر شرکت‌ها در عرصه‌های بین‌المللی

• برگزاری جلسات و کمیسیون‌های مشترک اقتصادی با سایر کشورها خصوصاً کشورهای بازار هدف

• افزایش سهم صادرات خدمات فنی و مهندسی و تجهیزات صنعت آب و برق در بازارهای بین‌المللی

• تقویت و توسعه ظرفیت‌های صادراتی صنعت آب و برق برای حضور در عرصه‌های بین‌الملل

• بسترسازی جهت رقابت موفق و سالم در بازارهای بین‌الملل با اولویت بازارهای هدف



با نگاهی به تجربیات اتحادیه‌ها و تشکلهای صادراتی در کشورهایی که موفق عمل کرده‌اند و همچنین بررسی ساختار و شرایط اتحادیه‌های سنتی در ایران، می‌توان الگو و مدلی مناسب با توجه به شرایط خاص اقتصادی ایران، تدوین و طراحی کرد. ایجاد اتحادیه‌های صادراتی به شکل نوین آن در کشور تنها یکی از ملزومات گسترش و توسعه صادرات غیرنفتی است و شرایط تولید، کیفیت و فن آوری از پارامترهای مهم صادرات است

• صدور دانش فنی و مدیریتی و تاکید بر بسترسازی لازم جهت بومی سازی دانش و فناوری‌های روز دنیا

• تقویت تعاملات و همکاری با سندیکاها، اتحادیه‌ها و تشکلهای خصوص صادرات صنعت آب و برق

• افزایش حمایت‌های مالی از برنامه‌های تحقیق و توسعه شرکت‌های دانش بنیان

• گسترش همکاری صنعت آب و برق در زمینه تحقیق و توسعه با دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی

• شناسایی عوامل مؤثر بر بهره‌وری کل عوامل در صنعت آب و برق با فناوری بالا

• افزایش توان رقابتی صنعت آب و برق در عرصه‌های بین‌المللی از طریق ارتقاء دانش بومی

• تقویت ارتباط و تبادل الکتریکی با همسایگان ج.ا.ایران و توسعه آن به سایر کشورهای منطقه

به منظور ایجاد همگرایی و تثبیت جایگاه استراتژیک ج.ا.ایران در تامین و تبادل انرژی در منطقه

نقش تشکلهای نظیر سندیکای صنعت برق ایران را در توسعه صادرات چطور ارزیابی می‌کنید؟

قبل از بحث در خصوص نقش تشکلهای در توسعه صادرات، لازم به ذکر هست که بسیار خوشوقت هستیم در صنعتی فعالیت می‌کنیم که در سال جاری سندیکای صنعت برق ایران از بین حدود ۲۰۰ تشکل اقتصادی کشور به عنوان برترین تشکل اقتصادی عضو اتاق بازرگانی ایران برگزیده شده است که مجدداً این انتخاب را به مسئولین سندیکا تبریک عرض می‌کنم.

ارتباط با تشکلهای اقتصادی و رفع مشکلات آن‌ها همواره یکی از دغدغه‌های وزارت نیرو بوده، و توسعه تفکر تشکل‌گرایی تقویت تشکلهای موجود، تهیه پیشنهاد برای مراجع تصمیم‌گیری به منظور تقویت و بهبود فعالیت تشکلهای همواره در راس این برنامه‌ها و اهداف وزارت نیرو قرار داشته است.

تشکلهای با اهداف صنفی می‌توانند در رشد و شکوفایی صنعت خاص و گسترش تجارت تولیدات آن، نقش فعالی ایفا کنند. تشکلهای از یک سو می‌توانند از طریق هماهنگی و همفکری میان اعضا، موانع قانونی گسترش فعالیت‌های اقتصادی بازرگانی را شناسایی کرده و به راهبردهای عملی برای حل اینگونه موانع دست یابند و از سوی دیگر از طریق گفتگو با مراجع ذیصلاح، در اصلاح امور فعالیت‌ها مؤثر باشند.

تشکلهای در سراسر دنیا با زوری توانمند تولیدکنندگان و صادرکنندگان هستند. تشکلهای می‌توانند با جمع‌آوری اطلاعات لازم و به هنگام ارائه آن‌ها به اعضا، قدرت تصمیم‌گیری‌های مدیریتی را برای تولیدکنندگان و صادرکنندگان اقلام خاص بالا ببرند.

با نگاهی به تجربیات اتحادیه‌ها و تشکلهای صادراتی در کشورهایی که موفق عمل کرده‌اند و همچنین بررسی ساختار و شرایط اتحادیه‌های سنتی در ایران، می‌توان الگو و مدلی مناسب با توجه به شرایط خاص اقتصادی ایران، تدوین و طراحی کرد.

ایجاد اتحادیه‌های صادراتی به شکل نوین آن در کشور تنها یکی از ملزومات گسترش و توسعه صادرات غیرنفتی است و شرایط تولید، کیفیت و فن آوری از پارامترهای مهم صادرات است.

البته سندیکای صنعت برق با تشکیل کمیته صادرات گام بزرگی در این زمینه برداشته است، ولی با توجه به پیشرو بودن صنعت برق در زمینه صادرات خدمات فنی و مهندسی در کشور اگر این مسیر تبدیل به

تشکیل اتحادیه صادراتی در صنعت برق شود، می‌تواند بطور مؤثرتری به فعالیت‌های صادراتی کمک کند.

تشکلهای موجود در کشور با چالش‌هایی روبرو هستند که باید با تفکر حرفه‌ای بر این چالش‌ها غلبه کنند. از جمله این چالش‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. توسعه نیافتگی و عدم رشد حرفه‌ای و تخصصی انجمن‌ها و تشکلهای تخصصی.

۲. ضعف فرهنگ جمع‌گرایی و تشکل‌محوری در جامعه تولیدی کشور.

۳. ضعف در اتحاد و انسجام بین نهادهای تخصصی و تشکلهای.

۴. ضعف در ناحیه تامین منابع مالی مورد نیاز برای توسعه فعالیت یک تشکل صنفی.

۵. فقدان برنامه‌ریزی راهبردی و بلند مدت پایدار در خصوص ارائه خدمات به شرکت‌ها.

۶. تعدد مراکز صدور مجوز فعالیت تشکلهای وجود تشکلهای موازی.

۷. فقدان آمار و اطلاعات روزآمد در حوزه‌های مختلف کاری تشکلهای.

۸. عدم توجه جدی به منافع جمعی و صنفی در تشکلهای.

۹. عدم آمادگی تشکلهای برای پذیرش وظایف تصدی‌گرایانه دولت.

۱۰. مسئولیت‌ناپذیری برخی تشکلهای در قبال ارائه خدمات به بنگاه‌های عضو.

۱۱. وجود نوعی اقتصاد پنهان که موجب گرایش فعالان اقتصادی از جمله واحدهای تولیدی - صادراتی به سمت فعالیت‌های اقتصادی غیرشفاف و پنهان می‌شود و حضور در اتحادیه‌های صادراتی به دلیل تعامل فعالیت‌های تجاری در تضاد با اقتصاد پنهان است.

۱۲. وجود برخی انحصارها در تجارت خارجی کشور مانع از ورود دیگران به تشکلهای صادراتی می‌شود.

۱۳. وجود رقابت ناسالم بین برخی صادرکنندگان کشور مانع همکاری آن‌ها در بازارهای جهانی است.

۱۴. تعارض موردی منافع تولیدکنندگان و صادرکنندگان به ویژه در خصوص سود تجارت خارجی و صادرات.

۱۵. ناچیز بودن ترجیح‌ها، مزیت‌ها و امتیازهای ویژه در مقررات کشور برای اتحادیه‌های صادراتی

البته خوشبختانه همانطور که قبلاً هم اشاره شد سندیکای صنعت برق از جمله تشکلهای پیشرو و ممتاز در کشور بوده و با پشت سر گذاشتن برخی از چالش‌های فوق در مسیر رشد و بالندگی مناسبی قرار گرفته است. ■





گفت و گو با آریا صادق نیت حقیقی /

مدیرعامل شرکت قم آلیاژ و عضو هیأت رئیسه کمیته توسعه صادرات سندیکای صنعت برق

تحریم فرصتی برای نگاه به واحدهای تولیدی داخلی

کالا و محصولات غیرنفتی نیاز ارزی کشور نیز تامین می‌شود.

در یک جمله تحریم‌های بین‌المللی فرصتی است برای نگاه به داخل و تقویت واحدهای تولیدی داخلی و جایگزینی خام فروشی با توسعه صادرات محصولات با ارزش افزوده بالا.

افزایش نرخ ارز می‌توانست به توسعه صادرات منجر شود، چرا این اتفاق رخ نداد؟

دلیل این نتیجه هم بی‌برنامگی و فرصت‌سوزی است و این فرصت مناسب برای توسعه صادرات محصولات تولید داخل که با خود رونق تولید و ایجاد ارزش افزوده و توسعه اشتغال‌پایداری را به همراه داشت با بی‌تدبیری باعث رکود، احتکار، قاچاق ارزاق عمومی، سوخت و گسترش خام فروشی مواد اولیه به منظور دستیابی به ارز تبدیل و صرفاً گرانی و تورم داخلی را به ارمان آورد. دولت می‌بایست به جای تعیین نرخ دستوری و غیر عملی برای ارز و حراج اندوخته ارزی جهت واردات کالای مصرفی به مدیریت موجودی ارزی کشور و تامین تجهیزات و قطعات و مواد اولیه مورد نیاز واحدهای تولیدی می‌پرداخت تا شاهد وضعیت کنونی نباشیم.

متأسفانه عدم توجه و کنترل مناسب دولت باعث صادرات مواد اولیه مورد نیاز واحدهای تولیدی و نه صادرات محصولات شده است!

نقش سندیکا را در تسهیل روند صادرات چطور ارزیابی می‌کنید؟

مطابق قانون رفع موانع تولید و بهبود فضای کسب و کار، دولت می‌بایست با تشکل‌های بخش خصوصی تعامل و در تصمیم‌گیری ایشان را دخیل و مشارکت دهد این نشان از اهمیت نقش تشکل‌ها در ایجاد بهبود و رفع موانع است. سندیکا با داشتن کمیته‌های تخصصی می‌تواند مشکلات اعضا را بررسی کند و با اولویت‌بندی آن‌ها را کارشناسی کند و با تجمیع تجارب عملی و علمی و هم‌افزایی، برای مشکلات راهکار مناسب پیشنهاد دهد و در همین راستا از صدور بخشنامه‌های متعدد و غیرکارشناسی که به جای تسریع و تسهیل اثر مخرب و خسارت‌بدنبال دارد، جلوگیری کند. مشروط بر اینکه دولت مردان به قانون یادشده و خرد جمعی احترام بگذارد تا از این بازوی مشورتی بهره‌برداری مناسب و به موقعی بشود. ■

مالی و نقل و انتقال و ... کمتری دارند مبادرت به صادرات کالای خود می‌کنند و سپس ارز حاصل را به مبلغی کمی بیش از نصف آنچه پرداخت شده است را تحویل نظام نیمائی نمایند!!

وقتی هزینه‌های تولید و صادرات با ارز نیمائی قابل پرداخت نیست چگونه توقع داریم ارز حاصل به قیمت مصوب (نیمائی) برگردانده شود؟؟! این مابه‌التفاوت می‌بایست از چه محلی تأمین و جایگزین شود؟!

مهمترین چالش پیش روی صادرکنندگان در داخل کشور چیست؟

نامشخص بودن تصمیمات دولت و سردرگمی صادرکنندگان از مهمترین چالش‌های پیش رو است. با ادامه تصمیمات غیرکارشناسی و صدور بخشنامه‌های متعدد بدون در نظر گرفتن الزامات صادرات امکان رقابت و صادرات از صادرکنندگان ایرانی گرفته شده و بزرگترین خطر پیش روی دست رفتن بازارهای صادراتی در کشورهای هدف و مشتریان است که با هزینه فراوان بدست آمده است.

پیش بینی شما از شرایط پیش روی صادرات با وجود آغاز دوباره بخشی از تحریم‌ها چیست؟

متأسفانه در شرایطی که فضا کمی بازتر و فشارها کمتر شده بود بستر سازی و استفاده مناسبی از فرصتها نشد و اکنون که در شرف تشدید تحریم‌ها و بسته تر شدن فضا خصوصاً در ارتباطات بین‌المللی و پولی و بانکی و بیمه‌ای هستیم ارزش زمان و حساسیت تصمیم‌گیری و سرعت عمل از اهمیت بالاتری برخوردار است ولی با نهایت تأسف بجای آن شاهد سردرگمی دولت مردان و فرصت‌سوزی هستیم. تهدید تحریم‌ها با همفکری اصحاب صنعت و تشکل‌های صنعتی می‌تواند به فرصت برای تقویت تولیدکنندگان داخلی تبدیل شود و اگر دولت به جای خام فروشی و صادرات مواد اولیه و واردات کالاهایی که امکان تولید داخلی را دارند نسبت به تهاتر نفت و میعانات گازی و ... خود با مواد اولیه مورد نیاز صنایع داخلی اقدام و با ایجاد انبارهای ذخیره استراتژیک مواد اولیه و فلزات مورد نیاز واحدهای تولیدی را برآورده کنند با توجه به موارد ذکر شده نه تنها نیاز داخل مرتفع خواهد شد بلکه به گسترش زنجیره ارزش افزوده و اشتغال با توسعه صادرات

اهمیت صادرات غیرنفتی و نقش آن در رشد و توسعه اقتصادی کشورها بر کسی پوشیده نیست، در همین راستا همواره یکی از دغدغه‌های جدی در اکثر کشورهای جهان، ارتقای رقابت‌پذیری و تلاش در جهت رشد صادرات محصولات با ارزش افزوده بالاست. این دغدغه به‌ویژه در کشورهایی نظیر ایران که دارای درآمدهای نفتی یا درآمدهای وابسته به منابع طبیعی هستند بیشتر است. چراکه با تمرکز بر صادرات منابع طبیعی (مثل نفت و گاز)، ناپسامانی‌ها و ناکارآمدی‌های گسترده‌ای در بخش‌های مختلف ایجاد می‌شود. اهمیت صادرات غیرنفتی به ویژه در حوزه صنعت برق و چالش‌های پیش روی این صنعت، محور این گفتگو است که با مدیرعامل شرکت قم آلیاژ قم انجام شده است.

این شرکت که تولید کننده آلیاژهای سرب، روی، آلومینیوم و مفتول و سیم و هادی‌های هوایی آلومینیومی است، یکی از اعضای سندیکای صنعت برق و همچنین عضو کمیته توسعه صادرات این سندیکاست. قم آلیاژ در کنار تأمین نیاز تولید کنندگان داخلی نسبت به صادرات محصولات خود به سایر کشورها نظیر کره جنوبی، تایوان، امارات، هند، عمان، ترکمنستان، عراق و افغانستان اقدام کرده و طی سال‌های ۸۵، ۸۶، ۸۷ و ۹۲ عنوان تولید کننده نمونه و در سال‌های ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۹۱ و ۹۲ عنوان صادرکننده نمونه استان قم و صادرکننده برتر کشور در سال ۸۸ را به خود اختصاص داده است. در این مجال چالش‌های صادراتی پیش روی این شرکت از زبان مدیرعامل شرکت قم آلیاژ، صادق نیت حقیقی نگاشته شده است.

مهمترین موانعی که برای صادرات محصولات یا خدمات خود با آن مواجهید کدام است؟

علاوه بر مشکلات قبلی ناشی از تحریم‌ها، عدم ارتباط بانکی و عدم امکان گشایش LC و دریافت ضمانت نامه و ریسک هزینه‌های بالای نقل و انتقال ارز و ... امروز بزرگترین مانع بر سر راه صادرات پیمان سپاری ارزی است چرا که مواد اولیه در بورس و بازار بصورت اندک عرضه شده و قیمت آن با فاصله کمی بر مبنای دلار آزاد بدست تولیدکنندگان داخلی می‌رسد حال آنکه با اجبار به پیمان سپاری ارزی تولیدکنندگان می‌بایست پس از تولید با هزینه‌های آزاد و با رقابت با رقبای خارجی که حمایت مناسب سیستم بانکی و هزینه‌های

نگاه ویژه

سکون تجدیدپذیرها



۲۵

نگاه ویژه



چرا ایران به انرژی‌های نو، آری نمی‌گوید؟

(و انرژی جریان اقیانوسی (Marine Energy) هستند که البته مورد پایداری هنوز چندان گسترش نیافته است.

نگرانی از دگرگونی‌های ویرانگر زیست‌محیطی در کنار افزایش پیوسته روزافزون بهای نفت، حمایت‌های دولتی در سراسر جهان و وضع قوانینی که بهره‌برداری و تجاری سازی منابع سرشار تجدیدپذیر را تشویق می‌کنند، موجب توجه جدی‌تر و افزایش میزان تولید انرژی از این رهگذر شده است. همچنین مجموعه این ضرورت‌ها و احساس نیاز برای ایجاد یک همکاری جهانی در این زمینه، منجر به بنیان نهادن سازمانی سراسری زیر نام «آژانس بین‌المللی انرژی‌های تجدیدپذیر» شد که بسیار فعال بوده و اعضای بسیاری دارد.

پرو این موارد در سال‌های اخیر نزدیک به ۱۸ درصد از انرژی مصرفی جهان از راه انرژی‌های تجدیدپذیر تامین شده است که در این میان سهم زیست‌توده نزدیک به ۱۳ درصد، انرژی آبی ۳ درصد و ۲ درصد باقی‌مانده شامل نیروگاه‌های آبی کوچک، انرژی بادی، خورشیدی، زمین‌گرمایی و... است که این میزان با شتاب فزاینده‌ای نیز رو به گسترش هستند.

بهره‌برداری از انرژی باد نیز با رشد نزدیک به ۳۰ درصد در سال به صورتی گسترده در اروپا، آسیا و ایالات متحده در حال بهره‌برداری است و توان بزرگترین نیروگاه زمین‌گرمایی جهان به ۷۵۰ مگاوات می‌رسد که این اندازه‌ها نشان از استعداد این انرژی‌های نو برای جایگزینی منابع کنونی دارد.

البته بکارگیری منابع تجدیدپذیر در مقیاس کوچک و بدون نیاز به امکانات و تاسیسات پیچیده نیز رایج بوده و می‌تواند بسیار مؤثر هم باشد، حتی به صورت خانگی. از این رو منابع انرژی‌های تجدیدپذیر در تمام نقاط کره زمین در دسترس هستند و در نقاط دورافتاده، نقش راهبردی انرژی‌های نو به خوبی نمایان می‌شود

مخرب زیست‌محیطی و جوی روشنی دارد، از سوختن ذغال‌سنگ تولید و در جو زمین رها می‌شود.

در روزگار کنونی عواملی همچون شیب تند مصرف انرژی، پایان‌پذیری منابع انرژی فسیلی، بحران‌های زیست‌محیطی ناشی از این سوخت‌ها، گرمایش زمین و اثر گلخانه‌ای و... سبب شد تا بشر تلاش دوباره‌ای را برای به خدمت گرفتن منابع انرژی کهن که پاک‌تر از سوخت‌های فسیلی و بدون پایان هستند، در مقیاسی گسترده و صنعتی آغاز کند، این فصل از داستان پرفراز و نشیب بشر و نیرو، انرژی‌های تجدیدپذیر نام دارد.

انرژی تجدیدپذیر (Renewable Energy)، گونه‌ای از انرژی است که سرچشمه تولید آن، برخلاف انرژی‌های تجدیدناپذیر که غالباً سوخت‌های فسیلی هستند، امکان آفرینش دوباره به وسیله طبیعت را در یک بازه زمانی کوتاه داراست.

در یک نگاه کلی بکارگیری انرژی‌های تجدیدپذیر، دارای دو رویکرد بنیادین است و در نخستین آن که روش ترکیبی است، همه انواع این انرژی‌ها به انرژی الکتریکی تبدیل می‌شود، در روش دوم اما با تجهیزاتی ویژه، این منابع انرژی را بدون میانجی در گرمایش، سرمایش و جنبش مکانیکی به خدمت می‌گیرند، روش دوم به دلیل از میان برداشتن تبدیل‌های نالازم نسبت به روش نخست برتری دارد و بازده آن نیز بسیار بالاتر است؛ لیکن به دلیل فراگیرتر بودن فناوری، گرایش بیشتر به بهره‌گیری از روش ترکیبی است.

منابع انرژی‌های تجدیدپذیر که امروزه در جهان به شیوه‌ای عملیاتی و کار بسته در حال بهره‌دهی بوده و همگی نیز به روش ترکیبی (تولید انرژی الکتریکی) کار می‌کنند شامل انرژی‌های آبی (برق‌آبی)، بادی، خورشیدی، زمین‌گرمایی (Geothermal Energy)، انرژی زیست‌توده (Biomass Energy)، انرژی امواج دریا، انرژی کشندی یا جزر و مد (Tidal Energy)

بشر از دیرباز با بکارگیری شمار بسیاری از انرژی‌های دسترس‌پذیر در طبیعت، در پی گشودن افق‌های تازه به روی خویش بوده است تا از این رهگذر، بتواند کارها را آسان‌تر کرده و فعالیت‌های خود را با کمترین هزینه و بالاترین سرعت به انجام رساند.

نخستین انرژی بکارگرفته شده توسط بشر، انرژی خورشیدی است، انسان از نور و گرمای آفتاب بهره می‌برد و امروزه نیز این انرژی جایگاه خود را از دست نداده است. انسان‌های ساکن در نزدیکی جریان‌های آزاد آب یا سرزمین‌های بادخیز نیز از این انرژی‌های حرکتی استفاده می‌کردند و با تبدیل و مهار آن، توان خویش را برای انجام کارهای بزرگ‌تر و دشوارتر افزایش می‌دادند.

حتی انرژی گرمایی زمین نیز از گذشته‌های دور برای انسان‌های ساکن در پیرامون آتشفشان‌ها، دست کم در قالب استفاده از انرژی حرارتی، منبعی آشنا بوده است.

با افزایش جمعیت و همگام با نیازهای روزافزون بشر به انرژی‌های کارا تر و با بازده بیشتر، سوخت‌های فسیلی پا به عرصه گذاشتند و در زمان کوتاهی جای منابع دیگر را گرفتند، به این ترتیب منابع پیشین انرژی کم‌کم به دست فراموشی سپرده شدند. لیکن انسان به همان سرعتی که منابع فسیلی گسترش پیدا کردند، دریافت که هیدروکربورها بی‌کران نبوده و منبعی قابل اتکا به شمار نمی‌آیند، از سوی دیگر دیری نپایید که پیامدهای ناشی از سوزاندن سوخت‌های فسیلی، خود به چالشی تازه برای جوامع بشری منجر شد.

نمونه بارز این چالش‌ها مصرف کنونی نفت در جهان است که نزدیک به ۱۰ میلیارد تن در سال بوده و بیش از این نیز خواهد شد و ذغال‌سنگ هم همچنان یکی از پر مصرف‌ترین منابع تامین انرژی در جهان است که سالانه چندین میلیون تن از گازهای دی‌اکسید کربن (CO₂)، دی‌اکسید گوگرد (SO₂) و دی‌اکسید نیتروژن (NO₂) که آثار

و می توان گفت که این انرژی ها یکی از گزینه های شایسته برای پیشبرد اهداف توسعه در کشورهای فقیر و توسعه نیافته یا کشورهای در حال توسعه که از منابع طبیعی بی بهره هستند می باشد. بررسی های صورت گرفته در این رابطه نشان می دهد که توسعه استفاده از انرژی های نونقش بسزایی در افزایش درجه امنیت سیستم انرژی یک کشور برعهده دارد. با وجود این بیشتر کشورهای یاد شده، برنامه روشنی برای گسترش نیروگاه های تجدیدپذیر ندارند، هرچند استثنائاتی نیز در میان آنها به چشم می خورد.

در ایران نیز تا کنون فعالیت ها و اقدامات متعددی در زمینه به خدمت گرفتن انرژی های نوصورت پذیرفته است، چشم انداز استفاده از این انرژی ها در ایران نیز ظاهرا مانند کشورهای توسعه یافته از اهمیت قابل توجهی برخوردار است و دولت در برنامه پنجم توسعه برنامه ریزی لازم را صورت داده است.

قانون عضویت دولت ایران در آژانس بین المللی انرژی های تجدیدپذیر در خرداد ۱۳۹۱ تصویب شد تا با گسترش این منابع انرژی، موجب کاهش مصرف فرآورده های نفتی و اشتغال زایی شده و میزان آلودگی محیط زیست را کاهش دهند.

در ادامه این روند براساس ماده ۸ قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی و در راستای ارتقاء بهره وری و استفاده هرچه بیشتر از منابع تجدیدپذیر، لایحه تاسیس سازمان انرژی های تجدیدپذیر و بهره وری انرژی برق با عنوان اختصاری «ساتبا» که می بایست از ادغام سازمان انرژی های نو

ایران (سانا) و سازمان بهره وری انرژی ایران (سابا) شکل بگیرد، توسط کابینه دولت یازدهم تقدیم مجلس شد و در پاییز سال ۹۵ خورشیدی به تصویب رسید و به وزارت نیرو ابلاغ شد.

در قانون تشکیل ساتبا ارتقای بهره وری انرژی و استفاده هرچه بیشتر از منابع تجدیدپذیر و پاک از طریق فراهم نمودن زیرساخت های لازم در کشور و افزایش بهره وری عرضه انرژی و کاهش تلفات انتقال، توزیع و مصرف انرژی در کشور و استفاده از روش های تولید برق تجدیدپذیر و پاک و همچنین به کارگیری بخش خصوصی و حمایت از مشارکت آن، تدوین سیاست های تشویقی در جهت حمایت از شرکت های دانش بنیان، عملیاتی کردن استفاده از انرژی های تجدیدپذیر در سطح صنعتی و... از جمله وظایف این سازمان یاد شده است.

لیکن گذشته از این قوانین و برنامه های حاکمیتی، نخست باید دید که استعداد جغرافیایی ایران برای گسترش و تولید انرژی های نو در چه اندازه ای است.

در ایران با توجه به وجود مناطق بادخیز، طراحی و ساخت آسیابهای بادی از ۲۰۰ سال پیش از میلاد رایج بوده و این استعداد بستر مناسبی برای گسترش بهره برداری از توربینهای بادی است. تنها در ۲۶ منطقه از کشور توان اسمی سایت ها با راندمان ۳۳ درصدی، نزدیک به ۶ هزار و ۵۰۰ مگاوات است که می تواند نزدیک به ۱۰ درصد کل برق مصرفی کشور را تامین کند و این در حالی است که تا امروز تنها چیزی کمتر از ۲۰۰ مگاوات از این ظرفیت عظیم عملیاتی شده است که نسبت به توان

اسمی نیروی باد در ایران بسیار ناچیز است. پژوهش ها نشان می دهد که پروژه های برق بادی در سه استان گیلان، خراسان جنوبی و سیستان و بلوچستان از نظر اقتصادی کاملا مقرون به صرفه هستند و از دید نظری می توان با صرفه جویی که در مصرف نفت و گاز خواهد شد به سرعت هزینه های تاسیس نیروگاه بادی را جبران کرد، اما در استان سیستان و بلوچستان تا کنون هیچ اقدامی در این زمینه انجام نشده است.

شاید بتوان نیاز به فناوری پیشرفته و آموزش تخصصی در زمینه تاسیسات، تعمیر و نگهداری توربین های بادی، نیاز به سرمایه هنگفت برای ایجاد این نیروگاه ها در گام نخست و تخصیص یارانه به برق تولیدی از نیروگاه های فسیلی که هزینه تولید برق بادی را غیر اقتصادی می کند را از جمله دلایل نبود انگیزه برای گسترش این انرژی پاک و تجدیدپذیر بشمرد، در حالی که با فروش نفتی که از این محل صرفه جویی خواهد شد به سرعت می توان هزینه های این

نیروگاه های بادی را جبران کرد. به نظر می رسد همکاری با بخش خصوصی در این حوزه با شریک کردن آنها در سود حاصل از این صرفه جویی برای مدت معین، تضمین خرید برق تولیدی آنها و حذف یارانه برق فسیلی و دولتی برای رقابتی کردن فضای بازار می تواند راهگشا باشد.

مورد مناسب بعدی در کشورمان انرژی خورشیدی است، ایران در منطقه ای قرار گرفته است که به لحاظ دریافت انرژی خورشیدی در بالاترین رده ها قرار دارد. میزان تابش خورشیدی



یکی از مهم‌ترین مسائلی که مانع توسعه و ورود بخش خصوصی به حوزه تجدیدپذیرها می‌شود قیمت پایین انرژی و هزینه بالای تولید آن است که عملاً مزیت اقتصادی این بخش را از میان برداشته است

نیروگاه‌های برق آبی بزرگ آغاز شده بود، اما از سال ۷۲ نیروگاه‌های برق آبی کوچک، نیروگاه‌های خورشیدی، نیروگاه‌های بادی، انرژی‌های زمین گرمایی و سایر انرژی‌های پاک و تجدید پذیر در دستور کار قرار گرفت.

وی ادامه داد: در ابتدا به دلیل عدم اطلاعی که از مزیت‌ها و چگونگی اجرای فعالیت‌های مربوط به تولید انرژی‌های تجدید پذیر در همه جا حتی وزارت نیرو بود، با این نوع فعالیت‌ها مخالفت شد و حتی سعی می‌کردند موانعی را در سر راه انرژی‌های تجدید پذیر ایجاد کنند. اما زمانی که در اروپا توسط شرکت‌های بزرگ، توربین‌های ۱۰۰ کیلوواتی در حال نصب بود، در ایران نیز طراحی و ساخت توربین‌های ۶۰۰ کیلوواتی به همت بخش خصوصی و حمایت وزارت نیرو در حال انجام بود.

عضو هیات مدیره ساتبا تاکید می‌کند که با تصویب قانون خرید تضمینی انرژی‌های تجدید پذیر نصب پنل‌های خورشیدی به ۲۱۰ مگاوات در سال ۹۶ رسیده و تا پایان سال ۹۷ به ۴۱۰ مگاوات خواهد رسید. همچنین ساخت توربین‌های بادی با ظرفیت‌های تا ۷۱۰ مگاوات نیز در حال انجام است.

با این حال چیت چیان نیز کمی پیشتر و در زمانی که تصدی وزارت نیرو بر عهده داشت از روند توسعه انرژی‌های تجدید پذیر ابراز نارضایتی کرده و سرعت گسترش آن را کند دانسته بود.

در مجموع می‌توان گفت که روند بهره‌گیری از انرژی‌های تجدید پذیر در ایران هنوز چندان رضایت بخش نیست و دلایلی نیز برای این کندی توسعه بیان شد، اما شاید در میان همه دلایلی که برای این توسعه نیافتگی وجود دارد نبود یک عزم ملی سراسری و وجود انرژی فسیلی تقریباً رایگان با بازده فاجعه‌بار در مصرف آن، نبود مدیریت یکپارچه و هدفمند در این حوزه از باقی دلایل مهم‌تر به نظر می‌رسند که باید در گام نخست به آنها توجه شود. ■

را در دستور کار قرار داده و پیش‌بینی می‌شود که میزان تولید انرژی تجدید پذیر از کمتر از ۳۰۰ مگاوات تا سال ۲۰۳۰ به ۷ هزار و ۵۰۰ مگاوات برسد.

این سیاست‌های تشویقی جدید، بلافاصله پس از تصویب مورد استقبال شرکت‌های داخلی و خارجی مختلفی قرار گرفت و تنها در سال‌های ۹۴ و ۹۵ بیش از ۱۵۰ هیئت و شرکت خارجی به سازمان انرژی‌های تجدید پذیر و بهره‌وری انرژی برق (ساتبا) مراجعه کردند و البته از میان برداشته شدن برخی تحریم‌ها در سال‌های اخیر نیز مؤثر بوده و بازگشت آنها می‌تواند در این عرصه نیز مشکل‌ساز باشد و از سویی دیگر نیاز به فناوری بسیار بالا و سرمایه‌گذاری سنگین همچنان از محدودیت‌های گسترش این حوزه به شمار می‌آید.

مصوبه تامین ۲۰ درصدی برق نیز به‌رغم حالت اجباری آن، از زمان تصویب در سال ۹۵ به دلیل نبود آیین‌نامه دقیق اجرایی در مورد آن موجب شده است تا سازمان‌ها ندانند با چه سازوکاری باید این کار را انجام دهند.

در واقع ایران در راه به‌کارگیری انرژی‌های نو با موانع عمده و اساسی روبروست. یکی از این موانع، وجود نفت ارزان و منابع غنی هیدروکربنی در کشور است که استفاده از این انرژی‌ها را غیر منطقی می‌کند. نبود شناخت از انرژی‌های نو و مجهول ماندن مزایای آن در میان مردم و مسئولان از دیگر موانع دست‌یابی به انرژی‌هاست.

یکی از مهم‌ترین مسائلی که مانع توسعه و ورود بخش خصوصی به این بخش می‌شود قیمت پایین انرژی و هزینه بالای تولید آن است که عملاً مزیت اقتصادی این بخش را از میان برداشته است. با توجه به مشکلاتی که پیمانکاران هم‌اکنون با وزارت نیرو بر سر پرداخت مطالبات دارند، بعید به نظر می‌رسد سرمایه‌داران با وعده پرداخت تفاوت قیمت راضی به آوردن سرمایه‌هایشان به این بخش شوند. به‌ویژه اینکه بهره‌های بانکی نیز بسیار بالاتر از نرخ جهانی است.

یوسف آرمودلی رئیس سابق سازمان انرژی‌های نو (سانا) برای این باور است که وجود سوخت ارزان و یارانه‌ای مانع اقدام جدی و عملیاتی در سطح وسیع و مطابق با پیشرفت جهانی در این زمینه شده است. همچنین نبود یک برنامه جامع و مدون ملی که با معیارهای کمی مشخص و به شکل قانونی تثبیت شده باشد، یکی دیگر از دلایل یادشده است.

در برابر مباحث طرح شده «حمید چیت‌چیان»، وزیر سابق نیرو و عضو هیات مدیره ساتبا نیز به نکات مثبت این حوزه پرداخته است، وی با شرح تاریخچه شروع فعالیت‌های انرژی‌های نو در ایران را از سال ۱۳۷۲ گفت: با وجود این که از پیش، فعالیت‌هایی در زمینه احداث

در ایران بین ۱۸۰۰ تا ۲ هزار ۲۰۰ کیلووات ساعت بر مترمربع در سال تخمین زده شده است که بسیار بالاتر از میانگین جهانی است. در ایران به صورت میانگین سالانه بیش از ۲۸۰ روز آفتابی گزارش شده است. در مساحت دو هزار کیلومتر مربع از خاک ایران امکان نصب بیش از ۶۰ هزار مگاوات نیروگاه حرارتی خورشیدی وجود دارد که تقریباً برابر برق مصرفی کشور است. لیکن با وجود چنین پتانسیل بالایی در انرژی خورشیدی، کشورمان پیشرفت چندانی در این بخش نداشته و عملاً با موانع متعددی برای گسترش نیروگاه‌های خورشیدی روبرو هستیم که احتمالاً چیزی بیش از نیاز به سرمایه و فناوری بوده و حتی تا اندازه‌ای پیچیده و مرموز است، آن هم در کشوری که مردم همیشه از تیزی تیغ آفتاب گِلِه دارند!

شاید یکی از این دلایل مرموز تخصیص نرخ برابر برای خرید برق تولیدی از همه منابع است حال آنکه هزینه راه‌اندازی یک نیروگاه خورشیدی ۵ برابر هزینه تأسیس یک نیروگاه بادی با همان توان بوده و روشن است که برق تولیدی آن نیز باید گران‌تر باشد، تعجبی ندارد که همه سرمایه‌گذاران علاقه دارند که در حوزه انرژی باد ایران فعالیت کنند.

زیست توده نیز یکی از منابعی است که افزون بر تولید انرژی و تامین برق مورد نیاز یک شهر زباله و پسماند آن شهر را نیز به شکلی شایسته و هماهنگ با طبیعت مدیریت می‌کند، مطالعات نشان می‌دهد که توان حداکثر تولید برق از انواع نیروگاه‌های زیست‌توده در سال ۸۶ برای شهرهای بالاتر از ۲۵۰ هزار نفر، بالغ بر ۸۰۰ مگاوات بوده است که بیشتر از مصرف برق یک چنین شهری است، اما این انرژی تنها در یکی دو کارخانه پالوت در پایتخت عملیاتی شده است.

بر پایه توافق‌نامه زیست محیطی پاریس، ایران تعهد داده است که حدود ۴ درصد از انتشار آلاینده‌های زیست محیطی بکاهد و در صورت استفاده از اعتبارات و مشارکت بین‌المللی این تعهد می‌تواند تا ۸ درصد نیز افزایش یابد. چنین تعهدی با تکیه بر راهکارهای بهینه‌سازی گسترش انرژی‌های پاک پذیرفته شده است و شوربختانه چندان در این زمینه موفق نبوده ایم.

البته با بهره‌گیری از تجربه‌های بین‌المللی، ایران از چند سال پیش سازوکارهایی همچون وضع قیمت تضمینی بر خرید برق تجدید پذیر، بالا بردن انگیزه سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری در نیروگاه‌های تجدید پذیر و ایجاد بستر مناسب در خصوص تنوع بخشی هر چه بیشتر به سبد انرژی پاک از طریق مکانیسم خرید تضمینی و مکلف کردن تمام سازمان‌های دولتی به تامین ۲۰ درصد برق مورد نیازشان را از انرژی تجدید پذیر در مدت ۲ سال



/ محمد دانای معنوی /
معاون تولید نیرو شرکت مشاور مونتکو ایران

بهره‌گیری از انرژی‌های تجدیدپذیر؛ ضرورت یا شعار

انقلاب انرژی‌های تجدیدپذیر، جهان امروز را دچار تغییرات عظیمی کرده است، انقلابی که کشور ایران از آن بسیار عقب افتاده و آینده روشنی را نمی‌توان برای این صنعت در ایران متصور بود. از سال ۲۰۱۲ تا به امروز بیش از نیمی از پروژه‌های اجرا شده برای تولید برق در جهان بر مبنای انرژی‌های تجدیدپذیر بوده است. در پایان سال ۲۰۱۶ ظرفیت نصب شده تجدیدپذیرها در جهان بیش از ۲۰۰۰ گیگاوات بوده است که نسبت به سال ۲۰۰۷ بیش از دو برابر رشد داشته است. فقط در سال ۲۰۱۶ به مقدار ۱۶۲ گیگاوات (شامل ۳۶ گیگاوات برق آبی، ۵۱ گیگاوات بادی، ۷۱ گیگاوات فتوولتائیک، ۹ گیگاوات زیست توده و ۱ گیگاوات ترکیبی از خورشیدی حرارتی، دریایی، زمین گرمایی) پروژه‌های تجدیدپذیر در دنیا نصب شده است. پیش‌بینی می‌شود که این رشد در سال‌های آتی با شتاب بیشتری ادامه پیدا کند. ظرفیت جهانی فتوولتائیک نصب شده فقط در سال ۲۰۱۷ به مقدار ۹۰ گیگاوات و ظرفیت جهانی بادی نصب شده در این سال مقدار ۴۰ گیگاوات بود. شایان ذکر است که در پایان سال ۱۳۹۶ ظرفیت برق

تولیدی ایران ۷۸ گیگاوات بود که در این میان ظرفیت تجدیدپذیرها (به جز برق آبی) کمتر از ۰/۲٪ ظرفیت برق تولیدی ایران است. رشد انرژی‌های تجدیدپذیر مدیون افت شدید سرمایه مورد نیاز برای اجرای اینگونه پروژه‌هاست، به نحوی که «هزینه همتراز شده برق» (LCOE) برای نیروگاه‌های بزرگ فتوولتائیک شاهد افتی ۷۳٪ مابین سال‌های ۲۰۱۰ الی ۲۰۱۷ بوده است. پیش‌بینی می‌شود که LCOE به دلایل زیادی مانند استفاده از روش‌های تولید با بازدهی بالاتر، افزایش حجم تولید تجهیزات، بلوغ تکنولوژی و غیره در سال‌های آتی شاهد کاهش باشد. «هزینه همتراز شده برق» برای نیروگاه‌های بزرگ فتوولتائیک در سال گذشته شاهد رکوردهای جدیدی در اربوطبی، شیلی، دبی، مکزیک، پرو و عربستان به مقدار ۰/۰۳ دلار آمریکا بر kWh بوده است. با توجه به آمار ذکر شده، جای هیچ تردیدی باقی نمی‌ماند که انرژی‌های تجدیدپذیر در دنیای امروز قابلیت رقابت با انرژی‌های فسیلی و اتمی را دارا می‌باشند. بدون تردید هیچ کشوری از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، جغرافیایی و اقتصادی

قابل مقایسه با دیگر کشورها نیست اما با بررسی آمار جهانی و تجربیات دیگر کشورها، مسئولان هر کشوری می‌توانند تصمیماتی مناسب با وضعیت کشور خود اتخاذ کنند. به عنوان مثال نمی‌توان LCOE برای نیروگاه سیکل ترکیبی در کشورهای همسایه ایران، یا خاورمیانه، یا اروپا و آمریکا را به عنوان عددی نهایی و غیرقابل بحث فرض کرد و در ایران LCOE با دستور مجبور می‌شوند که نیروگاه سیکل ترکیبی کمتری مساوی یا حتی بیشتر از عدد جهانی (یا خاورمیانه‌ای و غیره) LCOE برسانند. بدون شک LCOE وابسته به تعداد زیادی پارامترهای فنی و غیر فنی از جمله تکنولوژی مورد استفاده، نحوه تأمین مالی پروژه، نرخ تورم، نرخ مالیات، نرخ بهره بانکی، قوانین محیط زیستی (بعضی کشورها مالیات بیشتری برای تکنولوژی‌های قدیمی که آلودگی ایجاد می‌کنند وضع کرده‌اند)، ارتباط بانکی کشور با دیگر کشورهای دنیا (راحتی تبادل سرمایه مخصوصاً برای پروژه‌های سنگین نیروگاهی که احتیاج به سرمایه عظیمی دارند و یا خرید تجهیزات معمول که تولید داخلی ندارند)، نرخ ارز، نرخ گمرک تجهیزات، تداوم سیاست‌های



انتظار سیاست‌های تجدیدپذیر، می‌توان به مشکلات بین‌المللی (تحریم‌های موجود و عدم جذب سرمایه‌گذار خارجی) اشاره کرد که البته خارج از بحث گزارش کنونی است و تا حدی کنترلی بر روی آن نیست، اما نمی‌توان علت را کاملاً منوط به این مشکلات بین‌المللی دانست. بروکرسی اداری، سیاست‌های ناپایدار اقتصادی (در صنعت برق و کشور)، قوانین غیرعملی (دستورالعمل دیسپاچینگ و دستورالعمل اتصال به شبکه برای فتوولتائیک‌ها و بادی‌های مقیاس بزرگ نهایی نشده است)، عدم اجرای قوانین موجود، عدم ثبات اقتصادی (تغییرات نرخ ارز)، عدم هماهنگی، انسجام، پاسخگویی سریع و موثر سازمان‌ها و ارگان‌های ذریبط در صدور مجوز (خصوصاً تملک اراضی) از دلایل اصلی نتیجه نا مناسب است.

آیا زمینه‌های لازم برای تسهیل جذب سرمایه‌های داخلی در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر فراهم شده است؟

با توجه به توضیحات قبلی و توجه به اینکه قوانین زیادی در این حوزه به منظور تسهیل احداث نیروگاه‌های تجدیدپذیر در ایران وضع شده است، به اجرا در آمدن هر کدام از این قوانین خود ملزومات خاص خود را دارد که این ملزومات بسیار زمانبر بوده و باعث می‌شوند که زمان و هزینه زیادی از سرمایه‌گذار گرفته شود. ذکر این نکته نیز خالی از لطف نیست؛ با توجه به قیمت پایین و سود بالای انرژی‌های فسیلی همچنان کاربرد این انرژی‌ها در حال توسعه بوده و بایستی از حوزه‌های گوناگون به منظور ترویج مزایای کاربرد انرژی‌های تجدیدپذیر و به بیان دیگر معرفی کاربرد انرژی‌های تجدیدپذیر به عنوان تنها راه حل موجود برای داشتن آینده‌ای پاک استفاده کرد. این روش‌ها می‌توانند هم به صورت آماده‌سازی اذهان عمومی از طریق رسانه‌های ارتباط جمعی و تبلیغات سطح شهر باشد و هم اینکه برگزاری جلساتی با وزیران و نمایندگان مجلس و توجیه آنها به منظور اختصاص سرمایه‌های داخلی برای رشد این صنعت در کشور، تا باور استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر از حالت تئوریک به یک ضرورت تبدیل شود.

شاید آنچه که بیش از همه باعث رشد تجدیدپذیرها در ایران شود عدم استفاده آب در تولید انرژی باشد و مواردی مانند کاهش آلودگی هوا، کاهش مصرف سوخت، اشتغال‌زایی و بقیه نکات مثبت تجدیدپذیرها در الویت آخر قرار بگیرند. احداث نیروگاه‌های فتوولتائیک و یا بادی به جای نیروگاه‌های فسیلی مدرن (در نقاطی از ایران با تنش آبی بالا) و یا جایگزینی

و به تجهیزات کمتری (تعداد پنل و اینورتر و در نتیجه سرمایه کمتری) نسبت به آلمان جهت تولید همان مقدار انرژی مورد نیاز است.

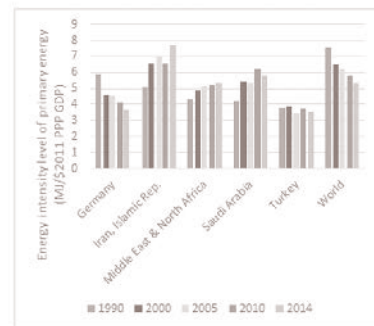
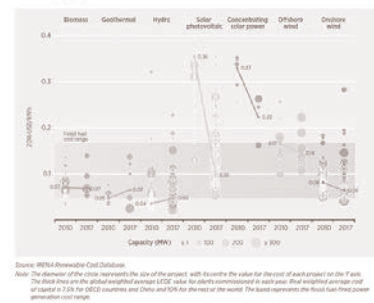
مهمترین چالش‌های پیش روی شرکت‌های فعال در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر چیست؟

با توجه به اظهارات سرمایه‌گذارانی که به منظور احداث نیروگاه‌های تجدیدپذیر به مهندسی مشاور مراجعه می‌کنند می‌توان پی به وجود مشکلات بزرگی در زمینه توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر برد. از جمله این مشکلات مواردی همچون افزایش تعرفه گمرکی ورود تجهیزات، زمان‌بر بودن اخذ مجوزات و مسائلی که در این مورد گریبانگیر سرمایه‌گذار می‌شود، عدم همکاری خیلی از تولیدکنندگان تجهیزات به دلیل تحریم‌ها، عدم اطمینان از بازگشت سرمایه و مطالعات اقتصادی به دلیل نوسانات ارزش ارز، ریسک بالای سرمایه‌گذاری در این حوزه در ایران، عدم اطمینان از دریافت به موقع درآمد حاصل از انرژی تولیدی، عدم وجود زیرساخت مناسب و هزینه بالایی که سرمایه‌گذار بایستی برای انتقال انرژی تولیدی متحمل شود، است. موارد فوق نمونه‌ای از چالش‌هایی است که شرکت‌های فعال در این حوزه با آنها مواجه هستند و نمی‌توان انتظار داشت که بدون حل این مشکلات، سرمایه‌گذاران، سرمایه خود را در این زمینه به کار ببرند.

با توجه به اینکه فرصت‌های قانونی بسیاری در قانون بودجه، برنامه ششم توسعه و ... برای توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر تدوین شده، چرا این شرکت‌ها هنوز نتوانسته‌اند به درستی از این فرصت‌ها بهره‌برداری کنند؟

با مقایسه نرخ خرید تضمینی برق تجدیدپذیر در ایران با سایر کشورهای منطقه و جهان و دیگر مشوق‌های بسیار مناسب موجود در ایران، انتظار می‌رفت که رشد جدی‌ای در این زمینه حاصل شود و متأسفانه اینگونه نشد و امروز می‌توان اعلام کرد سیاست‌های انرژی تجدیدپذیر در ایران موفقیت‌مورد نظر را کسب نکرده است. طبق آمار ساتبا (سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری برق متولی امر توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر در ایران) مجموع ظرفیت نیروگاه‌های تجدیدپذیر غیردولتی در حال بهره‌برداری کمتر از ۵۰۰ مگاوات است. قوانین موجود ساتبا در زمینه تجدیدپذیر در ایران دقیقاً برای جذب سرمایه‌گذار غیردولتی وضع شده بود که ظرفیت کمی از آن عملی شده که نشان از ناکارآمدی سیاست‌های موجود دارد. از جمله دلایل عدم کسب موفقیت مورد

Figure E1.1 Global levelized cost of electricity from utility-scale renewable power generation technologies, 2010-2017



شکل ۱: «هزینه هم‌تراز شده برق» (LCOE) برای نیروگاه‌های تجدیدپذیر، چپ: شدت انرژی برای سال‌های مختلف

اقتصادی (جهت کاهش ریسک اقتصادی) و بسیاری دیگر از قوانین و سیاست‌های کشوری می‌باشد. در مثالی دیگر این نکته باید ذکر شود که در ایران نرخ خرید تضمینی برق نیروگاه فتوولتائیک (بزرگتر از ۳۰ مگاوات) ۳۲۰۰ ریال بر kWh برابر با ۰/۰۷۲ دلار آمریکا بر kWh (دلار برابر با ۴۵۰۰۰ ریال) اعلام شده است. این در حالی است که LCOE جهانی نیروگاه‌های بزرگ فتوولتائیک در سال ۲۰۱۷ مابین ۰/۰۵ الی ۰/۳ دلار آمریکا بر kWh با متوسط وزنی ۰/۱ دلار آمریکا بر kWh بوده است (شکل ۱). همانطور که در قبل اشاره شد نرخ‌های LCOE کشورهای مختلف نباید به صورت مستقیم با هم مقایسه شوند. به عنوان مثال «متوسط وزنی هزینه سرمایه» (WACC) که نشانگر هزینه سرمایه (نرخ بهره، نرخ بازگشت سرمایه و غیره) برای دو نیروگاه فتوولتائیک مشابه (از جهت فنی) که یکی در مصر و دیگری در آلمان است، متفاوت خواهد بود. این به آن دلیل است که در مصر اقتصاد به قوت آلمان نمی‌باشد و ریسک بالاتر بوده و به همین دلیل هزینه سرمایه‌گذاری بیشتر خواهد بود. از طرف دیگر سیاست‌های آلمان جهت گسترش انرژی‌های تجدیدپذیر بسیار مناسب‌تر از سیاست‌های مصر می‌باشد و این نیز بر روی هزینه سرمایه‌گذاری اثر خواهد داشت. این در حالی است که تابش خورشیدی در مصر بسیار بیشتر از آلمان است

نیروگاه‌های فسیلی فرسوده با نیروگاه‌های فتولتائیک و یا بادی (در نقاطی از ایران با تنش آبی بالا) می‌تواند صرفه‌جویی آبی بسیار زیادی به همراه داشته باشد و تهدیدات امنیتی ناشی از کمبود آب در آینده را جبران کند. همچنین برق تولید شده توسط نیروگاه‌های فتولتائیک و بادی را می‌توان جهت شیرین‌سازی آب به روش RO و پمپاژ آب استفاده نمود و بدین ترتیب اثرات منفی زیست محیطی شیرین‌سازی آب را کاهش داد.

در مورد رشد انرژی‌های تجدیدپذیر به ذکر این نکته بسنده می‌شود که کشور انگلیس که به ابری بودن معروف است در پایان ۲۰۱۶ به مقدار ۱۱۷۶۳ مگاوات نیروگاه فتولتائیک (بزرگ و کوچک) نصب داشت در حالی که ایران با شدت تابش خورشیدی ۲/۵ برابر انگلیس در پایان سال ۱۳۹۶ به ظرفیت ۶۲/۹۷ مگاوات نیروگاه فتولتائیک رسیده است. کشور ترکیه در سال ۲۰۱۷ به ظرفیت نصب شده ۶۴۸۳/۹ مگاوات توربین بادی و ظرفیت نصب شده ۲۶۴۷ مگاوات نیروگاه فتولتائیک رسیده است. این در حالی است که ایران در پایان سال ۱۳۹۶ به ظرفیت نصب شده ۸۹/۵۶ مگاوات نیروگاه بادی رسیده است.

شرکت‌های ایرانی تا چه اندازه در جذب شرکای خارجی برای فعالیت مشترک در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر موفق عمل کرده‌اند؟ آنها در این زمینه با چه مشکلاتی مواجه هستند؟

شرکت‌های بسیاری در چند سال اخیر در این حوزه و جذب سرمایه‌گذاران خارجی تلاش کرده‌اند و در برخی موارد موفق بوده‌اند. لازم به ذکر است بزرگ‌ترین دلیل عدم موفقیت جذب سرمایه‌گذاران خارجی عدم ثبات قیمت ارز، نابسامانی‌های موجود در پرداخت قیمت انرژی تولید شده توسط نیروگاه‌های تجدیدپذیر، مشکلات بسیار در اخذ مجوزها و زمان‌بر بودن آنها، عدم همکاری صحیح سازمان‌های مربوطه می‌باشد.

به عنوان نمونه به این نکته می‌توان اشاره کرد که طبق قوانین موجود در سال ۱۳۹۶ باید از مشترکین برق به میزان ۵۰ ریال بر kWh تا سقف ۱۱۰۰ میلیارد تومان عوارض اخذ می‌شد تا در جهت گسترش برق روستایی و تجدیدپذیر از آن استفاده شود. این عوارض اخذ شده به ساتبی پرداخت نشد و ظاهراً توسط خزانه در بخش‌های دیگری هزینه شده است. شایان ذکر است که پس از پیگیری‌های فراوان، مبلغ ۲۸۰ میلیارد تومان برای سال ۹۶ به ساتبی پرداخت شد. همین یک مورد سرپیچی از قانون و عدم اجرای آن برای منصرف کردن

سرمایه‌گذار داخلی و خارجی کفایت می‌کند. نمونه دیگر نحوه تعدیل نرخ خرید تضمینی می‌باشد، تجهیزات اصلی تولید انرژی‌های تجدیدپذیر در تنوع، درجه و مشخصات فنی معادل داخلی ندارند و با ارز آزاد خریداری می‌شوند و سرمایه‌گذار (چه داخلی باشد و چه خارجی) بازگشت سرمایه خود را بر مبنای دلار محاسبه خواهد کرد. این در حالی است که نرخ تعدیل (که هدف آن کاهش اثرات تغییرات نرخ ارز است) از زمان اتصال نیروگاه به شبکه محاسبه می‌شود (بعد از اتمام ساخت کامل) و نه از زمان عقد قرارداد. خرید تضمینی برق (قبل از شروع به ساخت نیروگاه) با ساتبی، این تفاوت چندین ماهه باعث بوجود آمدن ریسک بالا برای سرمایه‌گذاران شده است. در خبری جدید اعلام شد که نرخ گمرک پنل‌های خورشیدی (اصلی‌ترین قسمت نیروگاه فتولتائیک) از ۱۵٪ به ۳۲٪ افزایش خواهد یافت. دلیل این افزایش حمایت از تولیدکننده داخلی ذکر شده اما مجموع ظرفیت تمام تولیدکنندگان پنل داخلی کمتر از ۲۰۰ مگاوات در سال است و این تولیدکنندگان کاری جز مونتاژ کردن سلول‌های خورشیدی در قالب پنل خورشیدی نمی‌کنند. مونتاژ این تولیدکنندگان نیز حداقلی است، زیرا به عنوان مثال این شرکت‌ها می‌توانستند بلوک سیلیکون با خلوص بالا را وارد کرده و سلول خورشیدی را در ایران تولید کرده و بعد در قالب پنل قرار دهند اما هم اکنون ۹۰٪ پروسس‌های مورد نیاز تولید پنل در خارج انجام می‌گیرد و بعد از وارد شدن قطعات به ایران ۱۰٪ پروسس باقیمانده تولید پنل در شرکت داخلی به صورت مونتاژ انجام گرفته و به عنوان تولید داخل روانه بازار می‌شود. همچنین بازدهی پنل تولیدکنندگان داخل نسبت به نمونه‌های خارجی بسیار پایین است. شایان ذکر است بدون سرمایه‌گذاری چند صد میلیون دلاری در زمینه تولید پنل خورشیدی (به صورت کامل یا ۹۰٪ بومی)، هیچ یک از تولیدکنندگان در داخل ایران توان رقابت با شرکت‌های بزرگ بین‌المللی را چه در زمان کنونی و چه در آینده نخواهند داشت.

مهم‌ترین انتظارات فعالین بخش تجدیدپذیر از دولت به عنوان متولی این حوزه چیست؟
از مشکلات موجود در حوزه توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر می‌توان به خرید و فروش مجوز خرید تضمینی برق نیروگاه‌های تجدیدپذیر در بازار سیاه که بسته به موقعیت زمین (نزدیکی به جاده و پست برق با فضای خالی) تا سقف ۴ میلیارد تومان است، اشاره کرد. شایان ذکر است که ساتبی از ابتدا قوانینی وضع کرد تا از بوجود آمدن بازار سیاه خرید و فروش مجوز

خرید تضمینی برق جلوگیری کند اما راه‌های قانونی دور زدن قوانین ساتبی بعد از مدتی کشف شدند و در حال استفاده هستند... در این حالت اگر زمین نیروگاه از منابع طبیعی اخذ شده باشد، عملاً با این کار زمین منابع طبیعی در حال خرید و فروش است. این بازار سیاه باعث انصراف سرمایه‌گذاران واقعی از این صنعت شده است.

مشکلات صنعت برق ایران در یک نسخه و یا با یک راه حل قابل رفع نیست. بدهکاری عظیم به پیمانکاران، عدم نقدینگی، نیروگاه‌های فسیلی کهنه، عدم تأمین مالی برای تبدیل نیروگاه‌های گازی به سیکل ترکیبی، شبکه‌ای با تلفات بالا، مشکلات مدیریتی، عدم سیاست‌گذاری علمی و ثبات در سیاست‌گذاری، عدم توجه به بهره‌وری انرژی، کمبود آب که بدون شک آینده کشور را به صورت جدی تهدید می‌کند، همه و همه باید در یک برنامه واحد و به صورت همزمان مورد بررسی قرار گیرند. در کشور ایران یارانه‌های سنگین انرژی و مشکلات موجود که بعضی از آنها در بالا ذکر شد، باعث شده است که به انرژی‌های تجدیدپذیر به عنوان اولویت آخر نگاه شود. این در حالی است که شدت انرژی در ایران در سال ۲۰۱۴ از متوسط جهانی بیشتر بوده (شکل ۱) و در این زمینه کشورهایی مانند نپال، زامبیا، توگو، لیبی، جزایر مارشال و سومالی وضع بدتری نسبت به ایران دارند.

همانطور که ذکر شد ضریب نفوذ انرژی‌های تجدیدپذیر در کشورهای مختلف رشد بسیار زیادی داشته و چالش بعدی در تجدیدپذیرها هوشمندسازی شبکه و ذخیره‌سازی انرژی است. شایان ذکر است که معمولاً تا ۵٪ ظرفیت نامی یک کشور را می‌توان بدون ذخیره‌سازی و از ۵٪ الی ۲۰٪ ظرفیت نامی را می‌توان بدون ذخیره‌سازی بوسیله هوشمندسازی شبکه و اتصال به شبکه دیگر کشورها، توسط انرژی‌های تجدیدپذیر تأمین کند. بدون شک این درصدها کلی است و برای هر کشور با توجه به وضعیت شبکه و دیگر موارد فنی، درصدهای ذکر شده متفاوت است. روش‌هایی مانند تلمبه ذخیره‌ای، باتری‌های مگاواتی و تبدیل برق به گاز (به عنوان مثال الکترولیز آب به هیدروژن، ذخیره‌سازی هیدروژن و استفاده هیدروژن به عنوان سوخت مکمل در توربین‌های گاز موجود، سوزاندن هیدروژن خالص در توربین‌های جدید که تحمل دمای بالای احتراق هیدروژن را داشته باشند، استفاده هیدروژن در پیل سوختی برای خودروهای سواری و بازی) از نمونه‌های ذخیره‌سازی است که سرمایه‌گذاری بالایی را در سال‌های اخیر جذب کرده‌اند. به عنوان مثال مدیرعامل شرکت زمینس قرارداد احداث بزرگترین پالوت



**بدون سرمایه‌گذاری چند صد میلیون
دلاری در زمینه تولید پنل خورشیدی
(به صورت کامل یا ۹۰٪ بومی)،
هیچ یک از تولیدکنندگان در داخل
ایران توان رقابت با شرکت‌های بزرگ
بین‌المللی را چه در زمان کنونی و چه
در آینده نخواهند داشت**

الکترولیز آب به هیدروژن (در حد مگاوات) را در پارک فناوری خورشیدی المختوم با شرکت آب و برق دبی امضا کرده است. در این پارک هم اکنون ۲۱۳ مگاوات نیروگاه فتوولتائیک در حال بهره‌برداری است و تا سال ۲۰۲۰ به میزان ۸۰۰ مگاوات نیروگاه فتوولتائیک به ظرفیت آن اضافه خواهد شد.

به نظر می‌رسد بهترین راه خروج از بن بست فعلی در زمینه تجدیدپذیر و توقعی که می‌توان از متولی این حوزه داشت، کاهش بروکراسی اداری، کاهش هزینه‌های پنهان سرمایه‌گذاری، تعهد جدی دولت در پرداخت تعهدات خود به ساتبا و از بین بردن بازار سیاه در انرژی‌های تجدیدپذیر باشد. در مجموع می‌بایست سرمایه‌گذاران به روشنی بتوانند در فضای نامعلوم اقتصادی کنونی، از بازگشت سرمایه خود مطمئن شوند. قوانین باید به نحوی تبیین شوند که سرمایه‌گذار فقط به فکر ساخت نیروگاه باشد و دیگر احتیاج نباشد که وقت خود را به کسب مجوزهای مختلف سپری کند و گرفتار بروکراسی اداری شود.

نقش سندیکا را در توسعه حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر چگونه ارزیابی می‌کنید؟

سندیکا تا کنون در موارد بسیاری اقداماتی انجام داده و امید است تلاش‌های آنها منجر به حصول نتیجه شده و مشکلات و موانع موجود در زمینه احداث نیروگاه‌های تجدیدپذیر هرچه سریع‌تر حل شود. از اقدامات این گروه می‌توان موارد ذیل را نام برد:

- پیگیری اصلاح ماده مرتبط با حمایت از صنعت برق در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر در لایحه بودجه سال ۹۷ که در این خصوص نامه‌ای به لاریجانی ریاست محترم مجلس

شورای اسلامی ارسال شد و با بسیاری از نمایندگان کمیسیون تلفیق مجلس جهت آگاه‌سازی آنها برای حمایت از این صنعت رایزنی شد.

- گسترش ارتباطات بین المللی کمیته و معرفی اعضای کمیته به دیگر تشکل‌های بین المللی که بدین منظور نامه‌هایی به دکتر ظریف وزیر امور خارجه ارسال شد تا لیست شرکت‌های عضو کمیته به لیست زرد سفارتخانه‌ها ارسال شد، نتیجه این اقدام رایزنی با نماینده محترم سازمان جهانی یونسف جهت دعوت از کمیته در جلسات مرتبط با انرژی‌های تجدیدپذیر بود. - پیگیری مشکلات مرتبط با گمرک که منجر به حل موردی برخی از شرکت‌های درخواست دهنده و ارسال نظر کارشناسی از کمیته برای کاهش تعرفه‌ها بود. همچنین از افزایش تعرفه‌ها به صورت جهشی جلوگیری شد.

- مطرح کردن پیشنهادات بخش خصوصی در دغدغه‌های آنها در جلسات کمیته انرژی‌های تجدیدپذیر که مصوبات این کمیته جهت تصویب به وزارت اقتصاد ارجاع شده است.

- برگزاری جلسه با دکتر امیری خامکانی و مطرح کردن موضوع عدم پرداخت پول برق تجدیدپذیر تزریق شده به شبکه از تابستان ۹۶ که منجر به کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی می‌شود.

همچنین سندیکا با برگزاری جلسات دوره‌ای علاوه بر بیان نتایج اقدامات انجام شده از اعضای سندیکا می‌خواهد که در خصوص پروژه‌ها و مشکلات موجود در این زمینه صحبت کرده و راهکار ارائه دهند تا سندیکا بتواند موارد مطرح شده را پیگیری کرده و به توسعه هرچه بیشتر این صنعت در کشور کمک کند. ■





تعطل سازمان برنامه در پرداخت سهم تجدیدپذیرها؛

حقی که به ناحق نادیده گرفته شد

مطابق ماده ۵ قانون حمایت از صنعت برق کشور (مصوب ۱۳۹۴/۸/۱۰) دولت مکلف است برای تأمین بخشی از منابع لازم برای اجرای طرح های توسعه و نگهداری شبکه های روستایی و تولید برق تجدیدپذیر و پاک، عوارض مصرف هر کیلووات ساعت برق را در بودجه سالانه پیش بینی کند. وجوه حاصل شده به حساب شرکت توانیر و سازمان انرژی های تجدیدپذیر و بهره وری انرژی برق ایران نزد خزانه داری کل کشور واریز و صد درصد (۱۰۰) آن صرفا بابت کمک به اجرای طرح های مذکور هزینه می شود. مجلس شورای اسلامی طی سال های گذشته ردیف های مشخصی را در قوانین بودجه سنواتی برای این منظور اختصاص داده است. در قانون بودجه سال ۱۳۹۶ نیز قانونگذار در بند «۵» تبصره ۶ مصوب کرده است: «عوارض موضوع ماده ۵ قانون حمایت از صنعت برق کشور (مصوب ۱۳۹۴/۸/۱۰) به میزان پنجاه (۵۰) ریال به ازای هر کیلووات ساعت در سقف یازده هزار میلیارد ریال تعیین می گردد تا پس از مبادله موافقتنامه با سازمان برنامه و بودجه کشور برای موارد مطروح در قانون فوق صرف گردد. علیرغم وجود تأکيدات صریح قانونی فوق، سازمان برنامه و بودجه کشور در سال ۹۶ از عمل به این تکالیف قانونی استنکاف کرده و بند ده تبصره ۶ قانون بودجه این سال را به صورت ناقص اجرا کرده است که همین نقض قانون مشکلات جدی برای صنعت برق به بار آورده و فعالان این حوزه را با بحران روبرو ساخته است.

کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی پس از اطلاع از مشکلات پیش آمده برای توسعه شبکه برق روستایی و انرژی های تجدید پذیر در نتیجه تأخیر ۶ ماهه در تخصیص عوارض

دریافتی برق از مشترکان برای موارد مصحح قانونی، طی مکاتبات و پیگیری های متعددی با سازمان برنامه و بودجه کشور، خواستار تمکین دولت از قوانین مصوب مجلس در این خصوص شد. از طرفی موضوع به اطلاع ریاست مجلس شورای اسلامی رسید و ایشان نیز طی نامه شماره ۸۶۵۴۸ تاریخ ۱۳۹۶/۱۰/۹ خطاب به رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور، برای اجرای صحیح قانون و مصرف منابع درآمدی مطابق قانون بودجه تأکید کردند.

موافقتنامه مربوط به بند «۵» تبصره ۶ قانون بودجه سال ۱۳۹۶ کل کشور در تاریخ ۱۳۹۶/۷/۱ به میزان ۹۳۵۰ میلیارد ریال در قالب دو پروژه (پروژه یک - خرید تضمینی برق و کمک به توسعه و تولید برق تجدیدپذیر و پاک) (پروژه دو - کمک به توسعه و نگهداری شبکه های برق روستایی) و هر پروژه به مبلغ ۴۶۷۵ میلیارد ریال از محل منابع عمومی مابین سازمان برنامه و بودجه کشور و سازمان انرژی های تجدیدپذیر و بهره وری انرژی برق (ساتبا) مبادله شده است در صورتی که سقف اعتبار پیش بینی شده در بند فوق، یازده هزار (۱۱۰۰۰) میلیارد ریال بوده و علت کاهش ۱۰ درصدی اعتبار در توضیحات موافقتنامه مشخص نشده است. وزیر نیرو طی نامه ای در تاریخ ۱۳۹۶/۸/۲۱ به سازمان برنامه و بودجه کشور خواستار ابلاغ تخصیص مبالغ وصول شده عوارض پنجاه (۵۰) ریالی از سوی خزانه داری کل کشور شده و تبعات عدم رعایت قوانین و مقررات را نیز بر شمرده است. ضمنا باید توجه داشت که مشترکان برق عوارض مربوط را برای مصرف در موضوع ماده ۵ قانون حمایت از صنعت برق کشور پرداخت کرده اند؛ فلذا واضح است که مصرف این وجوه در محلی غیر از محل مصحح قانونی مورد

رضایت مشترکان نبوده و هم خلاف شرع بوده و هم خلاف نص صریح قوانین مربوط. تا پایان سال ۱۳۹۶ مستند به بند (۵) تبصره ۶ قانون بودجه سال ۱۳۹۶ کل کشور مبلغ نه هزار و دویست و نود (۹۲۹۰) میلیارد ریال عوارض برق از مشترکان برق دریافت و به خزانه واریز شده است. از این رقم صرفا مبلغ سه هزار و هشتصد و پنجاه و پنج (۳۸۰۵) میلیارد ریال تا پایان سال ۱۳۹۶ به بخشی از مصارف موضوع ماده ۵ «قانون حمایت از صنعت برق (مصوب ۱۳۹۴/۸/۱۰) تخصیص داده و پرداخت شده است.

با در نظر گرفتن موارد فوق، کمیسیون انرژی مستند به ماده ۲۳۶ قانون آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، عدم تخصیص مبلغ پنج هزار و چهارصد و هشتاد و پنج (۵۴۸۵) میلیارد ریال از باقیمانده عوارض برق دریافتی از مشترکان برق برای اجرای طرح های توسعه و نگهداری شبکه های روستایی و تولید برق تجدیدپذیر و پاک را استنکاف سازمان برنامه و بودجه کشور از اجرای الف) بند «۵» تبصره ۶ «قانون بودجه سال ۱۳۹۶ کل کشور. ب) ماده ۵ «قانون حمایت از صنعت برق کشور (مصوب ۱۳۹۴/۸/۱۰) می داند؛ زیرا مسئولیت مستقیم تخصیص عوارض برق دریافتی به موارد مصحح در قوانین فوق با سازمان برنامه و بودجه کشور بوده و تخلف این سازمان در این خصوص محرز است. لذا کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی با استناد به تبصره ۱ ماده ۲۳۶ آیین نامه داخلی مجلس، موضوع را برای اعلام نظر مجلس شورای اسلامی در صحن علنی قرائت کرد و این گزارش برای رسیدگی به قوه قضائیه ارسال شد. ■



گیرودار تجدیدپذیرها با سازمان برنامه و بودجه حل شد؟



سید محمد صادق زاده در گفت‌وگو با ایسنا، با بیان این که از ابتدای سال تاکنون مجموعاً ۱۵۰ میلیارد تومان پول را از خزانه بابت صورت حساب به صورت کامل به شرکت‌های تولیدکننده برق پرداخت کرده‌ایم، اظهار کرد: براساس مذاکرات صورت گرفته با سازمان برنامه و بودجه قرار شده است تا ۱۰۰ میلیارد تومان دیگر را به سبب پرداخت کند تا صورت حساب‌ها دچار تاخیر نشوند.

وی افزود: این مساله را با سازمان برنامه و بودجه توافق کرده‌ایم که اگر پرداخت صورت حساب‌های شرکت برق با تاخیر مواجه شد، طبق قانون برنامه ششم توسعه جریمه تاخیر به آنها تعلق بگیرد و این جریمه تاخیر به دلیل این که منابع برق از مردم وصول شده است و در خزانه نیز موجود است از طرف دیوان عدالت کشور جریمه غیر ضرور تشخیص داده شده است که از منابع دولت قابل پرداخت نیست. رئیس سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی برق، بیان کرد: در این شرایط قطعاً مسئولانی که در جریان پرداخت عوارض برق تاخیری ایجاد کرده‌اند مسئول خواهند بود و باید در مقابل دیوان محاسبات پاسخگو باشند.

وی تأکید کرد: با سخت‌گیری‌هایی که دیوان محاسبات کشور در این موضوع اعمال کرده است، امیدواریم که مشکلی ایجاد نشود و این مساله به طور کامل حل شود.

صادق زاده با اشاره به این که در سال ۹۶ جرایم تاخیر تعلق گرفت که تاکنون بلا تکلیف است، گفت: اکنون منتظر هستیم تا از طریق سازمان برنامه و بودجه این مساله تعیین تکلیف شود و امیدواریم که این تجربه تلخ دیگر در سال ۹۷ تکرار نشود.

رئیس سازمان انرژی‌های تجدید پذیر و بهره‌وری انرژی برق گفت: مذاکرات متعددی با سازمان برنامه و بودجه برای اخذ عوارض برق و هزینه آن برای توسعه تجدیدپذیرها صورت گرفته و امیدواریم که امسال شرایط بهتری برای این انرژی رقم بخورد.

سال ۱۳۹۶ معادل ۱۱۰۰ میلیارد تومان برای توسعه تجدیدپذیرها پیش‌بینی شده بود که ۶۰۰ میلیارد تومان آن پرداخت نشد. البته امسال نیز در تخصیص منابع ایجاد شده تاخیر ایجاد شد و تنها ۵۰ میلیارد تومان به این حوزه

تخصیص یافته است.

البته طبق اعلام ساتبا در حال حاضر هیچ کدام از نیروگاه‌های تجدیدپذیر طلبی از ساتبا و وزارت نیرو ندارند و اگر سازمان برنامه و بودجه پرداختی را انجام نداد، اجازه نداریم که این مساله در پرداخت صورت حساب‌ها مشکلی ایجاد کند.

معاون وزیر نیرو و مدیر عامل سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر ایران گفت: علی‌رغم این که سال گذشته سازمان برنامه و بودجه عوارضی را که از مردم برای برق‌رسانی روستایی و توسعه تجدیدپذیرها در نظر گرفته شده بود، برای هزینه‌های جاری صرف کرد، اما امسال مقرر شد که ۶۰۰ میلیارد تومان از این منابع را تخصیص دهد.

صادرات انرژی‌های تجدیدپذیر از سرمایه‌گذاری‌ها صیانت می‌کند



حمیدرضا صالحی درباره اظهارات رئیس ساتبا گفت: در برنامه پنجم و ششم توسعه، اراده دولت و حاکمیت بر این شد که جذابیت‌های سرمایه‌گذاری در بخش تولید انرژی‌های نو و تجدیدپذیر افزایش یابد. بر این اساس، دولت یازدهم برای نخستین بار، قیمت‌های خرید تضمینی برق را تعیین کرد که منابع مورد نیاز آن از طریق قبوض برق قابل تأمین شد. بدین ترتیب که به ازای هر کیلووات ساعت مصرف برق، ۵ الی ۶ تومان در صندوق ریخته شود که منابع آن صرف خرید برق تضمینی برق تجدیدپذیر شود.

این عضو هیات نمایندگان اتاق تهران افزود: بنابراین، این حرکت توسعه‌ای در کشور آغاز شد و در برنامه ششم وزارت نیرو مکلف شده است سالانه یک هزار مگاوات به ظرفیت نصب شده تولید برق اضافه کند. چنانکه طبق این برنامه در سال ۱۴۰۰ باید ظرفیت نصب شده برق به ۱۰۰ هزار مگاوات برق برسد و البته ۵ درصد آن را نیز باید انرژی‌های نو تشکیل دهد. باید در نظر گرفت که توسعه این ظرفیت‌ها با تأمین امنیت سرمایه‌گذاران رخ می‌دهد.

صالحی یکی از ابزارهایی که می‌تواند امنیت سرمایه‌گذاران را تضمین کند، تعیین تکلیف قیمت ارز برای بازگشت سرمایه سرمایه‌گذاران دانست و ادامه داد: سرمایه‌گذاران، برای بازگرداندن ارزش خود با نرخ‌هایی که در سامانه

نیما حاکم شده، دچار مشکل شده‌اند. تبعات این وضعیت، خارج شدن این سرمایه‌گذاری‌ها از حالت اقتصادی و خروج سرمایه‌گذاران از کشور است. یکی از راه حل‌هایی که می‌تواند به صیانت از این سرمایه‌گذاری‌ها کمک کند، تسهیل صادرات تولیدات برق از محل انرژی‌های تجدیدپذیر است. در واقع، تسهیل صادرات برق از چند جنبه دارای اهمیت است که مهمترین آن حفظ سودآوری سرمایه‌گذاری‌هاست.

عضو هیات مدیره سندیکای صنعت برق ایران افزود: البته در برنامه پنجم توسعه مجوز صادرات برق برای نیروگاه‌هایی که سوخت آنها یارانه‌ای نباشد، صادر شده است. بنابراین منعی هم برای صادرات در بخش انرژی‌های تجدیدپذیر که از سوخت یارانه‌ای استفاده نمی‌کنند، وجود ندارد. اکنون با ابلاغ دستورالعمل عقد قراردادهای تضمینی برای صادرات برق حاصل شده از انرژی‌های تجدیدپذیر، فرصت خوبی فراهم شده است که شرکت‌های کوچک از طریق تعامل با شرکت‌های بزرگ صادراتی در حوزه برق بتوانند برق تولیدی خود را صادر کنند. در این صورت اقتصاد برق به سمت آزادسازی حرکت کند که سرمایه‌گذاری‌ها نه فقط در حوزه انرژی‌های نو که در دیگر نیروگاه‌ها را نیز توجیه‌پذیر می‌کند. رئیس کمیته تجدیدپذیرسندیکا، با اشاره به موانع توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر در کشور گفت: موانعی نظیر داوری، مالکیت و اجاره زمین بر سر راه سرمایه‌گذاران این بخش وجود داشت که از طریق طرح در جلسات شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی تا حدودی برطرف شد. مساله بزرگ‌تر اما تأمین هزینه خرید تضمینی برق است که باید هر سال در قانون بودجه گنجانده شود. شاید لازم باشد یک قانون دائمی در این زمینه تدوین شود تا از نگرانی سرمایه‌گذارانی که وضعیت آنها هر سال در قانون بودجه تعیین می‌شود، کاسته شود. تنها راه توسعه این صنعت، آزادسازی قیمت و پاشنه آشیل آن اقتصاد یارانه‌ای است.

این عضو هیات نمایندگان اتاق تهران در پایان گفت: ظرفیت تولید انرژی‌های نو در کشور به ۶۰ هزار مگاوات می‌رسد و این یعنی ۶۰ میلیارد دلار کسب و کار که در این بخش قابلیت ایجاد شدن دارد. در حالی که امروز به اندازه ۴۰۰ مگاوات از این ظرفیت استفاده می‌شود. ■

تراژدی رکود تجدیدپذیرها

انرژی های تجدیدپذیر این روزها و در وانفسای جنگ انرژی، آلودگی های زیست محیطی ناشی از سوخت های فسیلی و حرکت پرسرعت جهان به سمت انرژی های پاک، به یک شاه کلید برای توسعه پایدار و حفظ منابع طبیعی بدل شده است. اگر از اینکه ایران تا حد مستعد بهره برداری از منابع بسیار عظیم انرژی های تجدیدپذیر است، بگذریم، این سوال به ذهن می آید که چرا تا امروز حتی به ارقام پیش بینی شده در برنامه های توسعه پنج ساله کشور نزدیک هم نشده ایم؟

بی ثمر ماندن برنامه های دولت های مختلف برای جذب سرمایه گذاران داخلی و خارجی به منظور توسعه تجدیدپذیرها در ایران، شاید مهمترین چالش پیش روی این بخش باشد.

دولت بدقولی که حتی حاضر به پرداخت سهم این حوزه از قبوض برق پرداختی مشترکین به ساتبا نشد، بدون تردید نمی تواند نقطه اتکای مطمئنی برای سرمایه گذاران باشد. البته ریسک های بزرگتری مانند نرخ ارز، تحریم های آمریکا، عدم همراهی بانک های خارجی و عدم تخصیص تسهیلات بانکی قابل توجه داخلی، را هم باید به چالش دولت بدقول افزود.

حالا تجدیدپذیرها در سرزمینی سرشار از پتانسیل های خورشیدی و بادی، در رکودی گسترده گرفتار شده اند و زمینه ای برای پیشرفت و توسعه آنها وجود ندارد. این امرزنگ خطر برای ایرانی است که امسال به دلیل بی آبی و خروج نیروگاه های برقایی اش از مدار، خاموشی های گسترده ای را تجربه کرد.

عدم سرمایه گذاری و توسعه تجدیدپذیرها، دیریا زود اثرات میان مدت و بلندمدت خود را نشان خواهد داد؛ بی شک آن زمان برای چاره اندیشی بسیار دیر خواهد بود.

در این پرونده به تفصیل به بررسی موانع جذب سرمایه گذاری در حوزه انرژی های تجدیدپذیر پرداخته و از اعضای سندیکا که در این حوزه فعالیت می کنند، نظرخواهی کرده ایم.



مهمترین چالش‌های پیش روی شرکت‌های فعال در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر چیست؟

تامین منابع مالی و سیاست‌گذاری موجود برای سرمایه‌گذاری در این صنعت چالش بزرگ شرکت‌های فعال در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر محسوب می‌شوند. صندوق توسعه ملی با وضع قوانینی از قبیل محدودیت‌های پرداخت وام در داخل کشور عملاً سرمایه‌گذاران را به سمت خرید کالاهای خارجی در حوزه انرژی سوق می‌دهد. تزریق منابع مالی با بهره کم به تولیدکنندگان از جمله راهکارها جهت تقویت تولید داخلی در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر است.

با توجه به اینکه فرصت‌های قانونی بسیاری در بودجه، قانون ششم توسعه و ... برای توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر تدوین شده، چرا این شرکت‌ها هنوز نتوانسته‌اند به درستی از این فرصت‌ها بهره‌برداری کنند؟

علاوه بر موارد ذکر شده در پاسخ به سوال قبل و جلب اعتماد سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی، کلیه عوامل داخلی کشور اعم از دولت، مجلس و مردم می‌بایست با توجه به پتانسیل موجود در ایران به باور در اولویت قرار دادن انرژی‌های تجدیدپذیر برسند.

با توجه به قیمت ارزان انرژی‌های فسیلی در ایران، عدم پرداخت و یا پرداخت با تاخیر سهم انرژی‌های تجدیدپذیر از طریق سازمان برنامه و بودجه، یکی دیگر از مباحث عدم تمایل سرمایه‌گذاران برای ورود به این عرصه محسوب می‌شود. نبود حمایت عملی از طرف دولت و عدم آشنایی سرمایه‌گذاران با این طرح‌ها، نوسانات ارزی کشور، نوسانات سیاسی و عدم ثبات در تصمیم‌گیری دولت‌مردان هم بر مشکلات این بخش به شدت افزوده است.

آیا زمینه‌های لازم برای تسهیل جذب سرمایه‌های داخلی در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر فراهم شده است.

شرکت‌های ایرانی با توجه به معرفی مناسب جذابیت‌های ایران در زمینه انرژی تجدیدپذیر، در جذب شریک فعال و سرمایه‌گذار خارجی، نقش بهینه‌ای را در این مدت (تا پایان سال ۹۶) ایفا کرده‌اند. عمده مشکل این شرکت‌ها،

متقاعد کردن بانک‌های خارجی برای تامین مالی و انجام عملیات نقل و انتقال پول در پروژه‌هاست، چرا که در حال حاضر بانک‌های بزرگ خارجی به دلیل ترس از بازگشت تحریم‌ها، تمایل چندانی به همکاری نشان نمی‌دهند. جهت جذب نقدینگی می‌توان زمینه را برای اعطای اوراقی که مخصوص طرح‌های تجدیدپذیر طراحی شده، به مردم فراهم کرد.

شرکت‌های ایرانی تا چه اندازه در جذب شرکای خارجی برای فعالیت مشترک در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر موفق عمل کرده‌اند؟ آنها در این زمینه با چه مشکلاتی مواجه هستند؟

این مهم توسط دفاتر جذب و حمایت از سرمایه‌گذاری در استان‌های دارای پتانسیل‌های انرژی انجام شده است که در قالب تفاهم‌نامه‌ای بین مراجع ذیربط از جمله وزارت نیرو و معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری و استانداری‌ها شکل گرفته است. در همین راستا ۲/۵ میلیارد دلار سرمایه (۱/۷۵ میلیارد دلار خارجی و ۷۵۰ میلیون دلار از محل سرمایه‌گذاری داخلی) جذب شده است. بخشی مربوط به این مطلب است که سرمایه‌گذاران ایران راه و روش پیدا کردن شریک خارجی و کلا شراکت را به صورت علمی نمی‌دانند و از طرف دیگر با توجه به ریسک‌های موجود، کشورهای سرمایه‌گذار خارجی رغبت کمتری جهت سرمایه‌گذاری در ایران دارند. به موارد فوق، بحث تحریم‌ها را نیز باید اضافه کرد.

مهمترین انتظارات فعالین بخش تجدیدپذیر از دولت به عنوان متولی این حوزه چیست؟

برقراری ضمانت‌نامه‌های معتبر داخلی برای جذب سرمایه‌گذاران (بالاخص خارجی) و ضرورت فراهم کردن وضعیت با ثبات و پایدار به منظور اعتماد سازی برای عوامل داخلی و خارجی (بانک‌ها و شرکت‌های داخلی)، از جمله مهم‌ترین اقدامات دولت در راستای اعتماد سازی برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی حوزه تجدیدپذیرهاست.

ضمن اینکه دولت می‌بایست در انعقاد قراردادها به گونه‌ای عمل کند که اعتماد بانک‌های وام‌دهنده در سرسید وام‌های

باتوجه به قیمت ارزان انرژی‌های فسیلی در ایران، عدم پرداخت و یا پرداخت با تاخیر سهم انرژی‌های تجدیدپذیر از طریق سازمان برنامه و بودجه، یکی دیگر از مباحث عدم تمایل سرمایه‌گذاران برای ورود به این عرصه محسوب می‌شود

اعطایی به‌طور کامل جلب شود. به علاوه دولت باید به مقوله کاهش مصرف به اندازه افزایش تولید انرژی توجه ویژه‌ای کند. ثبات در سیاست‌های اعمالی خرید برق، ثبات در بحث تعرفه‌های گمرکی، ثبات در حمایت دولت از صفر تا ۱۰۰ پروژه‌ها، اعطای وام‌های کم بهره و به موقع پرداخت شدن درآمدهای فروش از جمله این حمایت‌هاست.

نقش سندیکا را در توسعه حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر چگونه ارزیابی می‌کنید؟

سندیکا در چند حیطه مختلف می‌تواند نقش آفرینی کند که ذیلاً به آن اشاره شده است:

۱. مشارکت و همفکری با مراکز تصمیم‌گیری دولت در تدوین آیین‌نامه‌ها و مقررات مرتبط انرژی‌های تجدیدپذیر و کاهش تلفات انرژی
۲. تلاش در جهت گشودن افق‌های جدید کارآفرینی در کاهش تلفات و برق هوشمند
۳. حمایت از ساخت داخل و تکنولوژی ملی در کاهش تلفات و انرژی‌های نوب‌تاکید ویژه بر هم‌افزایی ظرفیت‌های موجود

۴. افزایش آگاهی نسبت به لزوم گسترش به کارگیری انرژی‌های نو در صنعت برق

۵. جلب توجه مدیران و برنامه‌ریزان عرصه انرژی برای در نظر گرفتن سهم مناسبی در توسعه صنعت برق

۶. ارائه فناوری‌های جدید و راهکارهای لازم برای استفاده از انرژی‌های نو در صنعت برق

۷. ایجاد فرصت‌ها و ظرفیت‌های تجاری در حوزه صنعت انرژی‌های نو و کاهش تلفات انرژی

انرژی ■

مهمترین چالش‌های پیش روی شرکت‌های فعال در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر چیست؟

چالش‌های پیش روی شرکت‌های فعال در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر را می‌توان به دو دسته عوامل داخلی و عوامل خارجی تقسیم بندی کرد. به طور خلاصه عوامل داخلی بیشتر معطوف به عدم ثبات در قوانین جاری، نبود دستورالعمل‌های فنی مدون و یکپارچه، وضعیت بسیار شکننده اقتصادی کشور و موازی کاری نهادها و ارگان‌های ذیربط است که در برخی از موارد منجر به بروز تناقضات بسیاری برای بخش سرمایه‌گذار می‌شود. عوامل خارجی نیز بیشتر معطوف به بحث تحریم‌ها، مشکلات واردات کالا و تجهیزات مورد نیاز جهت احداث نیروگاه‌های تجدیدپذیر و مهم‌تر از آن نحوه خارج کردن عواید ناشی از سرمایه‌گذاری توسط سرمایه‌گذاران خارجی است.

با توجه به اینکه فرصت‌های قانونی بسیاری در بودجه، قانون ششم توسعه و ... برای توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر تدوین شده، چرا این شرکت‌ها هنوز نتوانسته‌اند به درستی از این فرصت‌ها بهره‌برداری کنند؟

اولین و مهم‌ترین دلیل، این است که این قوانین متأسفانه تنها در همان مرحله تصویب بر روی کاغذ باقی می‌مانند و عملاً بخش مولد کشور هنگام استفاده از این قوانین و مصوبات بدلیل نبود دستورالعمل‌ها، شیوه نامه‌ها و آیین‌نامه‌های اجرایی مورد نیاز، ابهام در جزئیات با انبوهی از مشکلات و ناهماهنگی‌ها و موازی کاری‌ها رو به رو می‌شوند و در نتیجه سرمایه‌گذار عطای آن را به لقایش خواهد بخشید.

به عنوان مثال یکی از قوانین تصویب شده در

این حوزه جهت حمایت از تولید داخلی، قانون افزایش نرخ خرید تضمینی برق در صورت استفاده از تجهیزات تولید داخل تا سقف ۳۰ درصد است. تا آنجا که بنده اطلاع دارم تاکنون به دلیل نبود سازوکار مناسب، استفاده از این قانون هنوز عملی نشده است.

آیا زمینه‌های لازم برای تسهیل جذب سرمایه‌های داخلی در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر فراهم شده است.

در سال‌های اخیر تلاش‌های بسیاری در بدنه وزارت نیرو و مشخصاً سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی (ساتبا) جهت جذب سرمایه‌های داخلی در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر انجام شده که از آن جمله می‌توان به نرخ‌های جذاب جهت خرید تضمینی برق نیروگاه‌های تجدیدپذیر اشاره کرد. اما با این حال آنگونه که باید و شاید سرمایه‌های داخلی به این حوزه ورود پیدا نکرده‌اند.

دو دلیل عمده برای این مسئله قابل طرح است. اولین و مهم‌ترین دلیل، شرایط اقتصادی کشور است که قدرت ریسک و سرمایه‌گذاری بلندمدت را از سرمایه‌گذار داخلی سلب کرده است. به عبارت دیگر سرمایه‌دار ایرانی تمایلی به سرمایه‌گذاری با بازگشت سرمایه ۴ یا ۵ ساله ندارد.

گرچه از نظر اقتصادی این نرخ از بازگشت سرمایه یکی از جذاب‌ترین مدل‌های سرمایه‌گذاری و این شیوه سرمایه‌گذاری یکی از سودآورترین زمینه‌های سرمایه‌گذاری در دنیا محسوب می‌شود و البته نه در ایران. نظریه افزایش افسار گسیخته نرخ ارز و سایر کالاهای وارداتی، سرمایه‌گذاری در حوزه تولید چندان مورد توجه سرمایه‌گذاران داخلی واقع نشده است. از زمان تصمیم به احداث نیروگاه تا زمانی که نیروگاه به بهره‌برداری تجاری برسد

یعنی از پرداخت اولین صورت وضعیت، مالک نیروگاه با چالش‌ها و ریسک‌های فراوانی مواجه است.

دلیل دوم طولانی بودن روند اخذ مجوزهای مورد نیاز و وجود قوانین دست و پا گیر است. به عنوان مثال اخذ مجوز زمین از منابع طبیعی با در نظر گرفتن استعلام‌های ۱۳ گانه از ارگان‌های مختلف فرآیندی فرسایشی و زمان‌بر است. حال آنکه می‌توان با کوتاه کردن مسیر روند اخذ مجوزات، زمان مورد نیاز جهت عقد قرارداد خرید تضمینی را کوتاه نمود. سرمایه‌گذار در این بازه زمانی تا زمان عقد قرارداد خرید تضمینی، امنیت سرمایه خود را تضمین شده نمی‌بیند.

شرکت‌های ایرانی تا چه اندازه در جذب شرکای خارجی برای فعالیت مشترک در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر موفق عمل کرده‌اند؟ آنها در این زمینه با چه مشکلاتی مواجه هستند؟

با گشایش‌های صورت گرفته در حوزه روابط خارجی و امضای توافق موسوم به برجام، سیل زیادی از متقاضیان خارجی سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر به سوی ایران گسیل شد و خوشبختانه تعداد زیادی از شرکت‌های داخلی موفق به جذب آن‌ها به عنوان شریک و همکار تجاری شدند.

گواه آن ساخت و بهره‌برداری چندین نیروگاه در مقیاس مگاواتی با همکاری شرکت‌های ایرانی و سرمایه‌گذاری خارجی در سطح کشور است. اما متأسفانه با خروج آمریکا از برجام و بازگشت تحریم‌های یک جانبه آمریکا، شرکت‌های خارجی دیگر همچون گذشته رغبتی به انجام سرمایه‌گذاری جدید نداشته و تعدادی از آنان فعالیت‌های خود را در این زمینه به حالت تعلیق درآورده‌اند.

مورد بعدی تغییر دائم قوانین است به نحوی که این تغییرات معمولاً مشکلات بیشتری را برای سرمایه‌گذار ایجاد می‌کند. به عنوان مثال نظر شما را به موردی که اخیراً در جلسه‌ای با مسئولین محترم ساتبا و نمایندگان یک شرکت بزرگ چینی پیش آمد، جلب می‌کنم. با تغییر قانون مربوط به ضریب تعدیل مندرج در قرارداد خرید تضمینی، در بازه زمانی از عقد قرارداد تا



متأسفانه با خروج آمریکا از برجام و بازگشت تحریم‌های یک جانبه آمریکا، شرکت‌های خارجی دیگر همچون گذشته رغبتی به انجام سرمایه‌گذاری جدید نداشته و تعدادی از آنان فعالیت‌های خود را در این زمینه به حالت تعلیق درآورده‌اند

زمان احداث نیروگاه هیچ تمهیدی برای پوشش ریسک در برابر تغییر نرخ ارز و تورم اندیشیده نشده و سرمایه‌گذار در برابر تغییرات نرخ ارز و تورم در این بازه زمانی به هیچ وجه مصونیت ندارد. حال آنکه در قانون قبلی این ریسک پوشش داده شده بود.

چالش دیگری که شرکت‌های ایرانی در جذب شریک خارجی با آن مواجه هستند، بحث توسعه پروژه‌هاست. همانطور که مستحضر هستید شرکت‌های سرمایه‌گذاری در سرتاسر دنیا پس از مطالعه بازار هدف و قبل از انجام هرگونه مذاکره‌ای جهت سرمایه‌گذاری اقدام به مطالعه گزارش پروژه مورد نظر می‌کنند. این گزارش بایستی توسط شرکت یا شرکت‌های متخصص و فعال در آن حوزه تهیه شده باشد. اینجاست که می‌توان نقش فعال و بسیار مهمی را برای شرکت‌های خوب و توانمند کشورمان تعریف کرد. به عبارت دیگر در صورتی که هنوز هیچ‌گونه اقدامی جهت تأسیس شرکت پروژه، انجام مطالعات امکان‌سنجی، اخذ مجوزات و عقد قرارداد خرید تضمینی انجام نشده است، شرکت‌های سرمایه‌گذاری به ندرت حاضر به انجام هرگونه مذاکره در رابطه با پروژه خواهند شد.

به همین منظور پس از جلب نظر کلی سرمایه‌گذار پیرامون سرمایه‌گذاری در بازار هدف، ابتدا شرکت‌های ایرانی بایستی مقدمات و بستر کار را فراهم کنند و در صورتی که پروژه به لحاظ فنی و اقتصادی مقرون به صرفه باشد، می‌توان به جذب سرمایه‌گذار و تأمین مالی پروژه امیدوار بود. در وضعیت فعلی به دلیل وضع قوانین محدود کننده در رابطه با واگذاری سهام شرکت دارای پروانه احداث یا قرارداد خرید تضمینی، عملاً بحث توسعه پروژه و جذب سرمایه‌گذار به محاق رفته است.

البته ناگفته نپساید که این قوانین جهت جلوگیری از خرید و فروش مجوزات، پروانه احداث و قرارداد خرید تضمینی و ایجاد بازار کاذب وضع شده است، اما می‌توان با استفاده از ابزارهای دیگر، علاوه بر جلوگیری از وقوع موارد مذکور، دست شرکت‌های خوب ایرانی را جهت توسعه پروژه‌های تجدیدپذیر و جذب سرمایه‌گذار خارجی باز گذاشت. بازنگری در

قوانین فعلی در این رابطه بسیار راهگشا خواهد بود.

مهمترین انتظارات فعالین بخش تجدیدپذیر از دولت به عنوان متولی این حوزه چیست؟

با توجه به شرایط اقتصادی به وجود آمده و وضع تحریم‌های جدید، به منظور ترغیب سرمایه‌گذاران خرد جهت ورود به این حوزه، انتظار می‌رود که دولت بسته‌های تشویقی مناسب‌تری را برای نیروگاه‌های کوچک و متوسط فراهم آورد. با جذب سرمایه از این بخش، علاوه بر توسعه نیروگاه‌های کوچک و متوسط، می‌توان سایر سرمایه‌های سرگردان این بخش را به سمت و سویی مناسب هدایت و از سرریز آن‌ها به بازارهای کاذب جلوگیری کرد.

انتظار می‌رود دولت ضمن ایجاد ثبات در قوانین جاری کشور چه در بدنه وزارت نیرو و ساتبا و چه در بدنه وزارت صنعت، معدن و تجارت برای سرمایه‌گذاران این حوزه امکان اخذ تصمیم منطقی و کم ریسک را فراهم آورد. همچنین پرداخت به موقع مطالبات مالکین نیروگاه‌های تجدیدپذیر که در بیشتر مواقع با معوقات انباشته شده چندین ماهه مواجه هستند، از مهم‌ترین انتظارات فعالین این حوزه از دولت محترم است.

علاوه بر این، نبود دستورالعمل‌های فنی مدون و یکپارچه و برخورد سلیقه‌ای با مسائل فنی مربوط از جمله مباحث اتصال به شبکه نیروگاه و اخذ تأییدیه اتصال و انجام تست‌های پیش از راه‌اندازی نیروگاه مشکلات بسیاری در این حوزه ایجاد شده است. انتظار می‌رود متولیان امر ضمن تهیه دستورالعمل‌های فنی یکپارچه باعث ایجاد وحدت رویه در تصمیم‌گیری در رابطه با مسائل فنی پروژه شوند.

نکته آخر اینکه متأسفانه بسیاری از اشخاص حقیقی و حقوقی که نه دانش فنی کافی و نه پشتوانه مالی مناسبی جهت اجرای پروژه‌های مقیاس بزرگ دارند، اقدام به اخذ مجوز و حتی عقد قرارداد خرید تضمینی کرده‌اند. در بسیاری از موارد از زمان انقضای پروانه یا قرارداد هم چندین ماه سپری شده و در برخی از موارد مشاهده می‌شود که با استفاده از ضعف

قوانین اقدام به تمدید پروانه احداث یا قرارداد خرید تضمینی کرده‌اند. این مسئله متأسفانه عرصه را بر بازیگران واقعی این حوزه تنگ کرده و با اشغال ظرفیت بالقوه صنعت تجدیدپذیر، عملاً بخش مهمی از اعضای فعال که پتانسیل انجام پروژه‌ها را دارند به حاشیه رانده است. انتظار می‌رود سازمان‌های متولی ضمن بررسی وضعیت این دسته از متقاضیان، با وضع قوانین مناسب نسبت به آزادسازی این ظرفیت اقدامات لازم را به عمل آورد.

نقش سندیکا را در توسعه حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر چگونه ارزیابی می‌کنید؟

سندیکای صنعت برق به عنوان یکی از قدیمی‌ترین و فعال‌ترین تشکلهای صنعتی می‌تواند نقش بسیار مؤثری در توسعه پایدار انرژی‌های تجدید پذیر در کشور ایفا کند. سندیکا با گردآوری فعالین این حوزه و ایجاد یک تشکل قوی و منسجم می‌تواند به عنوان بازوی مطالبه‌گر فعالین صنعت انرژی‌های تجدید پذیر ایفای نقش کند. همچنین با برگزاری جلسات مستمر و مداوم با سرمایه‌گذاران بالقوه و جمع‌آوری آرا و اندیشه‌ها و چالش‌های سرمایه‌گذاران در این حوزه و انتقال آن به بدنه دولت، زمینه رشد هرچه بیشتر این صنعت را در ایران فراهم آورد. البته سندیکا تاکنون در این زمینه فعالیت‌های بسیار خوبی را انجام داده است که گواه آن ایجاد کمیته تخصصی انرژی‌های تجدید پذیر و انجام فعالیت‌های بسیار در این حوزه است. ■

عدم اعتقاد مدیران اجرایی وزارت نیرو به انرژی‌های تجدیدپذیر

حمیدرضا صالحی فرد؛
مدیرعامل شرکت تک نیرو



مهمترین چالش‌های پیش روی شرکت‌های فعال در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر چیست؟

موارد ذیل از چالش‌های با

اهمیت این حوزه است:

- ۱-۱. عدم تعریف موضوع و عدم وجود قوانین تکلیفی و حمایتی جهت پرداخت اعتبارات در مراکز تامین منابع مالی داخل کشور (بانک‌ها، موسسات تامین منابع مالی، سرمایه‌گذاران)
- ۲-۱. عدم حمایت واقعی و جدی بخش دولتی از سرمایه‌گذاران خارجی در تضمین و برگشت سرمایه اشخاص و موسسات سرمایه‌گذاری یا فاینانس و بیزانس قطعات
- ۳-۱. هزینه بالای خرید و تامین تجهیزات در این حوزه به نسبت سایر تکنولوژی تولید برق و مشکلات و محدودیت‌های مالی سرمایه‌گذاران مشتاق سرمایه‌گذاری در این رشته
- ۴-۱. عدم پرداخت به موقع بهای خرید برق به نیروگاه‌های در حال بهره‌برداری از طرف شرکت ساتبا و انعکاس منفی موضوع در سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی این حوزه

چرا شرکت‌ها هنوز نتوانسته‌اند از فرصت‌ها برای توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر بهره‌برداری کنند؟
کمبود برق در کشور و عدم اعتقاد مدیران اجرایی وزارت نیرو به تامین برق از طریق انرژی‌های تجدیدپذیر و ضرورت تامین سریع و فوری برق با توجه به کمبود شدید برق در کشور و نبود بسترهای لازم جهت سرمایه‌گذاری و توسعه در این حوزه اصلی‌ترین دلیل برای عدم توسعه این شرکت‌ها است.

آیا زمینه لازم برای تسهیل جذب سرمایه‌های خارجی در حوزه تجدیدپذیر فراهم شده است؟

زمینه و بستر لازم جهت جذب سرمایه‌گذاری داخلی در این حوزه اصلاً فراهم نشده است و عدم اطمینان از بازگشت سرمایه در زمان سایر فعالیت‌های تولیدی به دلیل هزینه بالای تجهیزات و عدم ثبات و نظم در پرداخت بهای انرژی تحویلی، سرمایه‌گذاری در این رشته را با مشکل مواجه کرده است.

شرکت‌های ایرانی برای جذب شرکای خارجی در زمینه تجدیدپذیر با چه مشکلاتی

نبود توجه اقتصادی برای سرمایه‌گذاری در تجدیدپذیرها

پرویز قنبری؛

مدیرعامل شرکت انرژی‌های پاک بناء



عدم سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر دلایل متفاوتی دارد. خارج شدن احداث نیروگاه‌های خورشیدی از گروه یک

(ارز دولتی ۴۲۰۰ تومان) موجب عدم توجه اقتصادی و مالی شده و زمان بازگشت سرمایه را دو برابر کرده است. همین مساله زمینه را برای انجام سرمایه‌گذاری‌های جدید در این حوزه نامساعد و نامناسب کرده است. به علاوه در حوزه تعمیر و نگهداری نیروگاه‌های خورشیدی به دلیل گران شدن چند برابری و حتی نبود قطعات تعویضی در بازار، مشکلات عدیده‌ای به صاحبان شرکت تحمیل شده است.

از دیگر چالش‌های سرمایه‌گذاران در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر، دشواری‌های موجود برای تامین منابع مالی است. در شرایطی که بانک‌های عامل برای ارائه تسهیلات ارزی و ریالی به دلیل پایین آمدن عدد بازده داخلی طرح (IRR) و عدم توجه مالی، رغبتی به سرمایه‌گذاری نشان نمی‌دهند، قطعاً کار در این حوزه با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌شود. بنابراین آینده طرح‌های خورشیدی از نظر احداث و توسعه با وجود شرایط فعلی در حاله‌ای از ابهام قرار گرفته و قطعاً احداث پروژه‌های نیروگاه‌های خورشیدی در راستای برنامه ششم توسعه کشور امکان‌پذیر نخواهد بود.

مواجه هستند؟

۱-۴ شرکت‌های ایرانی به دلیل عدم تضمین و تایید نهادهای دولتی ایران در زمینه تضمین سرمایه‌گذاری و برگشت سرمایه‌گذاران (وزارت نیرو، وزارت اقتصاد و دارایی، بانک مرکزی) تاکنون موفق به سرمایه‌گذاری مشترک با اشخاص و شرکت‌های خارجی نگردیده‌اند. ۲-۴ الزام سرمایه‌گذاران خارجی مبنی بر تامین حداقل ۲۰٪ از نیاز مالی سرمایه‌گذاری از طرف شرکت ایرانی و محدودیت مالی شرکت‌های ایرانی جهت تامین این ۲۰٪ با توجه به هزینه بالای سرمایه‌گذاری در این رشته ۳-۴ عدم استقبال سرمایه‌گذاران خارجی به دلیل عدم وجود تضامین دولتی در (وزارت نیرو، بانک مرکزی و وزارت اقتصاد و دارایی)، عدم وجود اطمینان از بازگشت سرمایه بدلیل عدم ثبات مالی در اقتصاد کشور است.

مهم‌ترین انتظارات فعالین بخش تجدیدپذیر از دولت چیست؟

حمایت جدی و راهبردی، وضع قوانین تسهیل‌کننده در تامین سرمایه‌گذاری خارجی، تکلیف بر بانک‌ها در خصوص اختصاص منابع مالی جهت سرمایه‌گذاری در این رشته، ثبات در قوانین و قراردادهای نرخ‌های تضمین شده از جدی‌ترین انتظارات فعالین این بخش است.

نقش سندیکا در توسعه حوزه انرژی تجدیدپذیر را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

برگزاری سمینارها، جلسات هم‌اندیشی در خصوص نحوه رفع مشکلات، پیگیری موضوع از طریق مراجع تاثیرگذار دولتی (مجلس، دولت و وزارت نیرو)، هماهنگی و اطلاع‌رسانی به سرمایه‌گذاران خارجی در خصوص سرمایه‌گذاری در این حوزه و هماهنگی و برگزاری جلسات مشترک بین سرمایه‌گذاران خارجی و متقاضیان احداث نیروگاه تجدیدپذیر می‌تواند توسط سندیکا کارساز باشد. ■



تحلیل روز

بایدهای بودجه ۹۸



۳۵

تحلیل روز
بایدهای
بودجه ۹۸

دومحور وهفت پیشنهاد

پیشنهادات سندیکا برای لایحه بودجه ۹۸

دولت در تلاش است امسال هم مطابق قانون و به رسم سال های گذشته، لایحه بودجه را به موقع و تا ۱۵ آذر ماه به مجلس تقدیم کند. منابع درآمدی بودجه سال آینده با وجود تحریم های نفتی که به تدریج آغاز شده و ممکن است مشتریان نفت ایران را کمتر کند، به شدت در هاله ابهام قرار گرفته است.

کمیبود ریشه دار نقدینگی در دولت و بدهی های قابل توجه آن به بخش های مختلف، کار را برای دولت و مشتریانش دشوارتر هم خواهد کرد. بدون تردید سال ۹۸ یکی از دشوارترین سال های بودجه ای کشور خواهد بود. دولت با بی ثباتی اقتصادی، ارز چندنرخه، رکود گسترده و بدهی گسترده اش کار بسیار سختی برای پیش بینی ارقام درست در بودجه سال آینده در پیش دارد.

امسال اما سندیکای صنعت برق ایران که پیشتر به عنوان برترین تشکل اقتصادی کشور هم برگزیده شده بود، به جای گلایه مندی های پس از تدوین لایحه و حتی ابلاغ قانون، زودتر دست به کار تدوین پیشنهاداتی شده که اعمال آن در قانون بودجه سال آینده می تواند گرهی از کار فعالان حوزه صنعت برق بگشاید.

کافی است دولت به جای مواجهه با بخش خصوصی و بی توجهی به نظرات تشکلی، آنها را به عنوان مشاورین تخصصی در کنار خود قرار دهد. در این صورت شاید مسیر هموارتری برای عبور از مشکلات پیش روی خود ببیند.

پیشنهادات سندیکای صنعت برق ایران با دو محور تامین مالی برای سرمایه گذاری و تامین مالی برای پرداخت بدهی ها به بخش های مختلف از جمله وزارت نیرو، اتاق بازرگانی و مجلس ارائه شده است. ذیل این دو سرفصل، هفت راهکار برای عبور از چالش های تامین مالی عنوان شده که ذیلاً آنها را می خوانید:

تامین مالی برای سرمایه گذاری:

۱ • به بانک های عامل اجازه داده می شود در سال ۱۳۹۸ از محل منابع در اختیار، نسبت به اعطای تسهیلات ارزی به سرمایه گذاران بخش های خصوصی و تعاونی برای طرح های توسعه ای تولید، انتقال و توزیع نیروی برق و انرژی های تجدیدپذیر با معرفی وزارت نیرو و اخذ تضامین لازم از محل فروش و انتقال برق اقدام کنند. (مشابه بند الف تبصره ۴ قانون بودجه سال ۱۳۹۷)

۲ • به دولت اجازه داده می شود به منظور تکمیل طرح های تولید و انتقال برق مبلغ یک میلیارد دلار از منابع صندوق توسعه ملی به صورت تسهیلات با نرخ سود متعارف نظامنامه صندوق برداشت نماید. با اعلام سازمان برنامه و بودجه کشور به صندوق توسعه ملی، معادل ریالی تسهیلات یادشده از طریق بانک مرکزی جمهوری اسلامی در اختیار بانک عامل که توسط دولت تعیین می شود،

قرار گیرد تا در چارچوب توافق نامه های ذیربط صرف نماید. (مشابه بند ه تبصره ۴ قانون بودجه سال ۱۳۹۷)

۳ • به منظور سرمایه گذاری در طرح های تولید نیروی برق (نیروگاه های گازی، سیکل ترکیبی و انرژی تجدیدپذیر) وزارت نیرو با تصویب شورای اقتصاد، اوراق مالی اسلامی (ریالی و یا ارزی) در سقف ۲۰ هزار میلیارد ریال منتشر و بازپرداخت اصل و سود این اوراق توسط شرکت های مذکور از محل تولید و فروش برق تضمین نمایند. (مشابه بند ط تبصره ۵ قانون بودجه سال ۱۳۹۷)

۴ • عوارض موضوع ماده (۵) قانون حمایت از صنعت برق کشور مصوب ۱۳۹۴/۸/۱۰ به میزان هشت درصد مبلغ برق مصرفی در سقف ۱۵ هزار میلیارد ریال تعیین می گردد و توسط وزارت نیرو صرفاً جهت موارد مطرحه در قانون فوق با اولویت روستاها و مناطق دامداری و عشایری و خرید تضمینی برق حاصل از تجدیدپذیر، صرف می شود. استفاده از این منابع برای سایر موارد ممنوع بوده و وزارت نیرو مکلف است گزارش استفاده از این منابع را بصورت فصلی در اختیار سازمان برنامه و بودجه قرار دهد. (اصلاح شده بند د تبصره ۶ قانون بودجه سال ۱۳۹۷)

۵ • تبصره ۱۹ قانون بودجه سال ۱۳۹۷ در خصوص واگذاری طرح های نیمه تمام مجدداً تکرار شود.

تامین مالی برای پرداخت بدهی ها:

۶ • به دولت اجازه داده می شود از طریق اسناد (اوراق) تسویه خزانه بدهی های قطعی خود با اشخاص حقیقی و حقوقی تعاونی و خصوصی که در چارچوب مقررات مربوط تا پایان سال ۱۳۹۷ ایجاد شده است را با مطالبات قطعی دولت از اشخاص مزبور تا مبلغ ریال (سال ۹۶، ۲۰ هزار میلیارد ریال) تسویه کند. (مشابه بند و تبصره ۵ قانون بودجه سال ۱۳۹۷)

۷ • به دولت اجازه داده می شود در صورت درخواست متقاضیان مطالبات قطعی اشخاص حقیقی و حقوقی و خصوصی و تعاونی و نهادهای عمومی غیردولتی و نیز شرکت های دولتی تابعه وزارت نیرو و جهادکشاورزی بابت یارانه قیمت های تکلیفی از دولت، در چارچوب قوانین و مقررات تا پایان سال ۱۳۹۶ ایجاد شده است با بدهی اشخاص یادشده به بانک ها و موسسات مالی اعتباری غیربانکی از طریق تسویه بدهی های بانک و موسسات اعتباری غیربانکی به بانک مرکزی که در چارچوب قوانین و مقررات مربوط تا پایان سال ۱۳۹۶ ایجاد شده است تا مبلغ ریال (سال ۹۶: یک میلیون میلیارد ریال) بصورت جمعی خرجی از طریق انتشار اسناد تسویه خزانه، تسویه نماید. (مشابه بند و تبصره ۵ قانون بودجه سال ۱۳۹۷) ■



بودجه صنعت برق بانمودارهایی روبه سقوط

با فرارسیدن فصل پاییز زمره‌ها پیرامون مساله «بودجه»، شیوه تخصیص، مبلغ و کاستی و فزونی آن برای نهادها و سازمان‌های گوناگون نسبت به سال‌های گذشته و همچنین نسبت به دیگر نهادها و ساختارهای برخوردار از بودجه دولتی، نیروی بیشتری گرفته و آهسته آهسته تا میانه زمستان به اوج خود خواهد رسید.

اینکه چرا بحث بودجه و رسیدگی و تصویب بخش‌های گوناگون آن در مجلس تا این اندازه مورد توجه جامعه، افکار عمومی و رسانه‌هاست تنها یک دلیل ساده در پس خود دارد که برای هر انسانی آشنا بوده و نسبت به آن توجه و حساسیت دارد و نام آن پول است.

واژه بودجه از واژه فرانسوی Budget گرفته شده که به معنی کیف پول است و در اصطلاح به مجموع درآمدها و هزینه‌های یک کشور، یک وزارتخانه، یک اداره، یک موسسه و یا یک شخص خاص گفته می‌شود. همچنین به صورت رسمی‌تر، بودجه در ماده نخست قانون محاسبات عمومی مصوب ۲۰ اسفند ماه سال ۱۳۱۲ هجری خورشیدی چنین تعریف شده است: بودجه لایحه پیش‌بینی کلیه عواید و مخارج است که برای یک سال شمسی (سنه مالی) به تصویب مجلس شورای ملی رسیده باشد.

به این ترتیب روشن است که با تصویب قانون بودجه سرنوشت مالی و توانایی یک سازمان برای هزینه‌کرد و توان پذیرفتن مخارج مشخص خواهد شد و با در نظر گرفتن اینکه در کشور ما دولت بسیار پر حجم و بزرگ بوده و شمار بسیاری از سازمان‌ها و نهادها، دولتی هستند

که از اعتبارات عمومی و همگانی به صورت مستقیم و کامل بهره‌مند می‌شوند یا دست کم مبلغی را به صورت غیرمستقیم و کمک هزینه‌ای دریافت می‌کنند، می‌توان گفت بخش بسیار کلانی از جامعه ایرانی نسبت به تصویب بودجه حساس بوده و آن را با دقت دنبال می‌کنند. برای بسیاری از کارمندان ادارات دولتی، افزایش بودجه اداره متبوع آنها به معنی بالا رفتن میزان حقوق و مزایای آنها و افزایش بیشتر بودجه یک سازمان نسبت به سازمانی که این اشخاص در آن شاغل هستند به معنی بیشتر بودن حقوق دریافتی کارکنان آن سازمان است و ...

هرچند چنین رویکرد و نوع نگاهی کاملاً نادرست است، لیکن به هر روی نشان دهنده درک و برداشت جامعه از بودجه و آسیب‌هایی است که در پی آن گریبان جامعه را خواهد گرفت.

دشواری دیگری که تصویب بودجه روشن می‌سازد بزرگی و گستردگی بیش از اندازه دولت است و این موضوع به معنای حضور انبوهی از سازمان‌ها در عرصه عمومی بوده که همگی از دولت انتظار پرداخت هزینه‌ها و مخارج روزافزون خود را دارند. چنین وضعیتی در نخستین آسیب خود، سبب غافل شدن دولت یا ناتوانی آن از رسیدگی به بخش‌هایی است که وظیفه و رسالت اصلی هر حکومتی به شمار

می‌رود.

یکی از کارویژه‌ها و رسالت‌های اصلی یک دولت به معنای کلاسیک آن و به ویژه دولتی که در جوامع در حال توسعه حاکم است، حمایت مستقیم و نامستقیم از توسعه زیرساخت‌های اصلی و پایه یک کشور و فراهم کردن شرایط رشد یک جامعه در ابعاد مختلفی چون صنعتی، فرهنگی، انسانی و ... است که از جمله آن می‌توان به گسترش صنعت آب و برق اشاره کرد.

بدون تردید صنعت آب و برق به عنوان یکی از زیرساخت‌های اساسی در توسعه هر کشوری اثرگذار است و نه تنها در توسعه صنایع و کشاورزی اهمیت ریشه‌ای دارد، بلکه در بالا بردن شاخص‌های توسعه انسانی و افزایش سطح فرهنگ، دانش و کیفیت زندگی شهروندان یک کشور نیز بسیار مهم و حیاتی بوده و طبیعی است که حمایت از این صنعت و پیگیری و مراقبت از توسعه آن در فهرست کارویژه‌های هر دولتی، جایگاه مهمی را به خود اختصاص دهد.

با توجه به آنچه گفته شده و اینکه در نزدیکی موسم تصویب بودجه کشورمان هستیم شایسته

است که دست‌کم نگاهی گذرا به وضعیت بودجه و اعتبارات صنعت آب و برق ایران و نماینده آن در کابینه دولت، یعنی وزارت نیرو در سال‌های اخیر پرداخته و نوع نگاه و رویکرد دولت را به زیرساخت انرژی از دیدگاه اعتباری در کشور بررسی شود.

البته پژوهش درباره بودجه، منابع، مصارف و ردیف‌های آن و همچنین دگرگونی‌های ایجاد شده در قانون بودجه هر سال نسبت به سال گذشته و یا در گذر سالیان، حتی برای یک ردیف مشخص، کاری پیچیده، تخصصی و دشوار بوده که از حوصله و گنجایش گزارشی از این دست و نشریه‌ای با اهداف ویژه بیرون است، لیکن تلاش خواهد شد تا در این فرصت، وضعیت بودجه کشور در بخش انرژی و نیرو، در بازه زمانی دولت یازدهم و مدتی که از دولت دوازدهم گذشته است، مورد بررسی و نقادی قرار گیرد.

وزارت نیرو یکی از گسترده‌ترین وزارتخانه‌های حاضر در کابینه است که امور مربوط به تولید و پخش انرژی و نگهداری از تاسیسات و تجهیزات صنعت آب و برق را برعهده داشته و نیروگاه‌های برق، سدهای برق‌آبی و شبکه‌های برق‌رسانی زیر مدیریت آن قرار دارند. روشن است که انجام چنین وظایفی هزینه‌های گزافی نیز در پی خواهد داشت.

در دومین سال زمامداری دولت یازدهم، یعنی سال ۱۳۹۲ هجری خورشیدی که در واقع نخستین سال تقدیم لایحه بودجه توسط خود دولت مستقر نیز به شمار می‌آید، با وجود افزایش مطلق مبلغ کل بودجه در این سال، نسبت به سال ۱۳۹۲، شاهد کاهش ۳۰ درصدی اعتبارات وزارت نیرو با نسبت به سال گذشته بودیم و در واقع اینگونه به نظر می‌رسید که دولت «حسن روحانی» به وارون دولت «محمود احمدی‌نژاد» برای باور بود که هزینه‌های وزارت نیرو به این اندازه نیست و یا اینکه در شرایط آن روز کشور، این وزارتخانه می‌توانست هزینه‌های خود را به این میزان کاهش داده و صرفه‌جویی کند.

اعتبارات «وزارت نیرو» و سازمان‌ها و نهادهای زیرمجموعه در قانون بودجه سال ۹۲ نزدیک به ۸۰ هزار میلیارد ریال بود که با کاهشی ۳۰ درصدی در لایحه بودجه پیشنهادی و مصوب سال ۹۳ به حدود ۵۵ هزار میلیارد ریال رسید و روی هم رفته نیز سهم وزارتخانه از کل مصارف بودجه عمومی کشور از ۳/۳ درصد در سال ۱۳۹۲ به ۲/۵ درصد برای سال پس از آن کاهش یافت.

اگر جزئیات این ردیف بودجه در سال ۱۳۹۳ مورد پردازش دقیق‌تری قرار گیرد، نقاط تمرکز این کاهش چشمگیر در اعتبارات بیشتر روشن می‌شود. با یک بررسی ساده در خواهیم یافت که در سال ۹۳، بودجه «حوزه ستادی وزارت

نیرو» افزایشی ۱۱۶ درصد داشته و ۷ درصد کل بودجه پیشنهادی وزارتخانه را در این سال تشکیل می‌دهد است. در برابر آن بیشترین میزان کاهش، مربوط به بودجه «شرکت‌های آب و فاضلاب منطقه‌ای» بود که در بخش تملک دارایی‌های سرمایه‌ای با کاهش ۴۵ درصدی نسبت به سال گذشته، ۲۱ درصد کل بودجه پیشنهادی وزارت نیرو در سال ۱۳۹۳ را شامل می‌شد، همچنین ردیف بودجه «شرکت‌های سهامی آب منطقه‌ای» نیز با کاهشی ۳۹ درصدی، ۴۲ درصد کل بودجه وزارت نیرو در لایحه را تشکیل می‌دهد و شرایطی همانند را تجربه می‌کرد.

در واقع به نظر می‌رسد که دولت در این سال تصمیم بر کند کردن برنامه‌های توسعه آب و فاضلاب داشته است. و این کاهش کلی بودجه نیز با توجه به اینکه سهم پروژه‌های آب و فاضلاب در سید طرح‌های وزارت نیرو بسیار بالاست، ایجاد شده بود. زیرا کاهش هزینه‌ها در این بخش پرخرج کاملاً محسوس و اثرگذار بوده است.

در بخش «شرکت‌های برق منطقه‌ای» هرچند که کاهش به اندازه بخش‌های دیگر نبود، اما در کل حوزه برق نیز از موج کاهش بودجه در امان نماند و ۱۶ درصد از اعتبارات آن نسبت به سال ۹۲ کاسته شد. هرچند که سهم شرکت‌های برق منطقه‌ای در کل چندان چشمگیر نبوده و تنها ۲ درصد کل بودجه وزارتخانه را تشکیل می‌دهد.

البته ادغام دانشگاه «صنعت آب و برق شهید عباسپور» در دانشگاه «شهید بهشتی» و حذف ردیف بودجه‌ای این دانشگاه از اعتبارات بودجه‌ای وزارت نیرو در لایحه بودجه سال ۹۳ نیز در کاهش بودجه این وزارت بی‌اثر نبوده است.

اما اعتبارات بودجه‌ای «شرکت سهامی سازمان توسعه برق ایران» نیز همچون حوزه ستادی وزارت در لایحه پیشنهادی افزایش ۲۵ درصدی داشت و نزدیک ۴ درصد کل بودجه وزارت نیرو در لایحه سال ۹۳ را به خود اختصاص داد.

توجه به نقاط کاهش و افزایش بودجه در سال ۹۳ نشان می‌دهد که دولت در آن سال‌ها قصد داشت که حضور خود در بخش‌های اجرایی را کاهش داده و تنها به مدیریت و هدایت توسعه صنایع حوزه نیرو بپردازد. در بررسی ارقام لایحه در بخش نیرو روشن می‌شود که بیشترین کاهش بودجه در میان وزارتخانه‌ها، در این دستگاه رخ داده است. به نظر می‌رسد دولت در لایحه بودجه سال ۹۳ تلاش داشت ضمن کاهش وابستگی این دستگاه به منابع بودجه عمومی،

تامین مالی طرح‌های توسعه‌ای صنعت آب و برق را تنوع بخشیده و بخش خصوصی را بیشتر مشارکت دهد، طرح‌های بهینه‌سازی صنایع نیرو و افزایش بازده تولید توسط بخش خصوصی و همچنین طرح‌های توسعه‌ای و تشویقی در حوزه انرژی به ویژه تولید نیرو، مدیریت منابع آب‌های مرزی و میدان‌های نفت و گاز مشترک به بخش خصوصی نیز از جمله سیاست‌های دولت در بودجه سال ۹۳ بوده است که راستای سیاست کلی دولت یازدهم را در آغاز کار خود و نخستین لایحه بودجه تدوین شده توسط آن را نشان می‌دهد.

اما در سال ۱۳۹۴ که دومین سال تدوین و تنظیم لایحه بودجه توسط دولت «حسن روحانی» بود، بازم شاهد افزایش بودجه وزارت نیرو بودیم و در واقع این می‌توان گفت که با یک افزایش ۳۰ درصدی، میزان اعتبارات این سازمان بار دیگر تا نزدیکی اعتبارات آن، پیش از کاهش سال ۹۳ افزایش یافت و به مبلغ ۷۲ هزار میلیارد ریال رسید.

ردیف‌های زیرمجموعه وزارت نیرو نشان می‌دهد که جهت‌گیری بخش کلان بودجه سال ۹۴ صنعت آب و برق راهبردی این بخش به سوی بهره‌وری بیشتر، حفاظت و نگهداری کارآمدتر از منابع آب کشور بوده و در بودجه پیشنهادی توجه ویژه‌ای به آب‌های زیرزمینی به چشم می‌خورد.

در همین سال و به منظور تبیین ابعاد گسترده‌ای بودجه‌ای که قرار بود وزارت نیرو را از بحران مالی برهاند، «علیرضا دائمی» معاون برنامه‌ریزی و امور اقتصادی وزیر نیرو ضمن تأکید بر این نکته که به صورت معمول منابع بودجه وزارت نیرو در سال‌های گذشته به طرح‌های سازه‌ای اختصاص می‌یافت، عنوان کرده بود که در سال ۹۴، این وزارتخانه جدا از افزایش اعتبار در طرح‌های سازه‌ای، در طرح‌های علاج‌بخشی، بهره‌برداری و نگهداری از تاسیسات آبی هم افزایش قابل توجهی داشته و در این راستا در فصل منابع آب از جمله سدها، مدیریت آب و شبکه‌های آبرسانی، ۳۳ درصد افزایش بودجه داشته که تنها در مورد پایانی میزان افزایش اعتبارات به ۳ برابر سال پیش از آن می‌رسید. به گفته دائمی در فصل انرژی که مربوط به اعتبارهای بخش برق است نیز افزایشی نزدیک به ۱۹ درصدی پیش‌بینی شده بود.

دائمی همچنین خاطرنشان کرده بود که در سال ۹۴ در بخش عمرانی صنعت آب از جمله





طرح‌های مربوط به فاضلاب نیز افزایشی ۴۱ درصدی در بودجه رخ داده است.

در بودجه سال ۹۴ بازهم توجه چندانی به بخش برق نشده و میزان افزایش اعتبارات این بخش با توجه به نرخ تورم سالیانه بسیار کم بود. از سوی دیگر با در نظر گرفتن میزان بدهی کلان دولت در صنعت برق و اینکه بودجه دولتی در این بخش یک شصتم میزان کل اعتبارات صنعت برق کشور بود، باید گفت که افزایش بودجه بخش برق بسیار ناچیز به نظر می‌رسید. در پیوند با آنچه درباره بدهی به بخش خصوصی گفته شد، معاون برنامه ریزی و اقتصادی وقت وزیر نیرو در همان سال در گفت و گویی به برنامه‌های وزارت نیرو برای پرداخت بدهی‌های بخش برق در بودجه ۹۴ نیز اشاره کرده و گفته بود: تهاثر بدهی‌های وزارت نیرو با اقساطی که از فروش نیروگاه‌ها به مالکان جدید برجای مانده، از ظرفیت‌های پیش‌بینی شده در بودجه سال ۱۳۹۴ است. بنابراین کسانی که نیروگاه‌ها را از دولت خریداری کرده‌اند، می‌توانند در برابر مبالغی که برای فروش برق تولیدی نیروگاه‌های خود از وزارت نیرو بستانکار هستند، طلب‌ها و بدهی‌های خود را با این وزارت‌خانه تهاثر کنند.

البته روش تهاثر برای تسویه حساب پیمانکاران هم پیش از آن نیز مطرح شده بود ولی به دلیل ساختار بانکی و سازوکار خزانه‌داری کشور در پرداخت و دریافت بدهی‌ها و مطالبات دولتی، دشواری‌های بسیاری در این راه به وجود آمده بود. از سوی دیگر شرط نخست اجرای این طرح آن بود که پیش از هر چیز نیروگاه‌های واگذار شده بتوانند با بهره‌وری کافی و بدون بروز دشواری‌های پی در پی در زمینه‌های گوناگون، برق تولید کرده و وارد مدار شوند که این امر خود، یک بحث گسترده و ژرف مستقل خواهد بود.

در مورد ترکیب بودجه وزارت نیرو در سال ۱۳۹۴ نیز باید گفت که با توجه به نرخ رشد بخش‌های گوناگون که کم و بیش در همان اندازه سال گذشته بود، سهم زیرمجموعه‌ها تقریباً مانند ترکیب بودجه در سال ۱۳۹۳ پیش‌بینی شده بود. تنها در حوزه ستادی افزایش ۱۱۰ درصدی بودجه دیده می‌شد که البته در سال ۹۳ نیز همین میزان افزایش داشت. این میزان

افزایش شاید به دلیل افزایش حقوق و دستمزد کارکنان در نظر گرفته شده بود اما به هر حال به دلیل در دسترس نبودن ریزمصارف اعتبارات در حوزه ستادی، نمی‌توان تحلیل دقیقی از دلیل این افزایش به دست داد.

روند بودجه وزارت نیرو در سال ۹۵ تغییر چندانی نداشت و میزان کلی اعتبارات این وزارتخانه در لایحه و قانون بودجه سال ۱۳۹۵ نسبت به سال پیش از آن تغییر چندانی نداشت و تنها با افزایشی ۱٫۵ درصدی نزدیک به ۷۲ هزار میلیارد ریال در نظر گرفته شد. در بودجه این سال هم مانند سال ۹۴ بیش از ۴۰ هزار میلیارد ریال به فصل آب اختصاص یافت و در فصل برق نیز برابر سال گذشته نزدیک به یازده هزار و ۵۰۰ میلیارد ریال اعتبار پیش‌بینی شده بود. در واقع همه این افزایش‌ها و کاهش اعتبارات بودجه‌ای وزارت نیرو که در گذر این سال‌ها شاهد آن بودیم، پیوند چندانی با بخش صنعت برق نداشته و بودجه این حوزه با به شمار آوردن نرخ تورم سالیانه تقریباً دست‌نخورده مانده است.

به این ترتیب سال ۹۵ بودجه برق بدون تغییر چشمگیر، به استمرار مشکلات مالی این صنعت دامن زد. اگرچه معاون وقت وزیر نیرو در توضیح جزئیات لایحه بودجه این سال عنوان کرده بود که قرار است در فصل انرژی، اجرای طرح‌های تولید انرژی در کشور به جز طرح‌های برق‌آبی که وابسته به احداث طرح‌های آبی هستند، بر عهده بخش خصوصی گذاشته شده و منابع اصلی تامین‌کننده توسعه نیروگاه‌های حرارتی و سامانه‌های انتقال و توزیع برق از سرمایه‌گذاری این بخش و دریافت وجوه مربوط به حق اشتراک و هزینه‌هایی که بابت برق مردم بر اساس تعرفه‌های تکلیفی، تامین شود. این مبالغ بر اساس پیش‌بینی‌ها می‌بایست کل اعتبارات فصل انرژی را که شامل بخش‌های تولید، انتقال، توزیع و انرژی‌های تجدیدپذیر بود، تامین می‌کرد اما این اتفاق هرگز رخ نداد.

دائمی‌البته در جای دیگری به این نکته هم اشاره کرده بود که میزان اعتبارات پیش‌بینی

شده در بودجه سال ۹۵ با میزان رشد ۸ درصدی اقتصاد کشور که در سند چشم‌انداز توسعه برنامه‌ریزی شده، هماهنگ نیست و این اعتبارات حتی با میزان رشد ۵٫۸ درصدی که بانک جهانی در سال ۹۵ برای کشور پیش‌بینی کرده است، نیز تناسب ندارد و ممکن است که گنجایش آب و برق تولیدی کشور برای این رشد بسنده نباشد.

معاون وقت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی وزیر نیرو تاکید کرده بود که با توجه به ناکافی بودن اعتبارات برای اجرای طرح‌های توسعه‌ای، این وزارتخانه نیاز به جذب کردن سرمایه‌های بخش خصوصی و دعوت از سرمایه‌گذاران خارجی دارد تا بتواند نیازهای کشور را برآورده کند.

با توجه به آنچه معاون برنامه‌ریزی وزارت نیرو به آن اشاره کرد، روشن می‌شود که کشور باید هرچه سریع‌تر رویکرد خود را نسبت به سرمایه‌گذاری خارجی تغییر داده و لزوم حضور آن را بپذیرد و همچنین در مورد بخش خصوصی نیز دست از شعار دادن برداشته و به صورت واقعی پای حاکمیت را این حوزه‌ها بیرون کشیده و حضور بخش خصوصی را با همه الزامات آن بپذیرد و مدیریت صنعت آب و برق را به صورت کامل به این بخش واگذار کند، چیزی که تا امروز تنها در سخنان زیبا خلاصه شده و وسوسه و شیرینی مدیریت و ریاست در همه عرصه‌ها از برداشتن یک گام جدی در این زمینه جلوگیری کرده است.

در مورد هزینه‌کرد درآمدهای وزارت نیرو در سال ۹۵ نیز مصوب شده بود تا بخشی از منابع به دست آمده از فروش برق برای حمایت از توسعه و نگهداری شبکه‌های برق روستایی و تولید برق تجدیدپذیر و پاک توسط شرکت توانیر هزینه شود و درآمد شرکت‌های تولید نیروی برق حرارتی و برق منطقه‌ای بابت رد دیون و یا سرمایه‌گذاری در توسعه نیروگاه‌های حرارتی و توسعه شبکه انتقال کشور هزینه شود. همچنین

شرکت‌های فروشنده برق نیروگاه‌های آبی نیز موظف شده بودند که تمامی درآمد حاصل از فروش انرژی‌های برق خود را پس از کم کردن هزینه‌های تولید برای سرمایه‌گذاری در توسعه نیروگاه‌های برق آبی کشور به مصرف برسانند. در سال ۱۳۹۶ بودجه وزارت نیرو افزایشی ۴ درصدی را نسبت به بودجه سال ۹۵ تجربه کرد و به ۷۵ هزار میلیارد ریال رسید که البته بازهم افزایش چندان قابل توجهی نبود.

البته دائمی، معاون برنامه ریزی وزیر نیرو معتقد بود که در لایحه بودجه سال ۹۶ ظرفیت‌های خوبی پیش بینی شده و به مواد مهمی از جمله فاینانس خارجی، اوراق بهادار و تسویه بدهی پیمانکارها اشاره شده و توجه ویژه‌ای نیز به شرکت‌های دانش بنیان وجود دارد. وی همچنین تاکید کرده بود که افزون بر بودجه مصوب حدود ۱۰۰ هزار میلیارد ریال اوراق مشارکت برای طرح‌های عمرانی و حدود ۲۰۰ هزار میلیارد ریال نیز برای بازپرداخت تعهدات طرح‌های نیمه تمام و بدهی صنعت به بانک‌ها، مبلغی نزدیک به ۷۵ هزار میلیارد تومان هم برای پرداخت مابه التفاوت ها و طرح‌های تملک از محل اوراق مالی اسلامی پیش بینی شده است.

او پیش بینی تسهیلات لازم برای واگذاری ۶۰۰ طرح نیمه تمام از محل تسهیلات صندوق توسعه ملی و بانک‌ها را از جمله مزیت‌های مهم این لایحه دانسته و تاکید کرده بود که تخصیص این تسهیلات می‌تواند این طرح‌ها را که از ضرورت و اهمیت بالایی برای کشور برخوردار هستند، با سرعت بیشتری به مرحله بهره برداری برسانند.

با توجه به اینکه هنگام تدوین لایحه بودجه سال ۹۶، رئیس جمهور آب را یکی از ۴ اولویت سال آینده دولت قرار داده بود و این امر نشان از اهمیت آب برای کشور داشت، انتظار می‌رفت که این رویکرد در بودجه سال ۹۶ نیز دیده شود. از افزایش ۲۵ درصدی بخش عمران شهری و توسعه آب و فاضلاب شهری از نتایج همین رویکرد در لایحه بودجه سال گذشته بود. ارقام قابل توجهی نیز برای نجات دریاچه ارومیه، توسعه سواحل مکران، تأمین آب و برق جزیره ابوموسی و رفع آلودگی رودخانه کارون در نظر گرفته شده بود.

در همین راستا «ستار محمودی» قائم مقام وزیر نیرو با ابراز خرسندی از افزایش بودجه در این زمینه عنوان کرده بود که نیازهای ما برای بخش آب و برق بالغ بر ۲۰۰ هزار میلیارد ریال در سال است که بخشی از این نیازها باید از طریق وام‌های بانکی، سرمایه‌گذاران بخش خصوصی، اوراق مشارکت و اسناد خزانه اسلامی تأمین شود.

با نگاهی به ردیف‌های بودجه روشن می‌شود که تقریباً تمام افزایش بودجه سال ۹۶ به بخش

آب اختصاص یافته است نه برق. در بخش برق و در برخی از ردیف‌های بودجه میزان اعتبارات کاهش پیدا کرده و در لایحه بودجه این سال برای بخش برق وابستگی چندانی به بودجه دولتی پیش بینی نشده بود. در واقع بخش بزرگی از تأمین مالی پروژه‌ها از محل فروش اوراق بهادار و اسناد خزانه و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی انجام می‌شد.

در همین راستا وزیر نیرو نیز با اشاره به این نکته که بسیاری از ردیف‌های بودجه مربوط به صنعت برق در لایحه بودجه ۹۶ کاهش یافته عنوان کرده بود که این مسأله تلنگری است برای شرکت‌های استانی در این صنعت که بایستی برای تأمین مالی پروژه‌های عمرانی خود به سراغ منابع جایگزین از جمله جذب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی بروند.

محل هزینه. درآمد زیرمجموعه‌های وزارت نیرو در سال ۹۶ همانند مصارف این درآمدها در سال ۹۵ است با این تفاوت که در بودجه سال ۹۶ یارانه انرژی یا همان تفاوت قیمت برق و سوخت نیروگاه‌ها، ۴۰ هزار میلیارد ریال پیش‌بینی شده و همچنین عوارض ۳۰ ریالی فروش برق به ۵۰ ریال افزایش یافته بود، که به سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی کشور، «ساتبا» تعلق می‌گرفت، هر چند بعدها رقم بسیار اندکی از این بودجه به ساتبا تخصیص داده شود.

نکته جالب دیگر در بودجه سال ۹۶ افزایش دوباره بودجه حوزه ستادی وزارت نیرو بود که مانند سال‌های گذشته باز هم ۲ برابر شد و ۱۶ هزار میلیارد ریال رسید.

اما واپسین لایحه بودجه‌ای که توسط دولت روحانی تدوین و تقدیم مجلس شد، لایحه بودجه سال ۱۳۹۷ بود. با اینکه «محسن بختیار»، معاون جدید برنامه ریزی و اقتصادی وزیر نیرو از افزایش اعتبارات این وزارتخانه و رسیدن به ۸۲ هزار میلیارد ریال در سال ۹۷ خبر داده بود، اما این مبلغ در لایحه پیشنهادی بودجه که توسط دولت برای تصویب به مجلس تقدیم شد جایی نداشت و برخلاف این پیشنهاد اعتبارات وزارت نیرو با کاهش ۱۴ درصدی روبرو شد و تنها نزدیک به ۶۵ هزار میلیارد ریال به این سازمان و زیرمجموعه‌های آن تخصیص پیدا کرد.

آنچه در ردیف‌های فرعی بودجه وزارت نیرو خودنمایی می‌کرد کاهش قابل توجه بودجه حوزه ستادی وزارت نیرو و افزایش بودجه برخی نهادهای زیرمجموعه است که در مورد اعتبارات ستادی بودجه این بخش پس از چند سال پی در پی که افزایش تصاعدی را تجربه

کرده بود، یکباره با کاهش ناگهانی و سقوطی شدید به میزان بودجه این حوزه در سال ۱۳۹۳ بازگشت و روی مبلغ ۳ هزار ۸۰۰ میلیارد ریال ایستاد. هنگامی که این روند با ردیف بودجه دیگر سازمان‌های دولتی مقایسه می‌شود، به نظر می‌رسد که دولت یک سیاست عمومی را در کاهش اعتبارات حوزه‌های ستادی در پیش گرفته است.

از جمله دیگر تغییرات موجود در لایحه بودجه سال ۹۷ بودجه پیشنهادی برای پژوهشگاه نیرو بود که در سال‌های گذشته همواره مبلغی تقریباً ثابت داشته است. در سال ۹۷ پژوهشگاه نیرو با رشدی بیش از ۱۰۰ درصدی بودجه‌ای برابر با ۸۵۵ میلیارد ریال دریافت کرد تا نشان دهنده دگرگونی رویکرد دولت در این حوزه باشد. در مورد بودجه موسسه تحقیقات آب نیز باید گفت که این سازمان پس از سال ۹۴ که با یک رشد ۲ برابری بودجه‌ای برابر ۳۸۰ میلیارد ریال به خود تخصیص داد، تقریباً دارای ردیف اعتباری ثابتی بوده که در سال ۹۷ نیز شاهد همین وضع هستیم. در ردیف اعتباری که برای خرید پساب تصفیه شده به وسیله بخش خصوصی پیش‌بینی شده است نیز افزایش یا کاهش محسوسی ایجاد نشده است. لیکن آنچه بیش از همه جلب توجه می‌کند بودجه ۲ سازمان بهره‌وری انرژی و انرژی‌های نو است که پس از چندی ثابت ماندن در بودجه سال ۹۶ حتی با کاهش نیز روبرو شد. اما در سال ۹۷ با درهم آمیختن این دو سازمان و پایه گذاشتن سازمان بهره‌وری انرژی و انرژی‌های تجدیدپذیر یا همان ساتبا، بودجه‌ای چشم‌گیر برای آن در نظر گرفته شد که با رشدی نزدیک به هزار درصدی به ۶ هزار ۷۶۰ میلیارد ریال رسید تا برای نخستین بار سهم سازمانی از این دست و همچنین فعالیت‌های پژوهشی مربوط به انرژی بخش قابل توجهی از بودجه وزارت نیرو را تشکیل دهد.

بر اساس آنچه که معاون برنامه ریزی و اقتصادی وزیر نیرو درباره توجه لایحه بودجه ۹۷ به توسعه انرژی‌های نو در کشور عنوان کرده بود، وزارت نیرو در اجرای برنامه ششم توسعه و سند ملی توسعه بخش انرژی کشور، افزایش ظرفیت نیروگاه‌های تجدیدپذیر با سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی را در دستور کار خود قرار داده و در این راستا با بهره‌گیری از ظرفیت‌های قانونی موجود و قانون تشکیل سازمان ساتبا، منابع مالی مطمئنی برای حمایت از انرژی‌های تجدیدپذیر





در لایحه بودجه سال ۹۷، پیش‌بینی شده و مانند سال‌های گذشته از هر کیلووات ساعت برق مصرفی عوارضی به این کار اختصاص خواهد یافت.

وی خاطرنشان کرد: این عوارض در سال ۹۷ به ازای هر کیلووات ساعت مصرف برق برابر با ۶۰ ریال پیشنهاد شده است که منابع حاصل تا سقف ۱۵ هزار میلیارد ریال برای توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر و تقویت شبکه برق روستایی هزینه خواهد شد که می‌تواند با افزایش گنجایش تولید برق تجدیدپذیر کشور از ۴۰۰ مگاوات به ۸۸۰ میلیون کیلووات ساعت برق در سال از تولید سالانه ۶۱۰ هزار تن آلاینده‌ها در هر سال جلوگیری و همچنین در مصرف ۲۲۰ میلیون مترمکعب سوخت معادل گاز طبیعی نیز صرفه جویی کرد.

در بودجه سال ۹۷ نیز مانند دو سال گذشته با پایین نگه داشتن اعتبارات فصل برق بر مشارکت بخش خصوصی و سرمایه خارجی و همچنین انتشار اوراق قرضه اسلامی تاکید شده است.

به هر حال و در یک نگاه کلی می‌توان گفت که با توجه به هزینه‌های ستادی وزارت نیرو که هر سال سفره دولتی خود را گسترده کرده است، شاید نتوان از بودجه مصوب انتظار بالایی داشت، زیرا بخش بزرگی از آن صرف هزینه‌های اجزای همین پیکره بزرگ می‌شود. در نتیجه نخستین گام برای اثربخشی بیشتر بودجه تعدیل نیروهای کار دولتی و خارج شدن دولت از بخش‌های نالازم است که شوربختانه ظاهر کار نشان دهنده آن است که به دلایل گوناگون چنین اقدامی در آینده نزدیک امکان‌پذیر نخواهد بود.

روی هم رفته باید گفت که اعتبار اختصاص یافته به بخش صنعت برق در بودجه وزارت نیرو رقم ناچیزی است. البته نباید از دولت انتظار بالایی داشت، لیکن اگر قرار بر این است که توسعه و بهبود صنعت برق به بخش خصوصی سپرده شود، دولت باید مدیریت آن را نیز به بخش خصوصی واگذار کرده و تنها به نظارت کلان بسنده کند. به دیگر سخن اگر دولت قصد ندارد پولی در این بخش هزینه کند باید به بخش خصوصی اجازه دهد تا توسعه و

قیمت‌گذاری کالا و خدمات بازار انرژی را بر پایه منطق و ضرورت‌های سرمایه‌گذاری خصوصی اداره و راهبری کند. در غیر این صورت تنها شاهد پایین ماندن بازده تولید در صنعت برق و انباشته شدن روزافزون بدهی دولت به بخش خصوصی خواهیم بود. نمی‌توان از سرمایه شخصی انتظار داشت که بدون داشتن هیچ اختیار و چشم‌اندازی از سودآوری، پول خود به سوی صنعت برق سرازیر کند تا دولت به دلخواه خود به بر پایه منافع مقطعی آن هزینه کند.

اینکه دولت به صنایع مربوط به آب و فاضلاب و اجرای طرح‌های عمرانی شبکه‌های آبرسانی و ... و بهبود میزان بهره‌وری در این بخش اهمیت می‌دهد بسیار خوب است و حتی می‌توان گفت که با توجه به اقلیم خشک کشور، قرار داشتن در دوره خشکسالی و شرایط بحرانی آب در منابع زیر و روسطوحی، این توجه باید بسیار بیش از این باشد. لیکن باید هوشیار بود که توجه به صنعت برق کشور نیز اهمیت ویژه خود را دارد و اگر به آن توجه نشود، در چند سال آینده باید منتظر بروز بحرانی همسنگ بحران آب در صنعت انرژی و برق کشور باشیم. این توجه حتماً نباید در افزایش اعتبار بودجه‌ای صنعت برق نمایان شود، لیکن اگر قرار بر این است که اعتبارات دولتی در این بخش افزایشی نداشته باشد، پس ناگزیر باید با حمایت‌های غیرمالی و نامستقیم و دادن آزادی و فضای حرکت بیشتر به بخش خصوصی آن را جبران کرد.

با توجه به شمار طرح‌های ناتمام در حوزه آب و برق باید گفت که به پایان رساندن همه این طرح‌ها با اعتبارات مصوب به سال‌ها زمان نیاز دارد و اگر این طرح‌ها به راستی با نیاز کشور هماهنگ بوده و برای توسعه ضروری هستند و از سوی دیگر دولت پولی برای به سرانجام رساندن آنها ندارد، باید هر چه سریع‌تر برای آنها چاره‌جدیدی اندیشیده و با واگذاری طرح‌های دارای توجیه به بخش خصوصی همراه با آزادی عمل برای این بخش و تمرکز

اعتبارات دولتی بر روی طرح‌های بدون توجیه اقتصادی اما ضروری برای کشور، در راستای تکمیل آنها تلاش کند و اگر این طرح ضروری و دارای منطقی روشن نیستند نیز بهتر است دولت شجاعانه، با قدرت و بدون ترس و در نظر گرفتن منافع بخشی و ملاحظات بی‌فایده همیشگی، رها کردن این طرح‌ها را اعلام کرده و با جلوگیری از نابودی پول شهروندان ایرانی، آن را برای مصارف حیاتی تری که کم هم نیستند ذخیره کند.

در مورد بخش‌های پژوهشی و پیشرو و افزایش بازده نیز باید گفت که حرکت دولت در اختصاص بیش از ۱۰ درصد بودجه وزارت نیرو با امور پژوهشی و اقدامات پیشرو و مدرن در حوزه انرژی، تدبیری بسیار درست و درخور شرایط روز کشور است که در کنار ایجاد آزادی عمل برای بخش خصوصی که موجب رونق گرفتن پژوهش با هزینه‌های غیر دولتی می‌شود، می‌تواند بسیاری از موانع و دشواری‌های پیش روی صنعت برق و انرژی را از میان بردارد. امید است که این رویکرد در بودجه سال ۹۸ و پس از آن نیز ادامه داشته باشد.

البته در مورد پایانی باید یادآور شد که هرچند این اقدام گامی مثبت به شمار می‌رود، لیکن اختراع چرخ و پی گرفتن فن‌آوری از آن دوره نیز اقدامی درست نیست و باید از تجربیات دیگران به خوبی بهره‌برداری شود. همچنین نیازی نیست که در همه حوزه‌ها وارد شده و هرچیزی را تولید کنیم. در واقع ضرورتی ندارد که بتوانیم همه کارها را انجام دهیم، تنها لازم است که در کاری که می‌توانیم انجام دهیم، بهترین باشیم. برخلاف تفکری که واردات و تکیه بر خطر خارجی را وابستگی دانسته و برای امنیت پرخطر می‌شمارد، باید گفت که بهره‌گیری شایسته از مزیت‌های نسبی و همکاری مؤثر با دیگرانی که تجربه و توان درخور دارند، ما را از هر زمانی قدرتمندتر خواهد ساخت. ■

بودجه‌ای ویژه ومه آلود

خود را در منابع و مصارف و بودجه سال آینده خواهد داشت. قطعاً ما بی ارتباط با دنیا نیستیم و برای فروش نفتمان باید با کشورهای دیگر در ارتباط باشیم و همچنین نیازهای قابل توجهی برای کشور ما از خارج وارد می شود.

رئیس سازمان برنامه و بودجه گفت: کشور ما ۵۰ میلیارد دلار صادرات نفتی و حدود ۵۰ میلیارد دلار صادرات غیر نفتی دارد؛ همچنین حدود ۴۵ میلیارد دلار واردات داریم و در مجموع حدود ۲۰۰ میلیارد دلار برای صادرات و واردات گره خورده با جهان هستیم به همین دلیل نمی توانیم ایزوله و بدون ارتباط با جهان باشیم.

وی افزود: با اعلام تحریم، وضعیت ما متفاوت است البته باید این را در نظر بگیریم که کشورهای دیگر برخلاف سال های گذشته در کنار کشور ما قرار گرفته اند. با توجه به شرایط تحریمی، بودجه ما باید با توجه به تحریم برنامه ریزی شود و ما امیدواریم در این زمینه موفق باشیم.

نوبخت در ادامه خاطرنشان کرد: دولت تا ۱۵ آذر موظف است که بودجه را به مجلس ارائه دهد و ما طبق برنامه زمان بندی باید از اول شهریور بودجه ریزی را آغاز کنیم اما با توجه به اینکه بودجه سال ۹۸ با توجه به شرایط داخلی و خارجی به مطالعه بیشتری نیاز دارد، تلاش کردیم زمان بیشتری را به انجام بررسی های لازم اختصاص دهیم.

رئیس سازمان برنامه و بودجه با اشاره به اینکه بودجه یک پیش بینی از منابع و مصارف است، گفت: سیاست های اقتصاد مقاومتی مبنای عمل ماست. ما در شرایطی هستیم که پیش بینی برای سال آینده کار سخت و خطیری است و بودجه سال آینده باید دقیق تهیه شود.

رئیس سازمان برنامه و بودجه گفت: هر برنامه و سیاستی را

پانزدهم آذر ماه ۹۷ فرصت قانونی دولت برای تقدیم لایحه بودجه به مجلس شورای اسلامی است. بودجه سال ۹۸ بی شک پرایهام ترین بودجه سالیان متمادی کشور است. نبود ثبات اقتصادی، فراز و فرودهای غیرقابل پیش بینی نرخ ارز، تورم، رکود و تحریم هایی که موج تازه آن در راه است، بدون شک دست دولت را برای تدوین یک لایحه دقیق می بندد. اینکه پس از اعمال تحریم های نفتی آمریکا فروش نفت ایران تا چه حد کاهش خواهد یافت و طرف های تجاری کشورمان تا چه اندازه به وعده و وعیدهایشان در خصوص بی توجهی به این تحریم ها، عمل خواهند کرد، مساله ای نیست که برای دولت قابل پیش بینی باشد.

لذا فضای مه آلود بودجه ۹۸ ابدا دور از ذهن به نظر نمی رسد. محمدباقر نوبخت، رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور هم ضمن اشاره به اینکه دولت تلاش می کند بر اساس آنچه که در شش ماهه اول امسال بر درآمدها و هزینه های کشور گذشته، بودجه سال آتی را پیش بینی کند، تاکید کرده که تحریم ها اجازه نمی دهند که فضای شفاف برای انجام پیش بینی های دقیق پیش روی دولت باشد. آنچه در پی می آید گزیده ای از سخنان محمدباقر نوبخت با رسانه های مختلف از جمله واحد مرکزی خبر، ایرنا، تسنیم و خانه ملت است که اقدامات دولت برای تدوین لایحه بودجه سال آینده را به تصویر می کشد؛

رئیس سازمان برنامه و بودجه در خصوص بودجه سال ۹۸ با تاکید بر اینکه سال آینده با توجه به شرایط داخلی و بین المللی و انتظارات مردم سال استثنایی است، خاطرنشان کرد که بودجه سال آینده ویژه خواهد بود.

محمدباقر نوبخت افزود: ما قطعاً بیش از گذشته نیازمند ثبات در کشورمان هستیم و تکانه های سیاسی و بین المللی اثر



هر برنامه و سیاستی را که بخواهیم اجرا کنیم باید منابع و مصارف آن مشخص باشد. بودجه سال ۹۸ با توجه به شرایط داخلی و بین المللی و انتظارات مردم یک بودجه ویژه خواهد بود و سال آینده یک سال استثنایی است



وی با بیان این که ما در مراحل پایان کار لایحه بودجه هستیم، ادامه داد: در مراحل پایان کار لایحه بودجه قرار داریم و بعد باید آن را به دولت بدهیم، فرآیندی هم در دولت باید انجام شود و پس از آن به مجلس تقدیم می شود.

رئیس سازمان برنامه و بودجه تاکید کرد: دستگاه ها و همچنین کمیسیون ها علاقه مند هستند که بدانند که چه مقدار از ماموریت دستگاه ها باقی مانده است که باید آن را در بودجه ۹۸ که الان در دست تهیه است، به انجام برسانیم.

نوبخت با تاکید بر این که تا الان مشکلی برای این که بودجه در ۱۵ آذر ماه تقدیم شود نداشته ایم، ادامه داد: طی پنج سال گذشته فقط یک سال آن هم به دلیل مسائل سیاسی و برجام ما منتظر ماندیم تا اجرایی شود بعد بودجه را تقدیم مجلس کردیم در دولت یازدهم و دوازدهم دقیقاً در همان وقت قانونی ۱۵ آذرماه بودجه را تقدیم مجلس کرده ایم. امسال هم خودمان را آماده کرده ایم تا بودجه همان زمان مشخص تقدیم شود.

رئیس سازمان برنامه و بودجه با اشاره به ماده یک قانون محاسبات عمومی، تصریح کرد: با توجه به تعریفی که ماده یک قانون محاسبات عمومی و بودجه دارد و بودجه را یک پیش بینی از منابع و مصارف می داند؛ از الان ما برای سال آینده آن هم در شرایط تحریمی پیش بینی می کنیم که دقیقاً چقدر نفت خواهیم فروخت و قیمت هر بشکه نفت چقدر خواهد شد با توجه به تلاطمی که در فضای بین المللی وجود دارد، کار دشواری است اما ما تلاش می کنیم تا آن جا که امکان دارد با دقت ارزیابی کرده و امیدواریم که با همه این اتفاقات به وقت بودجه را تقدیم مجلس کنیم. ■

که بخواهیم اجرا کنیم باید منابع و مصارف آن مشخص باشد و بودجه سال ۹۸ با توجه به شرایط داخلی و بین المللی و انتظارات مردم یک بودجه ویژه خواهد بود و سال آینده یک سال استثنایی است.

وی ضمن تاکید بر اینکه نیمی از سال ۹۷ گذشته و ۵۰ درصد بودجه قابل ارزیابی است، خاطر نشان کرد: بودجه ۳۸۶ هزار میلیارد تومانی عمومی کشور در بین دستگاه های مختلف اجرایی کشور (حدود ۳۱ دستگاه) توزیع می شود.

نوبخت اظهار داشت: هر کمیسیونی به اقتضای دستگاه های اجرایی که با آنها مرتبط است علاقه مند است بدانند در شش ماه نخست چه سهمی را دستگاه های مرتبط از بودجه و منابع داشته است.

رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور با بیان این که ما از بودجه ۳۸۶ هزار میلیارد تومانی در نیمه اول سال ۹۷، بالغ بر ۱۵۴ هزار میلیارد تومان از محل مالیات ها، فروش نفت و واگذاری اوراق مالی درآمد داشته ایم، ادامه داد: این درآمدها به تفکیک هر کدام از مالیات ها ۶۳ هزار میلیارد تومان، نفت ۶۳ هزار میلیارد تومان و اوراق مالی نیز ۲۷ هزار میلیارد تومان بوده، البته ۶ هزار ۸۰۰ میلیارد تومان از اوراق بند (ز) است.

وی با بیان این که ۷ هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان هم توانسته ایم از تنخواه در بانک مرکزی استفاده کنیم، گفت: جمع ۱۶۸ هزار میلیارد تومان توزیع شد و از این ارقام ۱۳۶ هزار میلیارد تومان برای هزینه ای، ۲۷ هزار میلیارد تومان برای طرح های عمرانی و ۵ هزار میلیارد تومان هم برای خرید اوراق سررسید شده بوده است که البته ۲۷ هزار میلیارد تومان مربوط به مسایل عمرانی است؛ در سال گذشته این موقع ۷ هزار میلیارد تومان بود که از نظر طرح های عمرانی قابل توجه است.

انتظارات بهارستانی‌ها از بودجه ۹۸

این روزها که لایحه بودجه ۹۸، آرام آرام به داغترین بحث این روزهای اقتصاد کشور بدل می شود، شاید بهترین فرصت برای بررسی بایدهای بودجه ای است که قرار است سرنوشت اقتصادی یک سال آینده کشور را رقم بزند.

بدون تردید در شرایط دشوار کنونی که هنوز قیمت ارز به نقطه آرامش قابل انتظار نرسیده، رکود ریشه هایش را در خاک کشور مستحکم تر کرده، لایه های فساد در بخش های مختلف خود را به رخ مردم و مسئولین می کشند، کمبود نقدینگی مانند موربانه به جان پایه های اقتصادی و اجتماعی کشور افتاده و تحریم های آمریکا باب تازه ای از بحران را بر اقتصاد ایران گشوده است، بودجه شاید بتواند در مقطعی یک ساله بخشی از این مشکلات را به سمت تسهیل هدایت کند. مسلم است که دولت به عنوان مهمترین رکن تدوین بودجه، بیشترین اثربخشی در این حوزه را دارد اما به هر حال مجلس نشینان هم که عهده دار بررسی و تصویب این بودجه هستند، سهم کمی در این پروسه ندارند.

این روزها، درست کمتر از یک ماه مانده تا تقدیم لایحه بودجه به مجلس شورای اسلامی در این نگاهت نگاهی به بایدها و نبایدهای بودجه از دید نمایندگان مجلس خواهیم داشت. اینکه در تفکر نمایندگان پارلمان ایران می گذرد، بی شک تاثیری غیرقابل چشم پوشی بر قانون بودجه سال آتی خواهد داشت. گفتنی است، گفتگوها برداشتی از سایت خانه ملت هستند؛

اولویت های تدوین بودجه ۹۸

حمدالله کریمی عضو کمیسیون اقتصادی مجلس، درباره تدوین بودجه سال ۹۸ گفت: به طور طبیعی با توجه به تحریم های آمریکا و تداوم



کارشکنی های این کشور برای ایجاد مشکل در زمینه فروش نفت جمهوری اسلامی ایران احتمال کاهش درآمدهای نفتی در سال ۹۸ وجود دارد. بنابراین باید در تدوین بودجه سال آینده مسائل مذکور باید لحاظ شود.

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی ادامه داد: مدیریت هزینه ها در تدوین بودجه سال ۹۸ باید به صورت جدی مدنظر مسئولان قرار بگیرد. همچنین باید نسبت بالایی هزینه های جاری به هزینه های عمرانی کنترل شود و این وضعیت تغییر کند.

نماینده مردم شهرستان بیجار گروس در مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: بحث محاسبه نرخ ارز در بودجه یکی از نکات حساس بودجه سال آینده است و پیش بینی های محاسباتی در این زمینه نباید به مانند بودجه ریزی سال ۹۷ باشد به نحوی که در حال حاضر نرخ ارز بازار با نرخ ارز براساس بودجه بسیار متفاوت است. کریمی در ادامه اذعان کرد: تقویت تولید، اشتغالزایی، رونق بازار سرمایه و نیز سرمایه گذاری برای اجرای طرح های آبیاری نوین در بخش کشاورزی از محورهای مهمی است که در بودجه سال ۹۸ باید مدنظر باشد.

این نماینده مردم در مجلس دهم گفت: رشد درآمدهای مالیاتی در صورتی قابل قبول است که این درآمد از محل جلوگیری از فرارهای

مالیاتی حاصل شود. بنابراین باید مبنای مذکور در بودجه نویسی مدنظر قرار بگیرد.

وی یادآور شد: در قانون بودجه سال ۹۷ باید اجازه داد از ظرفیت بخش خصوصی برای اتمام پروژه های نیمه تمام استفاده شود، اما در عمل این مهم، خیلی اجرایی نشده بنابراین باید در بودجه سال ۹۸ به موضوع مذکور توجه جدی شود.

لزوم تدوین بودجه سال ۹۸ بامحوریت رونق تولید

رحیم زارع، سخنگوی کمیسیون ویژه حمایت از تولید ملی مجلس شورای اسلامی در خصوص الزامات بودجه سال ۹۸ گفت: تدوین لایحه



بودجه سال آینده با توجه به اتفاقات سیاسی و کارشکنی های آمریکایی ها شرایط خاص خود را دارد و باید به تمامی جوانب اقتصادی در بودجه نویسی سال ۹۸ توجه جدی شود.

وی ادامه داد: دشمنان قصد دارند کسب درآمدهای ارزی کشور را با مسئله روبرو کنند بنابراین باید برای تمامی سناریوهای دشمنان، برنامه ریزی شود تا کسب درآمدهای ارزی با مساله روبرو نشود.

نماینده مردم مردم آباده، بوانات و خرم بید در مجلس شورای اسلامی، افزود: در تدوین لایحه بودجه سال ۹۸، بدهی است باید کاهش نسبت بودجه های جاری به عمرانی و واگذاری پروژه های به بخش خصوصی در اولویت باشد البته در بودجه سال ۹۷ به بحث واگذاری پروژه های عمرانی نیمه تمام توجه شد، اما باید پذیرفت





قابل توجهی از نقدینگی سرگردان به بخش های مذکور هدایت شود.

این عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی یادآور شد: با توجه به بررسی موضوع واگذاری پروژه های نیمه تمام به بخش خصوصی در شورای هماهنگی اقتصادی قوا باید در تدوین بودجه سال ۹۸ نیز شرایطی فراهم شود که پروژه های نیمه تمام به بخش خصوصی واگذار شود چرا که با انجام این مهم، حتی برای دولت درآمدهای جدیدی به دست می آید.

جایگزینی اسناد خزانه اسلامی

محمد حسینی در خصوص بودجه سال آینده گفت: براساس روند بودجه نویسی در کشور، دولت باید لایحه بودجه سال آینده را تا آذرماه سال جاری تقدیم مجلس شورای اسلامی کند. عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی، افزود: ستاد بودجه در مرداد و شهریور هر سال باید اقدامات لازم را برای تدوین بودجه سال آینده انجام دهد و در این راستا باید پیش بینی های لازم را مدنظر قرار دهد.



نماینده مردم تفرش، آشتیان و فراهان در مجلس شورای اسلامی، تصریح کرد: در تدوین بودجه سال آینده باید به وضعیت فعلی اقتصاد توجه شود در این راستا تدابیری برای برون رفت از وضع موجود اتخاذ شود.

حسینی همچنین خاطرنشان کرد: هزینه های جاری در بودجه سال ۹۸ باید کاهش یابد همچنین از شروع طرح های جدید خودداری کرد نکته دیگر اینکه باید مشوق های مانند معافیت مالیاتی برای حضور بیشتر بخش خصوصی در انجام پروژه های عمرانی تعریف کرد.

عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی، با بیان اینکه بودجه سال ۹۸ باید با لحاظ اسناد بالا دستی تدوین شود، افزود: پیشنهاد می شود دولت به جای فروش اسناد خزانه در بودجه سال آینده حدود ۳۰ الی ۴۰ هزار میلیارد تومان از منابع بانک ها در قالب تسهیلات صرف طرح های عمرانی در حوزه های مانند ریل و جاده کند. ■

کشور توجه جدی شود به طور مثال برای کسب درآمدهای بیشتر نمی توان فشار مالیاتی به تولیدکنندگان و اقشار ضعیف جامعه وارد کرد؛ بلکه باید دامنه مالیات ها را با جلوگیری از فرارهای مالیاتی گسترش داد.

وی اذعان داشت: در بحث فروش اوراق بدهی دولتی در بودجه سال ۹۸ باید حساب و کتاب اصطلاحا درست باشد. نباید با استفاده از ابزار اوراق بدهی، دولت های آینده را بدهکار کرد نکته دیگر اینکه نباید بحث بازخرید اوراق فراموش شود.

اعطای پروژه های نیمه تمام به بخش خصوصی

علی اکبر کریمی هم در خصوص الزامات بودجه سال ۹۸ گفت: لایحه بودجه سال آینده کشور باید با توجه به آثار احتمالی تحریم ها تدوین شود به نحوی که اداره مالی کشور با مشکل روبرو نشود.



عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، ادامه داد: با توجه به احتمال کاهش درآمدهای نفتی در سال آینده باید سیاست های اقتصاد مقاومتی مبنای اصلی تدوین لایحه بودجه سال ۹۸ باشد و براساس درآمدهای واقعی، هزینه های پروژه های مختلف تعریف شود.

کریمی در ادامه تصریح کرد: در کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی کار بررسی لایحه اصلاح قانون مالیات برارزش افزوده در مراحل پایانی است و پیش بینی می شود که این لایحه تا پایان سال جاری در مجلس نهایی شود بنابراین در تدوین لایحه بودجه سال ۹۸ باید به بحث درآمدهای حاصل از مالیات بر ارزش افزوده نیز توجه شود.

نماینده مردم اراک، کميجان و خنداب در مجلس شورای اسلامی ادامه داد: در تدوین لایحه بودجه سال ۹۸ باید تدابیری اندیشیده شود که نقدینگی به سوی تولید و اشتغالزایی هدایت شود.

وی افزود: در بخش های نفت و گاز، مسکن و حمل و نقل ظرفیت های خوبی برای توسعه و سرمایه گذاری وجود دارد؛ بنابراین در بودجه سال ۹۸ باید شرایطی فراهم شود که بخش

انجام این مهم در عمل خیلی اجرائی نشد. زارع در ادامه با تاکید بر توجه به بهبود فضای کسب و کار و رونق تولید در تدوین لایحه بودجه سال ۹۸، تصریح کرد: باید در بودجه سال ۹۸ سیاست های اقتصاد مقاومتی و برنامه ششم توسعه مورد توجه جدی قرار بگیرد.

سخنگوی کمیسیون ویژه حمایت از تولید ملی مجلس شورای اسلامی، یادآور شد: مدیریت نقدینگی، ارتقای معیشت خانوارها، تقویت زیرساخت های حمل و نقل و رونق تولید مسکن، ساماندهی بازار ارز، تسهیل صادرات و توجه به موضوع محیط زیست و کم آبی و مدیریت منابع آبی کشور از نکات مهمی دانست که در تدوین لایحه بودجه سال ۹۸ باید مورد توجه قرار بگیرد.

پیش بینی نرخ ارز بر اساس واقعیت در بودجه ۹۸

محمد حسن نژاد، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس هم درباره تدوین بودجه سال آینده گفت: بودجه حساب دخل و خرج یک سال دولت است بنابراین بودجه باید براساس واقعیت ها تدوین شود. پیش بینی دقیق از میزان فروش نفت در سال آینده با توجه به تحریم های دشمنان یکی از نکات مهمی است که باید در تدوین بودجه سال آینده لحاظ شود.

این عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی ادامه داد: یکی از مشکلات بودجه نویسی کشور این است که ابتدا به هزینه ها توجه می شد و بعد موضوع درآمدها مورد توجه قرار می گرفت. این در حالی است که باید اداره امور کشور براساس درآمدها انجام شود.



نماینده مردم مرند و جلفا در مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: قیمت و میزان فروش نفت و نرخ تبدیل ارز حاصل از فروش نفت باید در تدوین بودجه سال ۹۸ به صورت جدی مورد توجه قرار بگیرد اینکه به طور مثال قیمت هر دلار در بودجه حدود ۳۵۰۰ تومان تعیین شود در حالیکه قیمت ارز در بازار آزاد تا بیش از ۷۰۰۰ تومان خرید و فروش شود، غیرمنطقی است و به نوعی نظم مالی کشور را با مسئله روبرو می کند.

حسن نژاد در ادامه خاطرنشان کرد: در تدوین بودجه سال ۹۸ باید به واقعیت های اقتصادی

گفت و گو



رابطه دولت و تشکل‌های صنفی تعریف نشده است



بازاری‌های سنتی کم‌جای خود را به بازاری‌های مدرنی داده‌اند که مجوز فعالیتشان را از صنف‌ها و اتحادیه‌ها می‌گیرند. بیشتر صاحبان واحدهای صنفی که به اجبار قانون به تشکل صنفی خود مراجعه می‌کنند، نقشی در سیاستگذاری‌های کلانی که باید از آن تبعیت کنند، ندارند. از یک سو ضعف در تشکیل تشکل‌های اقتصادی در ایران و از سوی دیگر عدم خودآگاهی طبقاتی این طبقه نوظهور اقتصادی باعث شده است نتوان از تمام ظرفیت‌های تشکل‌های کسب و کار به‌عنوان یک نهاد مدنی استفاده کرد. با علیرضا سیاسی راد، عضو هیأت‌مدیره صندوق بازنشستگی کشوری درباره مسیری که این تشکل‌ها پس از انقلاب طی کرده‌اند، موانع و مشکلات شکل‌گیری آنها برای تبدیل به بازوی تأثیرگذار در سیاست‌های اقتصادی و تبدیل شدن به طبقه اجتماعی به گفت‌وگو نشستیم.

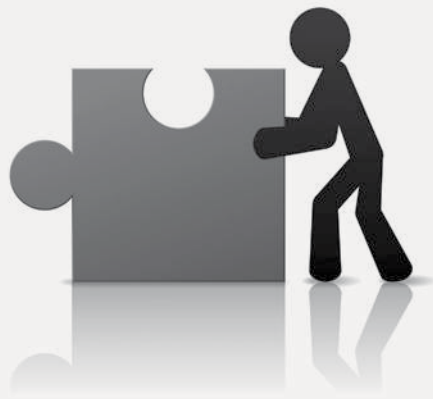
داوطلبانه است و نظام خودتنظیمی جدی‌تری به نسبت تشکل‌هایی که در سیستم اصناف و نظام حرفه‌ای شکل گرفته است، دارند.

چرا قدرت گرفتن و فعالیت تشکل‌های حوزه کسب و کار اهمیت دارد؟

تشکل‌های اقتصادی برای شکل‌دهی به منابع قدرت اجتماعی به لحاظ توانمندسازی جامعه در مقابل سایر قدرت‌های اجتماعی و سیاسی اهمیت دارند. آنها می‌توانند منافع بخش زیادی از جامعه را به شکل اصولی نمایندگی کنند؛ چیزی که ایران هنوز در آن مشکلات جدی دارد. ممکن است در ایران کسب و

آیا تشکل‌های حوزه کسب و کار با سایر تشکل‌های مدنی تفاوت دارند؟

انجمن‌های کسب و کار، عمدتاً به تشکل‌های کارفرمایی، کنفدراسیون‌های کارفرمایی، انجمن زنان کارآفرین، تشکل‌های صنفی و... اطلاق می‌شود. این انجمن‌ها بر بنگاه‌های اقتصادی یا منافع افراد خاص متمرکز هستند. در واقع تشکل‌های اقتصادی ایران زیرمجموعه ۳ بخش مجزا از هم، اتاق بازرگانی ایران، تشکل‌های وابسته به اتاق اصناف و تشکل‌هایی که در وزارت کار به‌صورت تشکل‌های کارفرمایی ثبت شده‌اند، قرار دارند. عضویت در بخشی از آنها که وابسته به اتاق بازرگانی هستند به‌صورت



شوند و نظرات خود را مطرح کنند و هزینه‌های فعالیت اجتماعی‌شان در حوزه سیاسی کاهش پیدا کند.

مراحل بعدی تحول در گسترش تشکل‌های کارفرمایی چیست؟

مرحله دوم توسعه فعالیت تشکل‌های کارفرمایی در ایران مربوط به موضوع دسترسی و نهادینه شدن ارتباط دولت با بخش خصوصی است. در تمام دوران مشروعیت‌یابی نیز این ارتباط وجود داشته است اما این ارتباط عموماً به صورت تصادفی و مبتنی بر ارتباطات فردی در فضای کسب و کار بوده است. عموماً رهبر کسب و کار معتبری وجود داشته است که دولت مشورت گرفتن با او را در دوره‌ای مفید می‌دانسته است. می‌دانید که اتاق بازرگانی ایران بعد از انقلاب از دل یک نظام انتخاباتی، سازمان نیافته است، بلکه کاملاً مبتنی بر اعتبار فعالان اقتصادی بازار آن زمان که مورد اعتماد رهبرانقلاب بودند، راه‌اندازی می‌شود. آنها به اعتبار شخصی خود، مانع از بین رفتن یکی از معتبرترین ظرفیت‌های بخش خصوصی می‌شوند. تا زمان اصلاح قانون اتاق بازرگانی و امکان به وجود آمدن ساختار انتخاباتی حدود ۱۰ سال به همین وضعیت سپری می‌شود. مسئله دسترسی و تضمین ارتباط سازمان یافته، قابل پیش‌بینی و نهادینه شده بخش خصوصی با دولت، ناشی از همت دهه ۸۰ بخش خصوصی است.

چنین ارتباط فردی چه معضلاتی برای نظام اقتصادی کشور می‌تواند ایجاد کند؟

ارتباط‌های فردی، شرایط ایجاد فسادهای زیادی را فراهم می‌کند. مهم‌ترین تقاضای فعالان حوزه اقتصادی از تشکل صنفی در همه جای دنیا به خصوص در ایران که نقش دولت در دولت گسترده است، لابی، مذاکره و ارتباط با دولت است؛ وقتی ارتباط مورد نظر وابسته به «فرد» باشد با کوچک‌ترین تغییر در دولت یا نهاد سیاستگذار مجلس، تمام کانال‌های ارتباطی با دولت قطع می‌شود. این روش پیامد زبان‌آور دیگری نیز داشت که روی فاسد کردن تشکل‌ها متأسفانه بسیار مؤثر بود؛ مثلاً رهبری یک تشکل که ارتباطات محکمی در مجلس و دولت داشت، همیشه می‌توانست تشکل را به سمت تشکل رانتی سوق دهد؛ یعنی انجمنی که از طریق رهبرانش امتیازاتی می‌گرفت و به شکل گزینشی بین اعضای خود آن رانت را تقسیم می‌کرد، در مقابل نیز از اعضای خود امتیاز می‌گرفت؛ برای همین لااقل

کارهایی وجود داشته باشد که اصلاً نماینده‌ای برای مذاکره با دولت نداشته یا فعالان اقتصادی باشند که صدایشان به درستی شنیده نشود یا اینکه در کسب و کارهای مشخص نماینده‌هایی به صورت موازی فعالیت کنند. بنابراین سازماندهی تشکل اقتصادی در ایران یک چالش عمده پیش روی فعالان اقتصادی طی سال‌های متمادی بوده است. به عبارت بهتر در شرایطی که سایر عوامل انسجام‌دهنده مانند سنت، مذهب، زبان، حکومت و... در مقابل تأثیرات بیرونی و درونی دائماً در حال تغییرند، این تشکل‌ها و سایر نهادهای جامعه مدنی، کمک می‌کنند که شما امکان جدیدی از انسجام اجتماعی به دست بیاورید و علاوه بر افزایش امنیت ملی، مشارکت واقعی مردم در حوزه سیاستگذاری را نیز افزایش دهید. پیچیدگی‌های حوزه سیاستگذاری عمومی و شکل‌گیری نظام تقسیم کار جدید، اقتضا می‌کند که گروه‌های مختلف اجتماعی در قالب «سازمان‌های نمایندگی»، حضور داشته باشند؛ چون امکان سیاستگذاری از بالا به پایین آنچنان که در گذشته وجود داشت دیگر وجود ندارد.

یعنی دورانی که تشکل‌های اقتصادی توان مذاکره با دولت را نداشتند یا دولت آنها را به رسمیت نمی‌شناخت، تمام شده است؟

بخش‌هایی از حکومت ممکن است مقاومت‌هایی بروز دهند اما رفتار نظام سیاسی نشان می‌دهد که سطحی از تکرار تشکل‌ها و مشارکت آنها در سیاستگذاری عمومی به خصوص در تشکل‌های اقتصادی به رسمیت شناخته شده است. برای رسیدن به این نقطه ۳ دوره مهم در تحولات مربوط به رابطه بخش خصوصی با دولت پس از انقلاب قابل تشخیص است. معمولاً در اوایل شکل‌گیری و توسعه تشکل‌های صنفی و اساساً تشکیل هر تشکلی (نه فقط در ایران)، نمایندگان کسب و کار با مسئله مهم مشروعیت‌یابی از سوی دولت، فعالان صنف و جامعه مواجهند. با تغییر حکومت و تشکیل دولت پس از انقلاب کل بخش خصوصی ایران بیش از یک دهه با چالش مشروعیت مواجه شد؛ آنها تلاش بسیاری کردند تا به لحاظ ذهنی و سپس به صورت عینی بر موانع کسب و کار خصوصی در ایران غلبه کرده و از تعقیب منافع خرد به سمت فعالیت جمعی و تشکل‌یافته حرکت کنند. حدود ۱۵ سال طول کشید تا تشکل‌های کارفرمایی بتوانند از موقعیت اجتماعی نسبتاً باثباتی برخوردار شده و در حوزه عمومی فعال

مهم‌ترین تقاضای فعالان حوزه اقتصادی از تشکل صنفی در همه جای دنیا به خصوص در ایران که نقش دولت در دولت گسترده است، لابی، مذاکره و ارتباط با دولت است؛ وقتی ارتباط مورد نظر وابسته به «فرد» باشد با کوچک‌ترین تغییر در دولت یا نهاد سیاستگذار مجلس، تمام کانال‌های ارتباطی با دولت قطع می‌شود



دولت چیست؟

اگر ارتباط دولت و بخش خصوصی نهادمند شود و تشکل‌های اقتصادی بتوانند نهاد قدرتمند تشکیل دهند و منابع مالی را تجمیع کرده و کار پژوهشی انجام دهند، می‌توانند بر سیاست‌گذاری‌های کلان مؤثر باشند. اگر مرحله دوم توسعه تشکلی بخش خصوصی ایران را ارتباط نهادمند بدانیم در گام سوم، ارتباط نهادمند ساختاریافته بخش خصوصی با دولت نیازمند ۲ ویژگی اساسی است تا منجر به نتیجه مطلوب شود. منظور از نتیجه پاسخ دادن به این سؤال است که چرا تصمیمات و مشاوره‌ها کیفیت ندارند؟ نخستین ویژگی «بالا بودن سطح هماهنگی» است. اساساً تصمیمات اقتصادی همیشه با تعارض منافع گسترده مواجه است؛ هر تصمیم اقتصادی که دولت می‌گیرد، برای عده‌ای باعث ایجاد منافع و برای دیگران باعث جابه‌جایی منافع می‌شود، بدون یک نظام نمایندگی و هماهنگی تعریف شده و مستحکم، گروه‌های سیاسی ذی‌نفع می‌توانند از دل یک ارتباط سازمان‌یافته با دولت منافع عده‌ای خاص را دنبال کنند و بخشی دیگر از بازی حذف شوند؛ بنابراین تکمیل فرایند هماهنگی در تشکل‌های اقتصادی بسیار اهمیت دارد. دومین ویژگی مهم توسعه تشکلی، «کیفیت اطلاعات» است که در اختیار دولت قرار می‌گیرد. تولید این اطلاعات بی‌تردید به پشتوانه کارشناسی جدی نیاز دارد. علاوه بر آن تحلیل بخش خصوصی از سیاست‌های دولت نمی‌تواند مبتنی بر تجربیات فردی باشد. تشکل‌های صنفی کارفرمایی باید بین منافع محدود صنفی با منافع عمومی ارتباط برقرار کنند و مابقی افراد جامعه نیز باید پذیرند که آنچه شما می‌گویید به مصالح ملی نزدیک‌تر است.

ولی عملاً ما در تشکل‌های اقتصادی شاهد تولید اطلاعات باکیفیت نیستیم. فقط ۵ تشکل اقتصادی در ایران گرید یک را دارند و می‌توانند چنین اطلاعاتی تولید کنند.

تشکل‌های صنفی اقتصادی طیفی هستند و برخی از آنها پروژه‌های پژوهشی خوبی انجام داده‌اند. تشکل‌های قوی صنفی منابعی دارند که می‌توان از آن برای پژوهش استفاده کرد. اگر این منابع شکل نگیرد، کیفیت اطلاعاتی که تولید می‌شود، مثل همان است که خود سیاستگذار دارد و عملاً نمی‌تواند به تولید تصمیم درست کمک کند. رفتن به سمت انجمن‌های غیرکاغذی، تشکل‌هایی که قادرند تعدادی زیادی از فعالان صنعت را سازماندهی

یکی از دلایل پایین بودن گردش نخبگان در تشکل‌های صنفی ما همین بود و اعضا دائماً نگران بودند که با تغییر رهبر تشکل، ارتباط‌ها و رانت‌ها از بین برود.

پس نحوه شکل دهی به رابطه کسب و کار و دولت در ایران، ناشی از یک تلاش فردی و رانتی است؟

تا حدودی بله، رابطه دولت با بخش خصوصی رابطه تعریف شده‌ای نیست. ممکن است یک شرکت با بالاترین مقام سیاست‌گذاری در دولت بنشیند و در مورد موضوعی تصمیم‌گیری کند که در جاهای دیگر دنیا اصلاً اینگونه نیست؛ دولت نرمال با نمایندگان اصنافی مذاکره می‌کند که ارتباطشان با اعضا محکم است و آنها حتماً از تعداد زیادی از فعالان صنف نمایندگی می‌کنند. این وضعیت با وجود بهبودهای چشمگیر، همچنان برقرار است؛ یعنی هنوز با صنف‌هایی در ایران مواجهیم که دامنه شمول عضویت بسیار پایینی دارند. نمایندگان تشکل‌های صنفی از دل یک الزام حقوقی و نهادی دمکراتیک که به وجود نیامده بودند؛ همین که بتوانند یک مجمع عمومی تشکیل دهند و بگویند ما یک صنف هستیم، کافی بود. رهبران تشکل‌ها در آن زمان، پس از به قدرت رسیدن جلوی عضویت اعضای جدید و برگزاری مجمع عمومی را می‌گرفتند یا در اساسنامه تغییراتی می‌دادند که برخی از اعضا به صورت مادام‌العمر بر مسند باقی بمانند. این وضعیت با تغییراتی که در اتاق بازرگانی در دهه ۸۰ صورت گرفت و تصویب قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار و اجرای چند پروژه ظرفیت‌سازی تشکل‌های اقتصادی در اتاق بازرگانی تا حدودی بهبود پیدا کرد؛ یعنی الان نمی‌توانید تشکلی بسازید که در آن مجمع عمومی به صورت صوری برگزار شود یا تشکل کاغذی باشد. به همین دلیل ساختارهایی که باعث ایجاد انجمن‌های قدرتمندی شود که تولید اطلاعات باکیفیت می‌کند، نداشتیم.

منظوران از اطلاعات باکیفیت چیست؟

شما وقتی می‌خواهید در بهبود کیفیت تصمیمات سیاستگذاران مؤثر باشید باید اظهارنظرهایتان مبتنی بر پژوهش‌های حرفه‌ای و تحلیل‌های دقیق و دست اول باشد. تولید چنین اطلاعاتی کار تشکل فردمحور و کاغذی نیست.

مرحله سوم در رابطه بخش خصوصی با

کنند، نظام حکمرانی خوب را درست اعمال کنند و... به طوری که شرکت‌های بزرگ صنعت حاضر باشند عضو آن تشکل صنفی شوند، مهارت کارهای داوطلبانه داشته باشند و از یک رهبری دمکراتیک برخوردار باشند، یک ضرورت است.

دولت کدام را ترجیح می‌دهد؟ اینکه با یک فرد طرف باشد یا یک تشکل نیمه‌موفق؟

به لحاظ آماری، رفتار و تمایل دولت، آرام‌آرام به سمت پذیرفتن تشکل‌ها مخصوصاً در حوزه تشکل‌های اقتصادی در حال تغییر است. بیشترین افزایش آمار تشکل صنفی در دولت احمدی‌نژاد بوده است؛ هر چند او به صورت استراتژیک با این موضوع مخالف و اساساً رویکردش ایجاد جامعه توده‌ای بود، ولی با وجود این موضوع نیازهای دولت برای ارتباط سازمان‌یافته با فعالان اقتصادی و نیاز فعالان اقتصادی به سازمان‌یابی صنفی باعث شد از سال‌های ۸۸ به بعد با یک جهش جدی برای تشکل‌یابی در بخش خصوصی مواجه شویم؛ مثلاً در اوایل دهه ۸۰ تشکل‌های اتاق بازرگانی حدود ۵۰ تشکل بود اما الان به ۲۰۰ تشکل ملی و همین حدود تشکل استانی در حوزه‌های مختلف اقتصادی رسیده است. این فرایند همچنان ادامه دارد و هیچ مانعی بر سر راهشان وجود ندارد. قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار که نقطه عطف در ارتباط دولت با بخش خصوصی بود با مخالفت دولت دهم و با همت مجلس تصویب شد. دست‌کم نظام سیاسی پذیرفته است که در حوزه‌های اقتصادی فرایند تشکل‌یابی و مشارکت بخش خصوصی در سیاست‌گذاری عمومی را به رسمیت بپذیرد. ترجیح حکومت بر این است که مسیرهای ارتباطش با جامعه تا حد ممکن کانالیزه شود. البته این رویکرد مربوط به تشکل‌های کارفرمایی است و دولت چنین



رفتن به سمت انجمن های غیرکاذبی،
تشکل هایی که قادرند تعدادی زیادی از
فعالان صنعت را سازماندهی کنند، نظام
حکمرانی خوب را درست اعمال کنند
و... به طوری که شرکت های بزرگ صنعت
حاضر باشند عضو آن تشکل صنفی
شوند، مهارت کارهای داوطلبانه داشته
باشند و از یک رهبری دمکراتیک برخوردار
باشند، یک ضرورت است

ترجیحی در مورد تشکل های کارگری ندارد چون کارفرماها اساساً قادر به بروز رفتارهایی که مبتنی بر فشار اجتماعی گسترده است، نیستند؛ بنابراین خیلی زود به بازوهای مشورتی تبدیل می شوند. تشکل های کارفرمایی امکان رفتار تقابلی ندارند. از ابتدای انقلاب تاکنون هم گزارشی مبتنی بر برخورد قضایی جدی با تشکل کارفرمایی نداشته ایم؛ فقط یک مورد بوده که قوه قضاییه به نفع بخش خصوصی رأی داده است. به نظر من یکی از امکانات استراتژیک جامعه مدنی و طبقه متوسط در ایران این است که از فرصت پیش رو برای بهبود حداقل سیاست های اقتصادی در کشور استفاده کند؛ چیزی که امکان تبدیل طبقه اقتصادی به طبقه اجتماعی را فراهم می کند. آیا بخش خصوصی در ایران به جز آنچه حول محور بازار بزرگ شکل گرفته، طبقه اجتماعی مشخص و ملموسی است؟

بخش خصوصی در ایران یک طبقه اقتصادی است. آنها فعالانی هستند که در یک صنف کار می کنند اما خود آگاهی طبقاتی ندارند. منافع استراتژیک خود را نمی شناسند، مطالباتشان از سطح خرد به سطح کلان منتقل نمی شود، ارتباطاتشان با هم خیلی پایین است، شبکه های گسترده کسب و کار ندارند و هیچ تشکل صنفی ندارند که با تشکل دیگر ائتلاف استراتژیک برای بهبود اقتصاد در ایران کاری انجام داده باشد. اینها بخشی از کارکرد طبقه اجتماعی در ایران است. بخش خصوصی در ایران آرام آرام در حال شکل دهی طبقه ای اجتماعی است که رفتار استراتژیک مشترک دارد، سبک و استایل زندگی مشترکی را ترویج می کند و... تشکل های اقتصادی کارفرمایی یکی از امکانات مهم تبدیل طبقه اقتصادی به طبقه اجتماعی است و فقط در این شرایط است که می تواند به یک نیروی تغییر مثبت در جامعه تبدیل شود.

نیازها و ارزش های طبقه اجتماعی که خود ناشی از شکل گیری طبقه اقتصادی جدید است، می تواند با چیزی که در گذشته بوده، فرق کند؟

حتماً می تواند فرق کند. هم اکنون همبستگی های حول محور منافع اقتصادی می چرخد اما در مورد مسائل اجتماعی و سیاسی بسیار پراکنده عمل می کنند؛ یعنی ممکن است یک کارفرما به دولتی رأی دهد که به ضرر منافع اقتصادی اش عمل می کند و به دلیل نداشتن آگاهی های اجتماعی مشترک و نداشتن خود آگاهی طبقاتی از تشخیص منافع اقتصادی هم عاجز باشد. این مسئله

در طبقه کارگرها قابل فهم است، ولی در مورد طبقه کارفرما قابل توجیه نیست؛ نمی توان فهمید که چطور ممکن است یک فعال اقتصادی به کسی رأی دهد که صراحتاً اعلام کرده می خواهد بخش خصوصی را لاغر کند. فعالان اقتصادی که آگاهی طبقاتی دارند می فهمند که شکل گیری جامعه توده وار چقدر می تواند برای کسب و کار بخش خصوصی خطرناک باشد. امیل دورکیم در مقدمه کتاب «تقسیم کار اجتماعی» به تشکل های اقتصادی در انگلستان اشاره دارد؛ خدمات اجتماعی مخصوص به خود داشتند مثل کلیسا، نهاد داوری، سبک زندگی مشترک داشتند و در موارد مهم به دولت برای مرادده اقتصادی با کشورهای مختلف مشورت می دادند. در ایران ما با چنین طبقه ای اجتماعی مواجه نیستیم؛ به جز صنف بازاری های قدیمی تهران که سبک زندگی خاص خود را دارند و می توان رابطه شان با کارگر، مشتری، نظام اعتقادی و مالی، مواضع سیاسی و فرهنگی را ردیابی کرد. آنها با هم همبستگی دارند و در مواقع ضروری همدیگر را حمایت می کنند اما در بخش خصوصی مدرن که صنعتی تر هم شده است، از جنبه اقتصادی شاهد سطح کمی از انسجام هستیم ولی به لحاظ سبک زندگی و خصلت های اجتماعی وجه مشترکی نمی یابید.

چالش سازماندهی تشکل اقتصادی در ایران

تشکل های اقتصادی می توانند منافع بخش زیادی از جامعه را به شکل اصولی نمایندگی کنند؛ چیزی که ایران هنوز در آن مشکلات جدی دارد. ممکن است در ایران کسب و کارهایی وجود داشته باشد که اصلاً نماینده ای برای مذاکره با دولت نداشته یا فعالان اقتصادی باشند که صدایشان به درستی شنیده نشود یا اینکه در کسب و کارهای مشخص نماینده هایی به صورت موازی فعالیت کنند. بنابراین سازماندهی تشکل اقتصادی در ایران یک چالش عمده پیش روی فعالان اقتصادی طی سال های متمادی بوده است. ■

*برگرفته از روزنامه همشهری



سندیکا +



بخشنامه جدید ارزی ابلاغ شد

بخشنامه ارزی سازمان برنامه و بودجه پس از چند ماه بحث و بررسی، با مشارکت فعال بخش خصوصی و در اس آن شورای هماهنگی تشکل ها و سندیکای صنعت برق ایران امروز ابلاغ شد. در این بخشنامه که به دنبال افزایش ناگهانی و غیرقابل پیش بینی نرخ ارز تدوین و ابلاغ شد، آمده است: به استناد نظام فنی و اجرایی کشور (طرح ها و پروژه های مربوط به مدیریت، پدیدآوری و بهره برداری طرح ها، پروژه های سرمایه گذاری، دستگاه های مشمول، ماده ۱۶۰ قانون برنامه چهارم توسعه و ماده ۲۲۲ قانون پنجم توسعه) و ماده (۲۳) قانون برنامه و بودجه، این دستورالعمل که به تصویب شورای عالی فنی رسیده است، به منظور جبران آثار ناشی از افزایش قیمت ارز، در قراردادهای ریالی فاقد تعدیل نرخ و فاقد پرداخت هزینه مابه التفاوت که از محل وجوه عمومی تامین اعتبار می شود و آخرین روز مهلت ارائه پیشنهاد قیمت از سوی پیمانکار بعد از یکم مرداد ماه ۱۳۹۱ تا یکم فروردین ماه ۱۳۹۷ بوده و قرارداد براساس آن منعقد شده باشد، ابلاغ می شود تا دستگاه های اجرایی آن را به تاریخ ۰۱/۰۱/۹۶ تا ۲۹/۱۲/۹۷ اعمال و در چارچوب ضوابط پرداخت کنند.

این بخشنامه در ۱۵ ماده و دو تبصره تنظیم شده و تعیین تفاوت قیمت ارز، تعیین تعدیل نرخ پیمان ها بر اثر تغییر قیمت ارز و جداول مربوط به دستورالعمل نحوه جبران آثار ناشی از افزایش قیمت ارز در پیمان های ریالی فاقد تعدیل از جمله بخش های اصلی آن محسوب می شوند.

البته سازمان برنامه در کنار این دستورالعمل، بخشنامه دیگری را نیز به منظور تمدید بخشنامه ارزی مشمول قراردادهای سال ۹۱ هم ابلاغ کرده است. در ابتدای این بخشنامه که در ۱۵ بند تنظیم شده، آمده است: این دستورالعمل به منظور جبران آثار ناشی از افزایش قیمت مصالح و تجهیزات در پیمان های ریالی فاقد تعدیل نرخ پیمان و فاقد پرداخت هرگونه مابه التفاوت که آخرین روز مهلت ارائه پیشنهاد قیمت از سوی پیمانکار قبل از ۰۱/۰۵/۱۳۹۱ بوده و پیمان براساس آن منعقد شده باشد، اعلام می شود تا دستگاه های اجرایی ضوابط این بخشنامه را به کارکردهای پس از ۰۱/۰۱/۱۳۹۱ تا ۲۹/۱۲/۱۳۹۷ ابلاغ کنند. ■

پرداخت تدریجی مطالبات اعضا؛

دستاوردی حاصل از پیگیری و مذاکره

در طول چند سال اخیر مطالبات یکی از جدی ترین چالش های شرکت های عضو سندیکای صنعت برق ایران بوده است. به همین دلیل پیگیری مطالبات اعضا به عنوان یکی از اهداف اصلی هیات مدیره دوره هفتم مدنظر قرار گرفته است.

در همین راستا نمایندگان سندیکا مستمر و جدی انجام مذاکرات گسترده با معاونت برق و انرژی وزیر نیرو و همچنین مدیر عامل توانیر را در دستور کار قرار دادند. قول مساعد مدیران شرکت توانیر به منظور پرداخت تدریجی مطالبات شرکت های عضو سندیکا در نهایت نتیجه بخش واقع شد. در گام اول سندیکای صنعت برق ایران به منظور تسریع در انجام امور مربوط به پرداخت بخشی از مطالبات شرکت های عضو، استعلام از شرکت ها برای اعلام رسمی به توانیر را کلید زد. اطلاعات ارسالی از سوی شرکت ها در قالب یک گزارش به توانیر اعلام و آغاز پرداخت ها به اخذ تاییدیه از شرکت های کارفرما منوط شد.

اگرچه شرکت توانیر خود عهده دار اخذ تاییدیه شده بود اما با پیگیری و پافشاری سندیکا قرار بر این گذاشته شد که این تشکل ضمن استعلام مطالبات اعضای خود، حتی الامکان تاییدیه ها را از شرکت های برق منطقه ای و توزیع نیروی برق نیز استعلام کرده و در نهایت آمار دقیق مطالبات را در اختیار شرکت توانیر قرار دهد.

این پیگیری ها به نتیجه رسیده و توانیر پرداخت مطالبات شرکت های عضو سندیکای صنعت برق ایران را در اولویت قرار داده است. در حال حاضر مطالبات اعضا بر اساس مذاکرات و توافقات صورت گرفته به تدریج و بر مبنای تاییدیه های اخذ شده از شرکت های کارفرمایی در حال پرداخت است و حل مساله مطالبات روندی رو به جلو داشته است. این پرداخت ها بر مبنای استعلام سندیکا و تاییدیه های اخذ شده از شرکت های برق منطقه ای و توزیع صورت می گیرد و در چند مرحله انجام خواهد شد. امید است که در آینده ای نزدیک بخش اعظم بدهی های وزارت نیرو به شرکت های عضو سندیکای صنعت برق ایران پرداخت شود. ■

گزارش روز





در پی انتخاب سندیکا به عنوان تشکل برتر اقتصادی

از هیات رئیس‌ه ادوار سندیکا تقدیر شد

خصوصی صنعت برق، توقف پروژه‌ها به دلیل عدم جبران افزایش قیمت نهاده‌ها (افزایش نرخ ارز و فلزات)، چالش تامین مواد خام و فلزات مورد نیاز تولیدکنندگان و آثار منفی مالی و فنی تحریم‌ها و کاهش صادرات صنعت برق هستند.

محمد پارسا، رئیس دوره‌های سوم و چهارم هیات مدیره سندیکا در بخشی از این نشست عنوان کرد: ما با مشاهده سیاست‌ها و برنامه‌های دولت در صنعت برق، درباره خاموشی‌ها هشدار داده و اعلام کرده بودیم صنعتی که می‌تواند باعث جذب سرمایه گذاری شود، در حال بین رفتن است. متأسفانه تمام دولت‌هایی که روی کار آمدند، وابسته به نفت و درآمدهای نفتی بوده و هستند که همین وابستگی اقتصادی وابسته به درآمد نفتی ایجاد کرده است.

وی با تأکید بر اینکه قیمت انرژی باید در این کشور واقعی باشد تا بخشی از مشکلات حل شود، گفت: متأسفانه در مجلس هفتم جلوی رشد قیمت آب، برق و گاز را گرفتند که تصمیمی سیاسی و برای کسب رای بود. اگر قیمت حامل‌های انرژی مطابق با نرخ واقعی ارز و فوب خلیج فارس تعیین شود، می‌توان میزان حقوق پرداختی به کارکنان و کارگران را نیز افزایش داد.

پارسا با بیان اینکه عادی نبودن قیمت انرژی در کشور باعث ایجاد رانت به نفع عده‌ای خاص شده است، افزود: بلایی که امروز بر سر

در معیارهای ارزیابی اتاق که شامل حکمرانی، عضویت، خدمات تاثیرگذار بر سیاست‌ها و تنظیم‌گری هستند، به عنوان تشکل اقتصادی برتر شناخته شده است.

وی داشتن استراتژی و برنامه راهبردی، ساختار سازمانی، هیات مدیره فعال، بانک‌های اطلاعاتی... را از ویژگی‌های مثبت سندیکا برشمرد و تصریح کرد: این تشکل طی سال‌های اخیر دستاوردهای قابل توجهی داشته که در ارزیابی اتاق دیده شده‌اند.

برزی مهرانتخاب سندیکای صنعت برق به عنوان تشکل برتر کشور در ارزیابی و رتبه‌بندی اتاق بازرگانی و انتخاب به عنوان تشکل نمونه صادراتی برای چهار سال متوالی، دریافت لوح تقدیر از وزیر صنعت معدن و تجارت بابت کمک به توسعه صادرات غیرنفتی کشور و حضور عزتمند شرکت‌های عضو در عرصه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و... را از افتخارات سندیکا برشمرد.

در ادامه علیرضا اسدی معاون پژوهش و برنامه‌ریزی سندیکا نیز به نقش این تشکل در حل مسائل کلیدی و چالش‌های صنعت برق پرداخته و گزارشی در این زمینه ارائه کرد.

وی چالش‌های کلیدی صنعت برق را هفت مورد اعلام کرد که شامل نظام قیمت گذاری ناکارآمد و غیرشفاف، کاهش سرمایه گذاری برای توسعه ظرفیت تولید و شبکه برق، فرسودگی تجهیزات تولید و انتقال و توزیع برق، عدم پرداخت مطالبات و جرایم دیرکرد بخش

نشست هیات رئیس‌ه هفت دوره سندیکای صنعت برق ایران امروز، روز چهارشنبه، ۲۵ مهرماه به منظور تقدیر از مدیران ادوار مختلف هیات مدیره و همچنین همفکری و نظرخواهی در خصوص چالش‌های کنونی صنعت برق ایران برگزار شد.

در این نشست علی بخشی، رئیس هیات مدیره دور هفتم سندیکای صنعت برق ایران، از مرحوم حیدری نسب به عنوان یکی از مدیران ارزشمند صنعت برق و عضو هیات رئیس‌ه دوره پنجم سندیکا به نیکی یاد کرد و ضمن تقدیر و تشکر از تمامی مهمانان اظهار داشت: طبق نظام ارزیابی و رتبه‌بندی اتاق بازرگانی ایران، سندیکا به عنوان برترین تشکل اقتصادی کشور انتخاب شده است که کسب این عنوان، مرهون زحمات پیشکسوتان و نخبگان سندیکا است.

وی با تأکید بر نقش هیات مدیره ادوار سندیکا در پیشرفت این تشکل، تصریح کرد: همه در مسیر اعتلای سندیکا تلاش کرده و با اقدامات خود این مجموعه را به بلوغ رسانده‌اند که امیدواریم با همراهی و همکاری‌های بیشتر، بیش از پیش شاهد موفقیت سندیکا در رسیدن به اهداف تعریف شده و رضایتمندی اعضا باشیم.

در ادامه جلسه سپهر برزی مهر، دبیر سندیکا به ارائه گزارشی از نتایج نهایی ارزیابی سندیکای صنعت برق توسط اتاق بازرگانی پرداخت و گفت: سندیکا با کسب امتیازهای قابل قبول



اقتصاد ایران آمده است بیش از هر چیز ناشی از رانت انرژی است. با آزادسازی واقعی کردن قیمت‌ها امکان اصلاح شرایط کنونی به وجود خواهد آمد.

وی با انتقاد از اینکه بیشتر مسئولانی که در حوزه انرژی تصمیم‌گیر هستند، تخصصی در این حوزه ندارند، تصریح کرد: به‌تر است بخش خصوصی برای وارد کردن کارشناسان و متخصصان به بخش‌های تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز کشور تمام تلاش خود را به کار بگیرد، تا این افراد بتوانند در زمان تصمیم‌گیری موثر واقع شوند.

غلامرضا ناصح، عضو هیات موسس و رئیس دوره‌های اول و دوم هیات مدیره سندیکا نیز در ادامه به مبحث ارز و تأثیر آن بر صادرات اشاره کرده و این سوال را مطرح کردند که آیا با واقعی شدن قیمت ارز، موانع صادراتی از بین برداشته شده است؟

علی صفرنوراله، رئیس شعبه اصفهان سندیکا نیز با اشاره به اینکه متأسفانه دولت رقیب درجه یک بخش خصوصی است، ادامه داد: یکی از راهکارهای حل مشکلات صنعت برق، تحکیم و تقویت بخش خصوصی است لذا سندیکا باید به تفکر و ایده‌پردازی در زمینه رشد و تقویت خود بپردازد.

وی ادامه داد: امروز ۸۰ درصد صادرات در ترکیه با بخش خصوصی است، این درصد نشان می‌دهد که برای به دست آوردن چنین جایگاهی باید تلاش کرد و قدرتمند بود، تا قدرت نداشته باشیم نمی‌توانیم کاری از پیش ببریم. سندیکا باید برای رشد خود تفکر داشته و برنامه‌ریزی کند.

فارسی رئیس دوره پنجم هیات مدیره سندیکا تصریح کرد: مشاهده روند حرکت سندیکا نشان می‌دهد که این شکل مسیر رشد و هم‌افزایی را طی کرده است. شاید ما نتوانیم همه مشکلات را حل کنیم اما می‌توانیم مرهم دردهای فعالان صنعت به خصوص صنعت برق باشیم.

وی ادامه داد: سندیکا نقش اساسی را در پیگیری مطالبات اعضا دارد، لذا مشکلات اعضا باید در نشست مشترک بین سندیکا و سایر نهادها بازگوشود و به گوش مسئولان برسد تا راهکاری برای آنها تعیین شود.

پرویز غیاث‌الدین، دبیر سابق سندیکا در ادامه جلسه عنوان کرد: این دولت به حدی بزرگ و متورم است که حتی اگر قیمت برق واقعی باشد باز نمی‌توان مشکلاتی را حل کرد چرا که حتی این درآمدها منابع پروژه‌های بخش عمرانی و بخش خصوصی را تأمین نخواهد کرد. وی ادامه داد: همه ما شاهد هستیم که حجم

دولت نه تنها کوچک نشده بلکه در حال بزرگ‌تر شدن نیز هست که همین عامل ریشه بسیاری از مشکلات محسوب می‌شود. البته به اعتقاد بنده مسائل زیادی وجود دارد اما بیشتر اینها قابل حل است.

وی با اشاره به رتبه ۷۷ ایران در دسترسی به برق تاکید کرد: امروز در هر بخشی که حرف از خودکفایی زده می‌شود پای بخش خصوصی در میان است. بخش خصوصی باید به دولت کمک کند تا بتواند این صنعت به گل نشسته را نجات دهد.

غیاث‌الدین تاکید کرد: همکاری با سایر تشکل‌های صنعت برق و هم صدا شدن با آنها می‌تواند در فرایند تدوین بودجه ۹۸ تاثیرگذار باشد تا با ایجاد فشار در این زمینه بتوان بخشی از مشکلات را رفع کرد.

علی اکبر سهیلی، عضو هیات ریسه ادوار سوم و چهارم در ادامه نشست تصریح کرد: امروز کشور با مشکلاتی دست به گریبان است که ریشه آنها هم به فساد و هم به تحریم‌ها برمی‌گردد. با این حال سندیکا به عنوان نماینده بخش خصوصی صنعت برق می‌تواند با مشارکت اعضا در رفع بسیاری از این مشکلات نقش‌آفرینی کند.

پیام باقری هم در بخش دیگری از نشست عنوان کرد: در کشوری که سرشار از منابع انرژی است قطعاً اولین مشکل، سوءمدیریت است. امروز وزارت نیرو ۴۰ هزار میلیارد تومان به بخش خصوصی بدهکار است. سندیکای صنعت برق ایران کارنامه قابل قبولی دارد اما ما باید با وفاق و اتحاد سندیکا را بزرگ‌تر کنیم.

وی با تاکید بر اینکه ریشه اصلی معضلات صنعت برق، اقتصاد برق است، ادامه داد: تا اقتصاد برق اصلاح نشود و این نقیصه رفع نشود، نمی‌توان مشکلات برق را حل کرد.

نایب رئیس هیات مدیره سندیکا افزود: در شرایط امروز قطعاً پرداختن به موضوع صادرات اهمیت بالایی دارد و راهگشا است و همانطور که می‌دانیم صادرات خدمات فنی و مهندسی توانمندی و ظرفیت بالایی دارد. وی در پایان با استقبال از طرح تشکیل شورای مشورتی پیشکسوتان سندیکا، ابراز امیدواری کرد با بررسی موضوع در هیات مدیره و تشکیل این شورا، گام‌های موثری برای حل مشکلات فعالان صنعت برق و توسعه این صنعت برداشته شود.

در پایان این نشست با اهدای لوح سپاس از تلاش‌ها و خدمات اعضای هیات ریسه هفت دوره سندیکا تقدیر به عمل آمد. ■





پیوند نخبگان و صنعتگران برق در بزرگترین رویداد علمی این صنعت

این صنعت عملکرد قابل قبولی بوده است، بطوری که در بسیاری از شاخص‌های مهم و کلیدی صنعت برق ایران در سطح جهان رتبه و جایگاه مناسبی را کسب کرده‌ایم.

مدیرعامل شرکت توانیر با اشاره به شرایط اقتصادی کشور بیان کرد: در شرایطی که کشور در یک جنگ تمام عیار اقتصادی قرار دارد، همکاری و تعامل با نخبگان با صنعت برق بیش از گذشته ضرورت دارد.

متولی‌زاده با اشاره به اینکه امروز مسئله اصلی صنعت برق، اقتصاد برق است، اظهار کرد: راهبرد اصلی وزارت نیرو برای حل این مسئله مدیریت توامان عرضه و تقاضاست و تأمین برق در تابستان ۹۸ به عنوان یک شاخص و فرصت مناسب برای استفاده از راهکار جدید است.

وی با بیان اینکه بهینه‌سازی مصرف بویژه در مدیریت بار در تابستان یکی از اولویت‌های کنفرانس بعدی برق است، تصریح کرد: هدف توانیر از برگزاری کنفرانس برق آموزش و ایجاد انگیزه مناسب برای اصلاح مدل مصرف مشترکان است و تشویق مردم برای مشارکت حداکثری در تولید برق در مقیاس کوچک و محل مصرف است.

مدیرعامل شرکت توانیر با تأکید بر اینکه اصلاح مدل مصرف برق باید به مطالبه و گفتمان عمومی تبدیل شود، ادامه داد: در زمینه فرهنگ سازی اصلاح الگوی مصرف و ارائه راهکار در این زمینه به کمک نخبگان نیاز داریم.

متولی‌زاده تصریح کرد: به منظور تشویق مردم برای مشارکت در طرح‌های مدیریت مصرف و سرمایه‌گذاری برای تولید برق، بسته‌های تشویقی بویژه در ایام گرم سال در نظر گرفته شده که به زودی اطلاع‌رسانی خواهد شد. وی در پایان خاطرنشان کرد: ما آمادگی خود را برای استفاده از نظرات نخبگان و جامعه علمی در راستای حل مشکلات صنعت برق اعلام می‌کنیم.

سی‌وسومین کنفرانس بین‌المللی برق و ششمین دوره کنفرانس فناوری نانو در صنعت برق به عنوان بزرگترین گردهمایی علمی سالانه صنعت برق ایران از ۳۰ مهر تا دوم آبان سال جاری با حضور مقامات ارشد وزارت نیرو و صنعت برق و با تلاش محققان و پژوهشگران در محل پژوهشگاه نیرو برگزار شد.

**متولی‌زاده: اقتصاد برق امروز مسئله اصلی
صنعت برق است / اصلاح الگوی مصرف باید به
مطالبه عمومی تبدیل شود**



در ابتدای مراسم افتتاحیه؛ محمدحسن متولی‌زاده، مدیرعامل شرکت توانیر با اشاره به ضرورت برگزاری این کنفرانس علمی اظهار کرد: کنفرانس برق ایران نمونه موفق‌تری از تعامل سازنده و مستمر نخبگان و نظام مدیریتی است.

مدیرعامل شرکت توانیر با اشاره به سیر صعودی مصرف برق در کشور تصریح کرد: طی ۴۰ سال گذشته مصرف برق در ایران با توجه به رشد جمعیت ۸ برابر شده که این موضوع بیانگر حجم فعالیت همکاران صنعت برق در کشور است.

متولی‌زاده با اشاره به تفاوت قابل ملاحظه قیمت تکلیفی فروش و قیمت واقعی قیمت برق در کشور بیان کرد: قیمت برق کشور به دلیل نگاه دولتمردان و قانونگذاران همواره پایین‌تر از نرخ واقعی بوده است و این موضوع صنعت برق را با تنگناهایی مواجه کرده است.

به گفته وی؛ با تعامل سازنده با نخبگان و ارائه راهکارهای مناسب و همت تولیدکننده داخلی و تلاش همکاران صنعت برق کارنامه عملکرد



حائری: بخش خصوصی به گردن صنعت برق حق دارد/ باید زمینه مشارکت حداکثری این بخش را فراهم کنیم

همایون حائری، معاون وزیر نیرو در امور برق و انرژی گفت: در مواجهه با ابرچالش‌ها و نزدیک شدن به محدودیت‌ها، نیاز به تغییر مسیر داریم زیرا حرکت کردن در مسیر قبلی، نمی‌تواند مسئله ما را حل کند. وی با بیان اینکه تغییر آرایش در بخش برق برای تحقق رشد پایدار و تاب‌آور ضروری است و برای تغییر آرایش برق ۱۰ شاخص در نظر گرفته شده است، افزود: مدیریت تقاضا و مصرف برای تغییر مناسبات، تعاملات ثروت‌ساز با مسئولان استانی، مبادله پذیری و صرفه جویی، مشارکت بخش خصوصی و خصوصی سازی، بازتعریف مناسبات برق با توسعه ملی و منطقه‌ای، توسعه مشارکت‌های منطقه‌ای و چند جانبه‌ای، افزایش درآمدهای ارزی ناشی از صادرات برق، کالا و خدمات فنی و مهندسی، فناوری‌های سازگار با نیازها و محدودیت‌ها جزو شاخص‌هایی هستند که باید تغییر پیدا کنند.

حائری در زمینه ضرورت میزان حمایت موثر از بخش خصوصی و جلب مشارکت آنها تصریح کرد: بخش خصوصی به گردن صنعت برق حق بزرگی دارد، این بخش حتی در روزهای سخت که خود فشارهای زیادی را متحمل می‌شود، چتر حمایتی‌اش را از سر صنعت برق برنداشت و در روند ارتباط ما با سایر ارگان‌ها و به خصوص مجلس نقش غیرقابل انکاری داشته است لذا ما امروز باید شرایط مشارکت حداکثری را برای آنها فراهم کنیم.

وی اقتصاد کشور را متکی بر مواد اولیه دانست و گفت: با توجه به اینکه مواد اولیه را بدون تبدیل به محصول نهایی، به فروش می‌رسانیم، بهترین صادراتی که می‌تواند منافع ملی را محقق سازد، برق است.



اردکانیان: مجال زیادی برای پنهان شدن پشت دیوار قیمت تکلیفی نداریم / باید پاسخگوی قیمت تمام شده برق باشیم

رضا اردکانیان وزیر نیرو نیز که یکی از سخنرانان مراسم بود، با اشاره به نقش برق در توسعه کشورها گفت: صنعت برق یکی از زیربنایی‌ترین عرصه‌های فعالیت و توسعه در تمامی دنیا به ویژه کشورهای در حال توسعه است، این بخش همواره در ارتباط نزدیک با جامعه علمی بوده و از ظرفیت‌های علم و فناوری برای بهبود کار خود بهره‌مند شده است.

وی ادامه داد: کوشش مستمر و مشترک جامعه دانشگاهی و پژوهشی از یک سو و تلاش صنعت برق، وزارت نیرو و دست‌اندرکاران داخلی و خارجی از سوی دیگر منجر به برگزاری این کنفرانس سالانه می‌شود، بنابراین این کنفرانس صرفاً یک رویداد علمی و یا اجرایی نیست، بلکه پیوند میان این دو حوزه است. محلی که انتظار می‌رود یافته‌های علمی از یک سو و شناخت دقیق و عمیق مسائل صنعت برق از سوی دیگر منجر به ارائه راه‌حل‌های خلاق علمی و کارآمد برای مشکلات موجود شود.

وزیر نیرو تأکید کرد: کنفرانس صنعت برق می‌بایست انعکاس خرد انباشته شده در کشور شامل دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و کلیت صنعت

باشد. هر چه فعالیت‌های علمی در مراکز آموزشی و پژوهشی ما غنی‌تر باشد و هر چه نیاز به خرد در تصمیم‌گیری‌ها در صنعت بیشتر باشد طبیعتاً برآیند این کنفرانس نیز قابل مشاهده‌تر خواهد بود.

وی ادامه داد: آنچه که در مدت زمان برگزاری این کنفرانس شاهد آن هستیم باید حاصل یک برنامه‌ریزی هوشمندانه باشد همچنان که در سیاست‌های کلی علم و فناوری ابلاغی مقام معظم رهبری مشخص شده است سهم تحقیقات در ارزش افزوده ملی ما طی افق چشم‌انداز باید به چهار درصد ارزش افزوده ملی برسد. حال سوال این است در حال حاضر مقدار کمی قابل اتکای ارزش افزوده صنعت برق چقدر است؟ چه میزان در تحقیقات سرمایه‌گذاری می‌شود؟ آیا در افق چشم‌انداز به هدف گذاری تعیین شده در سند یاد شده خواهیم رسید؟

وی برنامه اصلی وزارت نیرو در این دوره را مدیریت مصرف و تقاضا دانست و افزود: در این بین با نادیده گرفتن عرصه مسائل اجتماعی و ارتباط با مصرف‌کننده و پرداختن به سازوکارهای آن و همچنین با استفاده از تجربیات سایر کشورها و مناطق مشابه که در دوره‌های گذشته چنین عرصه‌های را طی کرده‌اند و به نتایج خوبی رسیده‌اند، ممکن است ما فرصت را از دست بدهیم.

وزیر نیرو با تأکید بر اینکه وجوه اجتماعی مدیریت منابع زیست محیطی به ویژه انرژی در کشور ما یک واقعیت انکارناپذیر است، عنوان کرد: این مهم باید در برنامه‌ها، پژوهش‌ها و سیاست‌گذاری‌های ما در عرصه‌ها و بخش‌های مختلف چه در دولت چه در مجلس و چه در دانشگاه مورد توجه قرار بگیرد.

اردکانیان خاطرنشان کرد: انتظار می‌رود کنفرانس سالانه برق به عنوان یک ابزار و فرصت مناسب به کار گرفته شود و ما در طول سال تا قبل از زمان برگزاری کنفرانس بعدی بتوانیم با ارتباط صحیح و منظم با مراکز تحقیقاتی و پژوهشی و دانشگاه‌های که در عرصه‌های علوم انسانی به این مسائل می‌نگرند و می‌پردازند و همچنین با محققان و پژوهشگران و اساتید داخلی و خارجی بتوانیم تا حدود زیادی جبران مافات کنیم و وجه اجتماعی مدیریت منابع زیست محیطی را بدون واگم از این مسئله که ممکن است موجب سستی در عرصه‌های تولید شود، بپردازیم.

وی در بخش دیگری از سخنان خود تأکید کرد: ما ناگزیر از یک گفت‌وگوی سازمان یافته با سیاست‌گذاران، تصمیم‌سازان، تصمیم‌گیران، پل‌های ارتباطی با مصرف‌کنندگان (رسانه‌ها) و در نهایت خود مصرف‌کنندگان در بخش‌های مختلف هستیم.

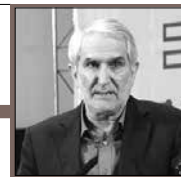
وزیر نیرو تصریح کرد: ما بایستی این امر را به عنوان یک تخصص و هنر بدانیم. ما باید باور داشته باشیم که اگر در این زمینه توفیقی نداشته باشیم مطمئناً مجال زیادی هم برای پنهان ماندن یا پنهان شدن پشت دیوار قیمت تکلیفی نداریم و به زودی باید پاسخگوی بحث قیمت تمام شده نیز باشیم.

اردکانیان خاطرنشان کرد: به هر حال قابل انکار نیست که شیوه‌های مدیریتی تأثیر چشم‌گیری در هزینه تولید و قیمت تمام شده کالا و محصول دارد. این مهم هم تنها منحصر به بخش برق نیست و در تمامی عرصه‌های این گونه است که اگر ما به شیوه‌های مدیریتی بپردازیم و اگر رفت و آمدهای بهینه را سرلوحه کار قرار بدهیم طبیعتاً زمینه‌های لازم برای دور شدن از قیمت تکلیفی نیز فراهم می‌شود.

وی یادآور شد: در طی هفته‌های گذشته دستاوردهای خوبی در جهت اتخاذ تصمیمات پشتیبانی‌کننده برای تامین منابع لازم جهت اجرای طرح‌های تولید آب و برق داشته‌ایم و این مسیر همچنان نیز ادامه خواهد داشت. در این بین تدقیق در چگونگی این موفقیت‌ها و رساندن مجموعه‌هایی که در ابتدای امر هیچ‌گونه موافقتی با این راهکار نداشتند و حتی حاضر به بازکردن این مباحث هم نبودند تا رسیدن به جایی

که خود همان سازمان‌ها و افراد پیشنهاد دهنده این چاره جویی‌ها و گره‌گشایی‌ها باشند دستاورد مهمی است که به اعتقاد من در باز کردن این موضوع مدیران ارشد آب و برق سهم عمده ای را ایفا کرده‌اند. وزیر نیرو در پایان گفت: اگر در زمینه قیمت تکلیفی هم هنوز گره کوری وجود دارد سهم و نقش خودمان را کم نبینم و قطعاً می‌بایست کار بیشتری صورت بگیرد و اطلاع‌رسانی مناسب‌تری در جامعه انجام شود. باید حضور نیروهای جوان، پژوهشی و آشنا به عرصه علوم اجتماعی که بتوانند بخش آب و برق را کمک و تکمیل کنند بیشتر شود تا موضوع اصلاح مصرف تبدیل به یک مطالبه اجتماعی شود. دوره‌ی این موضوع که تنها از بالا به توصیه و بخشنامه و صرفاً با زیرنویس در شبکه‌های تلویزیونی این مسائل را ترویج کنیم، گذشته است.

امیری خامکانی: نباید اجازه دهیم صنعت برق تسلیم مشکلات ارزی شود



در ادامه مراسم، حسین امیری خامکانی، نایب رئیس کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی اظهار داشت: تلاش مستمری در صنعت برق برای عبور از تنگنای تابستان شاهد بودیم، امروز ظرفیت‌های بزرگی در صنعت برق وجود دارد که مرهون سال‌ها تلاش متخصصان در این صنعت است. وی افزود: زیرساخت‌های کشور امروز در منطقه سرآمد است و در بخش برق، برق‌رسانی به روستاهای زیر ۱۰ خانوار را در حال انجام داریم و به عبارتی در حال لکه‌گیری در بخش برق هستیم.

نایب رئیس کمیسیون انرژی مجلس با بیان اینکه با وجود تمامی پیشرفت‌ها، صنعت برق هنوز در جایگاه مناسب خود قرار نگرفته، گفت: نقش برق بسیار در جامعه امروز مهم است. به طوری که قطع برق در یک کلانشهر، به معنای قطع شریان‌های حیاتی شهر است حتی تأمین آب شرب مردم که مایع حیات است نیز به برق وابسته شده و این اهمیت برق را چند برابر کرده است.

وی با بیان اینکه سالانه باید بیش از ۵ تا ۸ هزار مگاوات افزایش تولید در بخش برق داشته باشیم، گفت: متأسفانه در چند سال اخیر هیچ‌گاه به این رقم نرسیده‌ایم و این مسئله موجب شد تا در تابستان سال جاری شاهد بروز قطعی‌های برق باشیم که بجز مردم، صنایع کوچک را نیز تحت تأثیر قرار داد؛ البته نقش کاهش ظرفیت نیروگاه‌های برق‌آبی را نیز در خاموشی‌های امسال نباید نادیده گرفت.

نایب رئیس کمیسیون انرژی مجلس افزود: علاوه بر برنامه‌های افزایش ظرفیت تولید باید به بخش مصرف نیز توجه زیادی شود به طوری که از حدود ۸۷۶۰ ساعت در طول یک سال کمتر از ۵۰۰ ساعت نیاز به برق بحران می‌شود که اگر بتوانیم با مدیریت مصرف و بهینه‌سازی شرایط مصرف برق از شدت بار در این ۵۰۰ ساعت بکاهیم می‌توانیم صنعت برق را بهتر و پایدارتر داشته باشیم که در این زمینه هوشمندسازی کنتورها چند سالی است که در دست پیگیری است و امیدواریم زودتر شاهد گسترش آن در کشور باشیم.

این نماینده مجلس خاطر نشان کرد: در بخش سیاست‌گذاری نوع نگاه سیاستمداران باید به سمت حمایت از بخش داخلی برود تا بتوانیم با رفع مشکلات بخش خصوصی داخلی صنعت برق را کارآمدتر کنیم.

وی ادامه داد: در جریان بررسی مصرف بهتر است به جای مشرکان پرمصرف و کم مصرف، مشرکان خوش مصرف و بد مصرف را به کار برد و آنها را تشویق کرد که مصرف خود را در ساعات پیک کنترل کنند.

امیری خامکانی درباره انرژی‌های تجدیدپذیر نیز گفت: باید در استفاده از ظرفیت‌های انرژی کشور گام اساسی برداریم، در برنامه ششم نیز بر توسعه این بخش تأکید ویژه ای شده است. ۵ درصد از عوارض قبوض برق باید

به توسعه تجدیدپذیرها اختصاص می‌یافت که متأسفانه محقق نشد و گزارش آن نیز در مجلس قرائت و برای رسیدگی به قوه قضائیه ارسال شد. نایب رئیس کمیسیون انرژی مجلس در پایان خاطر نشان کرد: نباید اجازه دهیم صنعت برق تسلیم مشکلات ارزی و اقتصادی شود بلکه باید زمینه استفاده از سرمایه‌های داخلی و خارجی برای توسعه این صنعت را فراهم کرده و از آنها بهره ببریم.

نمایشگاه جانبی یک رخداد صنعتی در قلب کنفرانس علمی

امسال هم به رسم بیش از یک دهه گذشته در حاشیه کنفرانس برق نمایشگاه جانبی این کنفرانس با حضور فعالان صنعتی حضور یافتند. این نمایشگاه اگرچه به دلیل مشکلات اقتصادی کشور، با استقبال کمتری نسبت به سال‌های گذشته روبرو شد اما به هر حال تجلی دستاوردهای صنعتی در یک کنفرانس علمی ریشه دار بود.

این همنشینی علم و صنعت را می‌توان به فال نیک گرفت، چرا که می‌تواند به ایجاد تعاملات اثرگذار و هدفمند میان این دو بخش منجر شود.

امسال هم سندیکا پس از انجام مذاکرات لازم با پژوهشگاه نیرو عهده دار برگزاری نمایشگاه جانبی سی و سومین کنفرانس بین‌المللی برق شد. هدف از برگزاری این نمایشگاه که با بیش از ۵۰ شرکت عضو سندیکا برگزار شد، معرفی توان فنی، مهندسی و تولیدی شرکت‌های داخلی و خارجی به مدیران و کارشناسان صنعت برق کشور بود. سندیکا در این فرصت سه روزه برپایی نمایشگاه، میزبان تعدادی از مدیران و مسئولان دولتی و خصوصی، مدیران عامل شرکت‌ها و فعالان صنعت برق بود. اعضای هیات مدیره سندیکا در این میزبانی به طرح مشکلات شرکت‌های عضو خود پرداخته و پیگیر مطالبات آنها بودند، شرکت‌های بسیاری که به علت مشکلات اقتصادی، جایشان در نمایشگاه خالی بود.

سندیکا یک راس هرم تشکیل صندوق حمایت از شرکت‌های دانش بنیان

میهمانان سندیکا در نشست‌هایی که با اعضای هیات رئیسه این تشکر داشتند به بیان مشکلات پرداخته و به دنبال ریزنی برای انعکاس آنها در مکاتبات سندیکا با دستگاه‌های ذیربط بودند. در این میان حضور دکتر وحدت رئیس هیات عامل صندوق نوآوری و شکوفایی ریاست جمهوری منجر به تشکیل کارگروهی مشترک بین سندیکا و پژوهشگاه نیرو شد تا طرح تشکیل صندوق حمایت از شرکت‌های دانش بنیان را بررسی کنند. در جلسه سه جانبه سندیکا، پژوهشگاه نیرو و صندوق نوآوری و شکوفایی ریاست جمهوری که در غرفه سندیکا میان دکتر وحدت، رئیس هیات عامل صندوق نوآوری و شکوفایی ریاست جمهوری، دکتر قاضی زاده رئیس پژوهشگاه نیرو، مهندس بخشی رئیس هیات مدیره سندیکا و دکتر اسدی معاون پژوهشی و برنامه ریزی سندیکا مقرر شد کارگروه مشترکی بین سندیکا و پژوهشگاه نیرو برای تهیه طرح تأسیس صندوق حمایت از شرکت‌های دانش بنیان و پروژه‌های ریسک دار تشکیل شود.

همچنین بنا شد این طرح بعد از نهایی شدن برای بررسی بیشتر در اختیار صندوق نوآوری و شکوفایی ریاست جمهوری قرار بگیرد و زمینه اقدامات اجرایی آن فراهم شود. هدف از تشکیل این صندوق مشترک بین سندیکا و پژوهشگاه نیرو حمایت و پشتیبانی از شرکت‌های دانش بنیان و پروژه‌های ریسک دار و در واقع پوشش ریسک پروژه‌های نوآورانه است و به نوعی نقش بیمه را ایفا می‌کنند تا سرمایه‌گذاران با طیب خاطر در این مسیر سرمایه‌گذاری کنند.

در این کنفرانس سه روزه علاوه بر ارائه مقالات منتخب، بیش از ۲۰ سمینار و کارگاه تخصصی برگزار شد. معرفی کتاب‌های برگزیده صنعت برق از دیگر برنامه‌های کنفرانس بود که طی آن از نویسندگان ۵ کتاب برگزیده تقدیر به عمل آمد. همچنین به منظور حمایت از شرکت‌های دانش بنیان، در حاشیه کنفرانس، میز پذیرش شرکت‌های دانش بنیان توسط صندوق نوآوری و شکوفایی راه‌اندازی شد. ■

گزارش تصویری از نمایشگاه جانبی سی و سومین کنفرانس بین المللی برق







نمایشگاه هجدهم؛ آوردگاه بین المللی صنعت برق

نمایشگاه بین المللی صنعت برق ایران به عنوان بزرگترین رخداد صنعتی و تجاری ایران در حوزه برق، سالانه با حضور جمع کثیری از شرکت های توانمند داخلی و خارجی برپا می شود. این رویداد فرصت بسیار مغتنمی است تا شرکت های فعال در صنعت برق، دستاوردها و محصولات خود را در معرض بازدید دست اندرکاران و متخصصان این صنعت قرار دهند و با در نظر گرفتن روند تقاضای بازارها و سمت و سوی رشد این صنعت، فعالیت ها و نوآوری های آتی خود را هدایت کنند.

امسال هم هجدهمین نمایشگاه بین المللی صنعت برق در محل دائمی نمایشگاه های بین المللی تهران برگزار می شود تا فعالان صنعت برق توانمندی های خود را به رخ کشیده و منتظر اقدامات عاجل از سوی مسئولان برای رهایی از بحران های پیچیده امروز باشند. بحرانی که امروز صنعت برق با آن دست به گریبان است و نفس قراردادهای این صنعت را به شماره انداخته است، برگزاری این دوره از نمایشگاه را بیش از پیش اهمیت می بخشد چرا که نوسانات ارزی اخیر مشکلات بزرگی برای فعالان صنعت برق ایجاد کرده و بسیاری از شرکت هایی را که برنامه ای برای حضور در نمایشگاه داشتند و جایشان خالی است، به تعطیلی کشانده و یا تضعیف کرده است. امید است برگزاری این نمایشگاه ها نقطه امیددی باشد برای حل مشکلات صنعت برق و سوق دادن این صنعت به سمت رشد و توسعه.

برگزاری نمایشگاه بین المللی صنعت برق علاوه بر نمایش ظرفیت و توانمندی های داخلی این صنعت، از یک سوزمینه ساز بستری است برای رایزنی و مذاکره با شرکت های خارجی و یافتن سرمایه گذاران جدید و از سوی دیگر فرصتی است تا شرکت ها با مقامات دولتی که میهمان غرفه هایشان خواهد بود، درد دل کنند و مشکلاتشان را بازگو کنند تا شاید انعکاس آن در تصمیماتشان موثر واقع شود.

سندیکای صنعت برق ایران نیز به نمایندگی از ۵۰۰ شرکت سازنده، پیمانکار، مهندسی مشاور و مهندسی بازرگانی عضو خود، تلاش کرده در برنامه ریزی و برگزاری این نمایشگاه نقشی اثربخش ایفا کند و حضور شرکت های عضو در نمایشگاه را تسهیل ببخشد. همکاری و مشارکت با وزارت نیرو و ستاد برگزاری نمایشگاه برای پی ریزی بهتر نمایشگاه و حضور در شورای سیاستگذاری و کمیته فنی این نمایشگاه هم از فعالیت هایی بوده که به منظور تامین اهداف اعضا از حضور در این نمایشگاه صورت گرفته است.

امسال نیز سندیکا به رسم سال های گذشته با قدرت در سندیکا حضور می یابد و تلاش می کند از این فرصت چهار روزه برای برقراری ارتباط گسترده تر با فعالان بخش خصوصی، مدیران دولتی و میهمانان خارجی بهره جوید و در کنار آن زمینه را برای بیان مشکلات شرکت های عضو فراهم آورد. پیش از این و در دوره های گذشته سندیکا میزبان هیات های تجاری از کشورهای مختلف بود که بسیاری از آنها منجر به امضای تفاهم نامه همکاری شد.

سندیکای صنعت برق ایران همواره از فرصت چهار روزه نمایشگاه به عنوان فرصتی طلایی برای گسترش ارتباطات، برقراری تعامل فعال با صاحبان صنعت برق و نیز معرفی ظرفیت ها و توانمندی های شرکت های عضو بهره جسته و امسال هم همین مسیر را دنبال خواهد کرد. نشست های جانبی نمایشگاه هم که هر ساله با مشارکت سندیکا و وزارت نیرو و با حضور مدیران ارشد دولتی و بخش خصوصی برگزار می شود، گواه دیگری از حضور پررنگ و اثرگذار سندیکا در این رخداد بزرگ بین المللی است.

نشست تخصصی «چالش ها و راهکارهای بهبود صنعت برق» به منظور بررسی چالش های صنعت برق و اقدامات لازم برای توسعه پایدار صنعت برق یکی از نشست های پیش بینی شده برای هجدهمین نمایشگاه بین المللی صنعت برق است. قرار است در این پانل موضوعاتی مانند آسیب شناسی چالش های کنونی صنعت برق و پیامدهای آن، راهبردهای بهبود و توسعه پایدار صنعت برق کشور، راهکارها و روش های تأمین مالی و جذب سرمایه داخلی و خارجی برای صنعت برق، بحث و تبادل نظر صورت گیرد.

«چالش ها و راهکارهای موجود برای تحقق اهداف صادراتی صنعت برق کشور» نیز موضوع یکی دیگر از نشست های این نمایشگاه خواهد بود که با هدف بررسی ظرفیت ها و موانع صادرات تجهیزات و خدمات فنی و مهندسی صنعت برق ایران برگزار خواهد شد. در این نشست محورهایی همچون مزایا و فرصت های صادراتی صنعت برق ایران، موانع و راهکارهای توسعه صادرات صنعت برق و نقش نهادهای مرتبط در تسهیل و توسعه صادرات صنعت برق مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

اینک که صنعت برق و قراردادهای آن با نوسانات ارزی اخیر با بحران بزرگی روبرو است امید است برگزاری نمایشگاه هجدهم بتواند باری از دوش فعالان این حوزه بردارد. سندیکای صنعت برق ایران نیز تلاش می کند از این فرصت چهار روزه برای معرفی ظرفیت های داخلی و همچنین بهبود فضای کسب و کار شرکت های عضو به خوبی بهره جوید.



اخبار



اخبار هیات مدیره

آخرین اقدامات برای امضای تفاهم نامه همکاری با توانیر

سندیکا عهده دار ارزیابی و تشخیص صلاحیت می شود

در ابتدای سی و سومین جلسه دوره هفتم هیات مدیره سندیکا که پانزدهم مهر برگزار شد، دبیر سندیکا گزارشی از اهم اقدامات دو هفته اخیر دبیرخانه ارائه کرد. وصول بخشی از مطالبات اعضا، ارائه چالش های صنعت برق و راهکارهای پیشنهادی سندیکا در کمیسیون انرژی و کمیته تدوین بسته حمایتی بنگاه های حوزه انرژی اتاق تهران، ارائه راهکارهای پیشنهادی سندیکا برای عبور از بحران کنونی صنعت برق به مرکز پژوهش های مجلس جهت ارائه به سران سه قوه، همکاری های صورت پذیرفته با سازمان برنامه برای تدوین پیش نویس فهرست بهای توزیع، برگزاری جلساتی با معاون برق وزیر نیرو، وزیر برق سوریه، نایب رییس اتاق ایران، از جمله مهمترین اقدامات سندیکا در این مدت بوده است.

در ادامه ضمن ارائه گزارشی از وصول بخشی از مطالبات اعضا، مقرر شد براساس

هماهنگی های انجام شده با معاون برق وزیر نیرو، پرداخت بخش دیگر مطالبات طبق روال قبلی پیگیری شود.

بررسی ده پروژه یا مساله مطرح شده از سوی شرکت توانیر که اجرای آن اهمیت و اولویت بیشتری برای صنعت برق دارد، محور دیگر این جلسه بود که مقرر شد سندیکا به منظور موضوع ساماندهی اقتصاد برق و جهت همکاری در اجرای پروژه ها اعلام آمادگی کند. همچنین گزارشی از اقدامات و هماهنگی های انجام شده با شورای هماهنگی تشکلهای سازمان برنامه و بودجه برای تدوین و ابلاغ بخشنامه جدید ارزی ارائه و پیشنهاد شد در بخشنامه جدید ارزی درصدی از افزایش قیمت ها برای مشاوران نیز در نظر گرفته شود و در صورتیکه این موضوع در بخشنامه ارزی لحاظ نشود، پیگیری های لازم به منظور تدوین یک بخشنامه مجزا با همین موضوع انجام شود.

مقرر شد پس از صدور بخشنامه به منظور یکسان سازی و وحدت رویه، زمینه های لازم به منظور آموزش نکات بخشنامه به مدیران شرکت های برق منطقه ای و توزیع به ویژه مدیران طرح و توسعه و برنامه ریزی فراهم شود. همچنین پیشنهاد شد کارگروهی در توانیر برای انجام پیگیری های لازم به منظور ایجاد وحدت رویه در اجرای دستورالعمل ارزی جدید ایجاد شود.

با تصمیم اعضا بنا شد طی یک کارگاه آموزشی نحوه بهره گیری از بخشنامه جدید ارزی، موارد مرتبط به اعضا آموزش داده شود. همچنین مقرر شد سندیکا تعدیل قراردادهای مشاوران را پیگیری و طی یک کارگاه آموزشی نحوه بهره گیری از بخشنامه جدید ارزی، ویژه مشاوران برگزار شود.

در ادامه جلسه با موافقت اعضا پیشنهاد شد

پیگیری های لازم به منظور تثبیت ضریب k (درصد ازبری) و جلوگیری از محاسبه سلیقه ای آن صورت پذیرد. در همین راستا مقرر شد کمیته حقوقی با همکاری کمیته مشاوران، از طریق کارگروه دعای موضوع را پیگیری کند.

همچنین مقرر شد با مشارکت کمیته های حقوقی و مشاوران و معاونت پژوهشی و نیز آقایان بهزاد و مهذب ترابی، شاخص های نحوه اولویت بندی قراردادهای تعیین و شفاف شود و اسامی قراردادهایی که در اولویت قرار می گیرند، در اختیار رسانه ها قرار گیرد.

بررسی خاتمه قراردادهای نیز یکی از محورهای جلسه بود که مقرر شد سندیکا با ایجاد فشار مضاعف در کارگروه مشترک سندیکا و وزارت نیرو، موضوع خاتمه قراردادهای را به شکل جدی تری دنبال کرده و این کارگروه را مسئول اجرایی شدن بخشنامه کند.

در ادامه گزارشی از تشکیل کمیته مطالعات تجهیزات پست در انجمن مهندسين برق و الکترونیک ارائه و مقرر شد این کمیته بر روی مسائل تخصصی متمرکز شود و سندیکا همچنان پیگیر موضوعات حقوقی مرتبط با این حوزه باشد. همچنین بنا شد پیگیری های لازم جهت عدم ایجاد تداخل در فعالیت های این دو تشکل توسط نمایندگان سندیکا در کمیته مذکور صورت گیرد.

با موافقت اعضا مقرر شد گزارشی از اقدامات سندیکا در خصوص قرارداد تیپ و سایر موانع موجود در دوره مدیریت قبلی شرکت توانیر جهت ارائه به مهندس متولی زاده مدیرعامل جدید شرکت توانیر آماده شود و موانع همکاری های فیما بین در نشست مشترک هیات مدیره با ایشان مطرح شود.

نقطه نظرات کمیته بازرگانی در خصوص قرارداد تیپ نیز بررسی و مقرر شد جلسه کارگروه قرارداد تیپ با موضوع بررسی پیشنهادات کمیته



بازرگانی با حضور نماینده این کمیته، مهندس بردبار و یا نماینده ایشان برگزار شود. همچنین مقرر شد مشکلات ارزی سازندگان در رابطه با اعتبارات اسنادی ریفاینانس و بیزانس گشایش شده در سال ۹۶ که اکنون مشمول پرداخت مابه التفاوت شده‌اند، از اتاق بازرگانی و بانک مرکزی پیگیری شود.

در ادامه گزارشی از اقدامات انجام شده برای نهایی شدن تفاهم نامه همکاری سندیکا و توانیر در خصوص ارزیابی و تشخیص صلاحیت شرکت‌ها ارائه و مقرر شد هماهنگی‌های لازم برای تسریع در مبادله تفاهم نامه صورت پذیرد. مهندس صالحی هم گزارشی از نشست هیات ریسه اتاق ایران و نمایندگان تشکل‌ها با رئیس سازمان برنامه ارائه کرد و با توجه به تشکیل کمیته‌های مختلف برای پیگیری‌های مرتبط، مقرر شد سندیکا در کمیته انرژی حضور فعال داشته باشد.

بررسی مشکلات به وجود آمده برای صادرکنندگان به دلیل مقررات جدید بانک مرکزی و لزوم پیمان‌سپاری ارزی محور دیگر جلسه بود که مقرر شد پیگیری‌های لازم برای رفع تعهد ارزی صادرکنندگان به ویژه صادرکنندگان خدمات فنی و مهندسی صورت پذیرد.

در ادامه جلسه گزارش اولیه ارزیابی تجهیزات صنعت برق بررسی و مقرر شد کمیته سازندگان و کمیته مشاوران نظرات خود را در خصوص ارزیابی تجهیزات احصا و به کمیته حقوقی و هیأت مدیره سندیکا ارائه کنند. همچنین مقرر شد شرایط احراز انتخاب کارآفرینان نمونه و پیشکسوتان اقتصادی بررسی و سندیکا پیشکسوتان صنعت برق را بر اساس معیارهای تعیین شده برای جشنواره امین‌الضرب به اتاق بازرگانی معرفی کند.

مقرر شد گزارش عملکرد شش ماهه سال ۹۷ سندیکا به هیأت مدیره و بازرس ارائه و اقدامات لازم را به منظور برگزاری نشست فصلی با اعضا در دست‌ورکار دبیرخانه سندیکا قرار گیرد. با موافقت اعضا بنا شد جلسه با روسای تشکل‌های حوزه صنعت برق، در دست‌ورکار دبیرخانه سندیکا قرار گیرد.

در پایان جلسه با تاکید بر اعلام آمادگی شرکت سوزوکی برای همکاری با شرکت‌های ایرانی، مقرر شد سندیکا جهت تسهیل زمینه همکاری اعضا با این شرکت، هماهنگی‌های لازم را با وزارت صمت انجام دهد.

اخبار کمیته‌های سندیکا

کمیته تخصصی اتوماسیون و مخابرات

بررسی قیمت گذاری فهرست بهای واحد پایه تاسیسات برقی

جلسه هیات رئیسه کمیته تخصصی اتوماسیون و مخابرات سندیکای صنعت برق ایران یکم مهر سال جاری در محل سندیکا برگزار شد.

در خصوص موضوع شرکت اترک انرژی بعنوان عضو کمیته اتوماسیون و مخابرات سندیکا، مقرر گردید از دبیرخانه سندیکا پیگیری بعمل آمده و در صورت نیاز از نماینده کمیته جهت استعلام موارد خاص اعضای کمیته دعوت بعمل آید.

در ابتدای جلسه در مورد پروپوزال اسپیک تهیه شده و آیین نامه شرکت های یکپارچه ساز سیستم اتوماسیون پست مباحثی مطرح شد و رئیس کمیته درباره جلسه مشترکی که با کمیته پست سازان درباره اسپیک داشتند، توضیحاتی ارائه کرد.

بر اساس مصوبات جلسه مشترک مذکور، مقرر شده است کمیته پست سازان بصورت مرحله به مرحله در جریان کامل روند انجام پروژه و گزارشات ارسالی و متن تهیه شده و پیشنهادی اسپیک قرار گرفته و اعلام نظر کند.

رئیس کمیته اعلام کرد که در آن جلسه تاکید بر این بوده است که آیین نامه بایستی درباره خرید تجهیزات مستقل از قرارداد طراحی و مهندسی پیمانکاران پست انعطاف پذیری داشته باشد. این مطلب بایستی با توجه به سیاست هرسازنده سیستم در بازار و نیز تفکیک مسئولیت ها بر روی تجهیزات و نرم افزارها از یکسو و مهندسی سیستم از سوی دیگر قابل بررسی باشد.

همچنین عنوان شد که این آیین نامه به شرطی قابلیت اجرائی بدون تعارض منافع خواهد داشت که قرارداد بخش اتوماسیون و حفاظت در قالب یک قرارداد مستقل از قرارداد EPC پست انجام شود. همچنین پیشنهاد شد قیمت گذاری و فهرس بهای خدمات طراحی

و مهندسی در این حوزه نیز تعریف و تدوین شود.

در ادامه جلسه مشکلات بازرگانی تجهیزات برقی بررسی و عنوان شد که رئیس کمیته بعنوان نماینده سندیکا در جلسه مشترک با دفتر صنایع برق و الکترونیک وزارت صمت، موضوع اخذ مجوز ثبت سفارش شرکت های عضو سندیکا و ایجاد تسهیلات برای رله و تجهیزات پروژه ای اتوماسیون و مخابرات را مطرح کرده است.

ضرورت برگزاری جلسه مشترک با سندیکای مخابرات محور دیگر جلسه بود که مقرر شد تفاهم نامه همکاری از سوی کمیته تهیه شود. در خصوص قیمت گذاری فهرست بهای واحد پایه تاسیسات برقی بنا شد در صورت امکان نماینده کمیته در جلسات تخصصی حضور داشته باشد.

در پایان جلسه با توجه به انصراف و عدم حضور آقایان مهندسین میرشاهی و تاجدینی در هیأت رئیسه کمیته تخصصی اتوماسیون و مخابرات سندیکا، مقرر شد آقای مهندس شکری بعنوان عضو علی البدل جایگزین نفر اصلی در کنار سایر اعضای هیأت رئیسه به همکاری ادامه دهند.

ضرورت قیمت‌گذاری خدمات طراحی و مهندسی در شرکت های یکپارچه‌ساز

جلسه هیات رئیسه کمیته تخصصی اتوماسیون و مخابرات سندیکای صنعت برق ایران یکم مهر سال جاری در محل سندیکا برگزار شد.

در ابتدای جلسه در مورد پروپوزال اسپیک تهیه شده و آیین نامه شرکت های یکپارچه ساز سیستم اتوماسیون پست مباحثی مطرح شد و رئیس کمیته درباره جلسه مشترکی که با کمیته پست سازان درباره اسپیک داشتند، توضیحاتی ارائه کرد.

بر اساس مصوبات جلسه مشترک مذکور، مقرر شده است کمیته پست سازان بصورت مرحله به مرحله در جریان کامل روند انجام پروژه و گزارشات ارسالی و متن تهیه شده و پیشنهادی اسپیک قرار گرفته و اعلام نظر کند.

رئیس کمیته اعلام کرد که در آن جلسه تاکید بر این بوده است که آیین نامه بایستی درباره خرید تجهیزات مستقل از قرارداد طراحی و مهندسی پیمانکاران پست انعطاف پذیری داشته باشد. این مطلب بایستی با توجه به سیاست هرسازنده سیستم در بازار و نیز تفکیک مسئولیت ها بر روی تجهیزات و نرم افزارها از یکسو و مهندسی سیستم از سوی دیگر

قابل بررسی باشد.

همچنین عنوان شد که این آیین نامه به شرطی قابلیت اجرائی بدون تعارض منافع خواهد داشت که قرارداد بخش اتوماسیون و حفاظت در قالب یک قرارداد مستقل از قرارداد EPC پست انجام شود. همچنین پیشنهاد شد قیمت گذاری و فهرس بهای خدمات طراحی و مهندسی در این حوزه نیز تعریف و تدوین شود.

در ادامه جلسه مشکلات بازرگانی تجهیزات برقی بررسی و عنوان شد که رئیس کمیته بعنوان نماینده سنديکا در جلسه مشترک با دفتر صنایع برق و الکترونیک وزارت صمت، موضوع اخذ مجوز ثبت سفارش شرکت های عضو سنديکا و ایجاد تسهیلات برای رله و تجهیزات پروژه ای اتوماسیون و مخابرات را مطرح کرده است.

ضرورت برگزاری جلسه مشترک با سنديکای مخابرات محور دیگر جلسه بود که مقرر شد تفاهم نامه همکاری از سوی کمیته تهیه شود. در خصوص قیمت گذاری فهرست بهای واحد پایه تاسیسات برقی بنا شد در صورت امکان نماینده کمیته در جلسات تخصصی حضور داشته باشد.

همچنین در خصوص موضوع شرکت اترک انرژی بعنوان عضو کمیته اتوماسیون و مخابرات سنديکا، مقرر شد از دبیرخانه سنديکا پیگیری بعمل آمده و در صورت نیاز از نماینده کمیته جهت استعلام موارد خاص اعضای کمیته دعوت بعمل آید.

در پایان جلسه با توجه به انصراف و عدم حضور آقایان مهندسین میرشاهی و تاجدینی در هیأت رئیسه کمیته تخصصی اتوماسیون و مخابرات سنديکا، مقرر شد آقای مهندس شکری بعنوان عضو علی البدل جایگزین نفر اصلی در کنار سایر اعضای هیأت رئیسه به همکاری ادامه دهند.

بررسی مفاد تفاهم نامه همکاری با سنديکای مخابرات

جلسه هیات رئیسه کمیته تخصصی اتوماسیون و مخابرات سنديکای صنعت برق ایران پانزدهم مهر سال جاری در محل سنديکا برگزار شد.

در ابتدای جلسه درباره پروپوزال اسپیک تهیه شده و پیگیری اخذ قرارداد با شرکت توانیر مباحثی مطرح شد و با اشاره به این موضوع که در این آیین نامه خرید خدمات مشاوره شرکت توانیر مد نظر قرار نگرفته است، بنا شد این طرح از طریق مرجع دیگری نظیر پژوهشگاه نیرو پیگیری شود.

در ادامه اعضا برگزاری سیزدهمین کنفرانس حفاظت و کنترل دردی ماه ۹۷ بررسی و مقرر شد مذاکرات لازم در مورد برگزاری پانل سخنرانی تخصصی و برپایی کارگاه های آموزشی جانبی کنفرانس انجام شود.

با موافقت اعضا مقرر شد تهیه و تنظیم مفاد تفاهم نامه همکاری با سنديکای مخابرات در اختیار کارگروه مخابرات کمیته اتوماسیون و مخابرات قرار گرفته و با در نظر گرفتن موارد کارشناسی اعلام نظر کنند.

با توجه به انصراف و عدم حضور آقای مهندس میرشاهی از هیأت رئیسه کمیته تخصصی اتوماسیون و مخابرات سنديکا، مقرر شد از آقای مهندس سروش به عنوان میهمان در جلسه آتی دعوت بعمل آید.

در پایان اعضای هیأت رئیسه به اتفاق آرا به این نتیجه رسیدند که به منظور اعتراض به نحوه عملکرد نامطلوب وزارت نیرو و شرکت توانیر، در نمایشگاه جانبی کنفرانس بین المللی برق مهرماه ۹۷ و نمایشگاه بین المللی صنعت برق آبان ماه ۹۷ حضور نداشته باشند.

کمیته تخصصی مهندسی بازرگانی

بررسی طرح تشکیل کمیته روابط بین الملل سنديکا

جلسه کمیته تخصصی مهندسی بازرگانی سنديکای صنعت برق ایران هفدهم مهر سال جاری در محل سنديکا برگزار شد.

در ابتدای جلسه رئیس کمیته توضیحاتی درباره نشست سنديکا با مدیرکل صنایع برق و الکترونیک وزارت صمت و مسائل مطرح در آن جلسه، ارائه داد. در ادامه اعضا با تاکید بر اینکه وجود بازار ثانویه ارز در کشور ضروری است، موضوعاتی از قبیل جلوگیری از توقف واردات، درخواست تقلیل ثبت سفارشات به کمتر از ۳ ماه را مورد بحث و بررسی قرار دادند.

در این جلسه همچنین درباره تشکیل کمیته روابط بین الملل سنديکا که جلسات مشترکی هم با کمیته توسعه صادرات در این زمینه برگزار شده، بحث و تبادل نظر صورت گرفت و بنا شد پروپوزال تشکیل این کمیته بررسی و درباره آن اعلام نظر شود.

با توجه به عدم حضور آقای مهندس عبدالهی از اعضای هیأت رئیسه در جلسات کمیته، آقای مهندس میلانی با کسب رای بالا بعنوان عضو علی البدل جایگزین ایشان و عضو اصلی هیأت رئیسه انتخاب شدند.

کمیته سازندگان یراق آلات توزیع

بررسی تشکیل کارگروه دریافت مواد اولیه برای کارگاه های صنعتی کوچک

جلسه کمیته سازندگان یراق آلات توزیع سنديکای صنعت برق ایران دهم مهر سال جاری در محل سنديکا برگزار شد.

با توجه به پیگیری های رئیس کمیته در خصوص وصول بیش از نیمی از مطالبات اعضای کمیته از سوی شرکت توانیر مقرر شد شرکت های عضو کمیته، کلیه مطالبات خود را اعلام کنند تا به فهرست مطالبات دریافتی کمیته اضافه شود.

با تصمیم اعضا مقرر شد پیرو قول مساعد مهندس حائری معاون وزیر نیرو در امور برق و انرژی در نشست پایان سال ۱۳۹۶ سنديکا در خصوص پیگیری و پرداخت باقی مطالبات معوقه اعضای کمیته، نامه تشکر و اعلام پنجمین مرحله پرداخت از سوی دبیرخانه سنديکا برای ایشان ارسال شود.

همچنین در خصوص ارزیابی اعضای کمیته در کمیته ارزیابی و تشخیص صلاحیت سنديکا و اعلام نظر در مورد مدارک ارزیابی توانیر، آیین نامه ارزیابی توسط اعضا بررسی و مقرر شد کارگروهی با حضور چند نفر از اعضای کمیته به بررسی نهایی ارزیابی پرداخته و در جلسه آینده جهت تبادل نظر ارائه شود.

با موافقت اعضا مقرر شد درخواست تشکیل کارگروه دریافت مواد اولیه برای کارگاه های صنعتی و کوچک از سوی کمیته به دبیرخانه سنديکا اعلام شود. همچنین در خصوص بررسی راهکارهای حسن ختام قراردادهای متوقف با اتکا به ابلاغیه های توانیر و وزارت نیرو به شرکت های زیرمجموعه، مقرر شد درخواست تعدیل منطقی و خاتمه قراردادها به توجه به بحران اقتصادی حاضر مورد بررسی قرار گیرد.

کمیته مهندسی مشاور

بررسی میزان درصد ارزیابی قراردادها

جلسه هیات رئیسه کمیته تخصصی مهندسی مشاور سنديکای صنعت برق ایران بیست و چهارم مهر سال جاری در محل سنديکا برگزار شد.

در ابتدای جلسه گزارشی درباره وضعیت مالی نامطلوب شرکت های مشاور ارائه و تاکید شد که علیرغم افزایش قیمت پروژه ها و حجم کار



جهت تامین هزینه‌های تولید و انتقال و توزیع برق در اختیار وزارت نیرو قرار گیرد و مطلقاً برداشتی از درآمدهای فروش برق، برای پرداخت طرح هدفمندی یارانه‌ها صورت نپذیرد.

یکی دیگر از نکاتی که سندیکا بر آن تأکید کرده بود الزام وزارت نیرو به پرداخت دیون معوق خود به بخش خصوصی بود. براین اساس پیشنهاد شده بود که وزارت نیرو مکلف شود دیون خود به شرکت‌های بخش خصوصی صنعت برق در طرح‌های عمرانی و توسعه‌ای را از اعتبارات و منابع حاصله به صورت نقدی پرداخت کند و از ابزارهای بازار بدهی مانند اوراق خزانه اسلامی صرفاً برای طرح‌های کلان (صد برابر سقف معاملات متوسط) استفاده کرده و این روند را برای قراردادهای جاری نیز اعمال کند.

بند «د» تبصره ۶ قانون بودجه سال ۱۳۹۷ که تحقق عوارض موضوع ماده ۵ قانون حمایت از صنعت برق را در قالب دریافت ۸ درصد مبلغ برق مصرفی مشترکین پیش بینی کرده است، موضوع پنجمین پیشنهاد سندیکا برای برون رفت از بحران است. در این بخش ضمن تأکید بر این نکته که عبارت «پس از تبادل موافقت نامه با سازمان برنامه و بودجه» موجب عدم همکاری این سازمان و امتناع از پرداخت عوارض دریافتی و تحقق بودجه مورد نظر شده است، پیشنهاد شده که به منظور تحقق این بند قانونی، این عبارت از متن قانون حذف شود.

تخصیص مالیات بر ارزش افزوده دریافتی از مشترکین برق، به وزارت نیرو و با نظارت سازمان برنامه، جهت جبران کسری بودجه طرح‌های عمرانی هم آخرین پیشنهاد سندیکا در این نامه بود.

شش پیشنهاد سندیکایی برای عبور از بحران صنعت برق

سندیکای صنعت برق ایران پیشنهادات خود برای عبور صنعت برق ایران از شرایط بحرانی در وضعیت کنونی اقتصاد را جهت طرح در دولت، مجلس شورای اسلامی و سایر نهادهای تصمیم ساز به مرکز پژوهش‌های مجلس و اتاق بازرگانی ارسال کرد.

اولین پیشنهاد سندیکا در خصوص خاتمه قراردادهای پیمان‌های حوزه نیرو بود. در این بخش عنوان شده است: «دستورالعمل خاتمه قراردادهای پیمان‌های حوزه نیرو در شرایط خاص» توسط سازمان برنامه و بودجه و با همکاری وزارت نیرو و نمایندگان تشکل‌های صنفی، به نحوی تدوین و ابلاغ شود که با تفویض اختیار ویژه به دستگاه‌های اجرایی (وزارت نیرو)، قراردادهایی که اجرای آن بدلیل عوامل خارج از کنترل پیمانکاران مانند افزایش قیمت تجهیزات مورد نیاز و یا عدم فروش شرکت‌های خارجی و عدم امکان جایگزینی آنها توسط سازندگان داخلی، دچار توقف و یا تاخیر شده است، با مجوز کارگروه مشترک وزارت نیرو و تشکل صنفی، «خاتمه یابد» و دیون پیمانکار تسویه شود.»

لزوم تخصیص ارز دولتی به تجهیزات اساسی مورد نیاز صنعت برق، دومین پیشنهاد سندیکا برای برون رفت از شرایط بحرانی فعلی بود: «دولت به بانک مرکزی مجوز دهد که تجهیزات اساسی مورد نیاز صنعت برق، با توجه به اینکه برق جزء نیازهای حیاتی است و عدم تامین آن با هزینه‌های پایین منجر به اختلال در عرضه برق و بروز خاموشی در کشور می‌گردد، جزء اقلام گروه یک برای تخصیص ارز دولتی قرار گیرد.»

سندیکا همچنین پیشنهاد کرده بوده که درآمدهای حاصل از فروش برق به مشترکین،

مشاوران، تا این لحظه اقدام مفیدی جهت ابلاغ بخشنامه مناسب برای حق الزحمه مشاوران (هرچند اخیراً با تلاش‌های سندیکا و کمیته، بخشنامه‌ای از طرف سازمان مدیریت و برنامه ریزی برای پیمانکاران و سازندگان ابلاغ شده)، صادر نشده است.

در ادامه جلسه، اعضا درباره هزینه مشاوران توافق داشتند که هزینه‌های شامل خودرو، تعداد سفرو... را در قراردادهای محاسبه کنند تا فشار مالی کمتری به مشاوران تحمیل شود. در این زمینه مقرر شد نامه مهندس درافشان از طرف سندیکا و کمیته بررسی و به سازمان مدیریت و برنامه ریزی ارسال شود تا در صورت موافقت، پرداخت هزینه طراحی و نظارت عالی به نظام مندر نظر گرفته شود.

بررسی تهیه نظامنامه خدمات مهندسی برق محور دیگر جلسه بود که مقرر شد مهندس درافشان اقداماتی در این زمینه انجام دهند تا پس از اعمال نظر از سوی صاحب نظران، ابلاغ شود. همچنین مجدداً تأکید شد درصد ارزیابی در قراردادها، شاخص مبنای ارز، شاخص دوره و منبع آن حتماً در قرارداد قید شود تا قراردادهای خرید و اجراء با مشکل مواجه نشود. در پایان جلسه اعضا توافق کردند جهت پیگیری وصول بخشنامه مناسب جهت خدمات مهندسی و نظام مندسازی دریافت هزینه‌ها در جلسات هیات رئیسه راساً شرکت کنند.

اعلام آمادگی شرکت‌های عضو سندیکا برای مشارکت در بازسازی سوریه

مهندس علی بخشی، رئیس هیات مدیره سندیکا در نشست صبح امروز وزیر برق کشور سوریه با نمایندگان شرکت‌های عضو سندیکای برق ایران که در محل وزارت نیرو برگزار شد، از توانمندی و آمادگی شرکت‌های عضو سندیکا برای بازسازی زیرساخت‌های برق سوریه خبر داد و گفت: امیدواریم براساس تفاهم بتوانیم شکل سیستماتیکی برای حضور شرکت‌های ایرانی و نظارت بر عملکرد آنها در سوریه داشته باشیم.

وی با اشاره به مشکلات خط اعتباری سوریه گفت: یکی از مشکلات ما در همکاری‌های خطوط اعتباری است که ما با کمک وزارت نیرو در حال پیگیری این موضوع هستیم. رئیس هیات مدیره سندیکا در پایان تأکید کرد: امیدواریم دستور بفرمایید که تفاهم نامه بین سوریه و سندیکا اجرایی شود و از شما برای حضور در نمایشگاه صنعت برق که اوایل نوامبر در تهران برگزار خواهد شد، دعوت به عمل می‌آوریم.

اولویت ما در بازسازی سوریه همکاری با شرکت‌های ایرانی است

زهیر خربوطلی، وزیر برق سوریه اظهار کرد: به عنوان یک متخصص در وزارت برق کشور

سوریه شاهد این هستیم که اکثر قراردادهای شرکت‌های ایرانی است و اولویت ما در بازسازی سوریه با شرکت‌های ایرانی است. وی خواستار برقراری ارتباط مستقیم شرکت‌های خصوصی ایرانی در خصوص فعالیت‌های تخصصی و کاری با وزارت برق سوریه شد و ادامه داد: صادقانه اعلام می‌کنم که تمایل دارم تمامی پروژه‌های برقی کشور سوریه توسط شرکت‌های ایرانی اجرا شود.

خربوطلی همچنین از شرکت‌های فعال ایرانی در زمینه تولید انرژی‌های تجدیدپذیر خورشیدی یا بادی دعوت کرد تا در کشور سوریه سرمایه‌گذاری کنند و برق تولیدی را به وزارت برق آن کشور بفروشند.

وزیر برق کشور سوریه تصریح کرد: دولت سوریه در زمینه فروش برق به این کشور مقررات و قوانین تشویق‌کننده و ویژه‌ای را وضع کرده است.

وی افزود: در جریان حملات تروریست‌های تکفیری به کشور سوریه، بیش از ۵۰ درصد شبکه برق این کشور آسیب جدی دیده و ما درصددیم که بتوانیم با کمک شرکت‌های خصوصی ایرانی بخش‌های آسیب‌دیده را بازسازی کرده تا خدمات‌رسانی به مردم سوریه همچون گذشته از سر گرفته شود.

دولت سوریه، واردات از ایران را معاف از مالیات اعلام کرده است

عدنان محمود، سفیر سوریه در تهران نیز سفر وزیر برق این کشور به جمهوری اسلامی ایران

را هم‌راستا با دیدگاه‌های راهبردی دولت جمهوری عربی سوریه به منظور بازسازی صنعت برق این کشور عنوان کرد و گفت: سفارت سوریه در تهران تمهیداتی برای ارتباط‌گیری مستقیم شرکت‌های ایرانی با وزارت برق سوریه در نظر گرفته است.

وی از مصوبه اخیر دولت سوریه مبنی بر معاف کردن هرگونه مالیات و عوارض واردات از جمهوری اسلامی ایران خبر داد و افزود: امیدواریم خط دوم اعتباری نیز برای تأمین نیازمندی‌های سوریه در زمینه تأمین قطعات و مواد اولیه در بخش‌های مختلف اجرایی شود.

با دستور معاون اول رئیس جمهور؛

تمامی بخشنامه‌ها قبل از ابلاغ باید به اطلاع بخش خصوصی برسد

غلامحسین شافعی، رئیس اتاق بازرگانی ایران در نامه‌ای خطاب به جهانگیری، معاون اول رئیس جمهور درخواست کرده بود که پیش از ابلاغ بخشنامه‌ها، فعالان اقتصادی بخش خصوصی را نسبت به آنها آگاه کرده و در جریان قرار دهند.

در این نامه آمده بود که صدور بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها بدون پیش‌آگاهی مشکلات جدی برای فعالان اقتصادی و همچنین سازمان‌های مربوط ایجاد کرده و خسارت‌های قابل توجهی را در پی خواهد داشت. این در



بی سابقه‌ای افزایش یافته است. با این وجود شرکت‌های دولتی و صنایع بالادستی تولیدکننده مس و آلومینیوم علیرغم برخورداری از منابع ملی از قبیل معادن، یازانه انرژی و ...، برای فروش به صنایع پایین دستی به خصوص در شرایط کنونی انعطافی نشان نمی‌دهند. به نظر می‌رسد برای بقا و ادامه حیات تولیدکنندگان صنایع پایین دستی و در راستای حمایت از تولیدات داخلی، ضروریست تدابیر و امتیازات مالی ویژه‌ای بکار گرفته شود. این امتیازات می‌تواند شامل استفاده گسترده و هدفمند از اعتبارات اسنادی مدت دار باشد بطوریکه شرکت‌های تولیدکننده بخش خصوصی بتوانند با پرداخت درصدی از مبلغ مواد اولیه به عنوان پیش پرداخت، الباقی هزینه مربوط را در مدت زمان ۳ تا ۶ ماه تسویه نمایند. شایان ذکر است این تجربه تا چندی قبل توسط شرکت صنایع ملی مس ایران در قالب اعتبار اسنادی ۱۰٪ نقد + ۹۰٪ به مدت ۹۰ روز ارائه می‌شد اما اخیراً این اعتبار به ۲۰٪ نقد + ۸۰٪ شصت روزه تغییر یافته است. در پایان با تاکید بر اینکه ایجاد امکان فروش اعتباری فلزات رنگین ضمن افزایش قدرت رقابت پذیری و تقویت ساخت داخل، کاهش هزینه تامین مالی تولیدکنندگان و قیمت تمام شده تجهیزات، افزایش قدرت خرید مصرف‌کنندگان و نیز کاهش هزینه پروژه‌های عمرانی، می‌تواند به ایجاد یک جهش صادراتی نیز منجر شود از رئیس هیات عامل سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران درخواست می‌شود ترتیبی اتخاذ کنید که امکان فروش اعتباری فلزات از سوی صنایع بالادستی به صنایع پایین دستی فراهم شود. ■

نوسان قیمت ارز و فلزات، اقتصاد کشور به شدت دچار بی‌ثباتی است. این مساله در کنار مطالبات معوق مانده بخش خصوصی از دولت و نرخ بالای تامین مالی منجر به کمبود شدید نقدینگی و ایجاد چالش‌های جدی برای تولیدکنندگان به ویژه در حوزه تامین مواد اولیه شده است. هزینه بالای تامین مالی در شرایطی که امروز صنایع بالادستی برای فروش محصولات خود به سازندگان تجهیزات تحمیل کرده‌اند، بدون تردید به کاهش چشمگیر صادرات، از بین رفتن قدرت رقابت پذیری این شرکت‌ها در بازارهای بین‌المللی و کاهش نفوذ اقتصادی ایران در بازارهای هدف منجر خواهد شد.

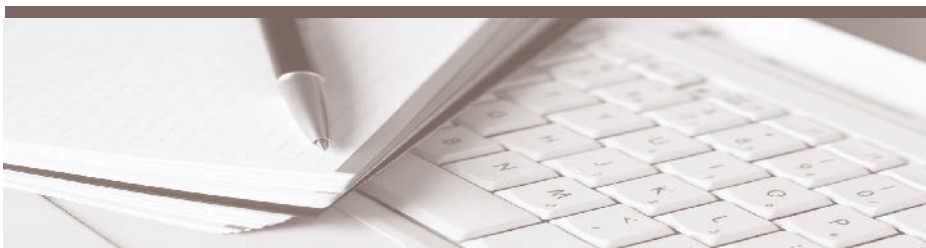
در ادامه عنوان شده است که صنعت برق، به نوعی اصلی‌ترین مصرف‌کننده فلزات رنگین در ایران محسوب می‌شود، بطوریکه از ۲۵۰ هزار تن مس تولیدی در کشور، قریب به ۱۴۰ هزار تن آن تنها در صنعت کابل‌سازی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این در حالیست که تصمیم اخیر دولت در آزادسازی رقابتی قیمت در بورس (حذف سقف رقابت) باعث افزایش بی‌سابقه قیمت‌ها در حوزه مواد اولیه مصرفی نظیر مس و آلومینیوم به میزان ۲-۳ برابر قیمت‌های قبل از زمان حذف این سقف شده است. این نامه می‌افزاید: از طرفی امتناع دولت از تزریق پول به پروژه‌های ملی و تسری مشکلات ناشی از آن به پیمانکاران، باعث کاهش میزان ورودی‌های مالی به این شرکت‌ها شده است. این شرایط شرکت‌های تولیدکننده را ناچار به استقراض از بانک‌ها جهت جلوگیری از توقف تولید کرده، به گونه‌ای که در این ایام سقف بدهی این شرکت‌ها به بانک‌ها به صورت

حالیست که مطابق ماده ۲۴ قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار، دولت و دستگاه‌های اجرایی مکلفند به منظور شفاف‌سازی سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی و ایجاد ثبات و امنیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری هر گونه تغییر سیاست‌ها، مقررات و رویه‌های اقتصادی را در زمان مقتضی قبل از اجرا از طریق رسانه‌های گروهی به اطلاع عموم برسانند. در این نامه در خواست شده به منظور جلوگیری از خسارت به فعالان اقتصادی، علی‌الخصوص در ارتباط با امور صادرات و واردات قبل از ابلاغ بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها زمان معقولی را مشخص و به فعالان اقتصادی به عنوان پیش آگهی اعلام کنند.

پیرو نامه رئیس اتاق بازرگانی ایران، معاون اول رئیس جمهور در نامه‌ای به وزرای بهداشت، جهاد کشاورزی و صمت و همچنین رئیس کل بانک مرکزی درخواست کرده است موضوع ضرورت اطلاع‌رسانی به فعالان اقتصادی را بررسی کرده و اقدامات لازم را انجام دهند.

درخواست تسهیل فروش اعتباری فلزات از سوی صنایع بالادستی

سندیکای صنعت برق ایران در نامه‌ای به دکتر معظمی، معاون وزیر صمت و رئیس هیات عامل سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران درخواست کردند شرایط فروش اعتباری فلزات از سوی صنایع بالادستی به صنایع پایین دستی تسهیل شود. در ابتدای این نامه تاکید شده است که با



ستبران

به اطلاع مدیران، متخصصان، صنعتگران و پژوهشگران عزیز می‌رساند، روابط عمومی سندیکای صنعت برق ایران برای حمایت از توان و تولید داخل و به منظور معرفی آخرین دستاوردها و فعالیت‌های علمی و پژوهشی در نظر دارد، در هر شماره از ماهنامه خبری و اطلاع‌رسانی ستبران مقالات علمی و پژوهشی شرکت‌های عضو و همچنین دانشگاهیان و پژوهشگران صنعت برق را به چاپ برساند. بدینوسیله از همه دست‌اندرکاران و فعالان صنعت برق دعوت می‌شود تا در صورت تمایل، مقالات خود را به واحد روابط عمومی سندیکا، نشریه ستبران، ارسال کنند.

فراخوان مقاله

ستبران

راهنمای اشتراک

ستبران، ارگان سندیکای صنعت برق ایران، تلاش می کند به منظور معرفی پتانسیل های حقیقی بخش خصوصی صنعت برق، به ویژه در حوزه سازندگان، پیمانکاران، مشاوران و شرکت های مهندسی بازرگانی، تصویر روشنی از توانمندی های این بخش نشان دهد. به علاوه شناسایی و بررسی چالش ها و گلوگاه های صنعت با هدف طرح دیدگاه های مختلف و روشن کردن زوایای مختلف اقتصاد کلان و خرد کشور هم از جمله دیگر سیاست های این نشریه است.

از فعالان صنعت برق و انرژی کشور دعوت می شود در صورت تمایل به اشتراک نشریه ستبران، ضمن تکمیل فرم ذیل، بهای اشتراک را براساس تعرفه، به حساب شماره ۱۴۷۵۱۸۱۷/۰۸ بانک ملت جاری جام، شعبه امیراتابک به نام سندیکای صنعت واریز و رونوشت فیش بانکی را همراه با فرم اشتراک تکمیل شده به شماره نمابر ۶۶۹۴۴۹۶۷ دبیرخانه سندیکا دورنگار نمایید.

هزینه اشتراک یک ساله:	پست عادی: ۲۴,۰۰۰ تومان	پست پیشتاز: ۶۰,۰۰۰ تومان
هزینه اشتراک دوساله:	پست عادی: ۴۸,۰۰۰ تومان	پست پیشتاز: ۱۲۰,۰۰۰ تومان

- دانشجویان و اساتید محترم دانشگاه ها با ارسال کارت یا گواهی نامه معتبر از ۱۰ درصد تخفیف برخوردار می شوند.
- خواهشمند است، مشترکین محترم در صورت تغییر نشانی، امور مشترکین را مطلع نمایند.
- با توجه به اینکه تنها عدم وصول مجلاتی که بصورت پیشتاز ارسال می شوند قابل پیگیری است لذا توصیه می شود از خدمات پست پیشتاز استفاده شود.



فرم اشتراک ستبران

لطفاً در مستطیل روبرو چیزی ننویسید

مشترک حقوقی

مشترک حقیقی

نام شرکت / سازمان:	نام:
نام متقاضی:	نام خانوادگی:
نام خانوادگی متقاضی:	شغل:
سمت:	تحصیلات:

محل امضا

تعداد نسخه درخواستی از هر شماره:

نوع اشتراک: اشتراک جدید تمدید اشتراک

نشانی:

تلفن:	شماره فیش:
نمابر:	مبلغ:
موبایل:	بانک:
ایمیل:	تاریخ واریز هزینه اشتراک: